

ماهنامه فرهنگی اجتماع جوانان ایران ۱۳۸۸
شماره ۱۳۸۵ پیاپی ۴۹۸ / بهمن ماه ۱۳۹۵ / قیمت ۳۰۰۰ تومان

شهادت

انقلاب روی کاغذ

نسل وای فای و تکنولوژی

انقلابی که انقلاب کرد

خسونت داعش و اسلام رحمانی

وقتی بچه‌ها یک کابینه را ساقط می‌کنند

ما را آتش بر استاده ایم
ما را آتش بر استاده ایم

شعار جوانان امروز...



بزنند راه را



ماهنامه فرهنگی و اجتماعی
شماره ۱۳۸ بهمن ماه ۹۵

قیمت: ۱۳۰۰ تومان

صاحب امتیاز: بنیاد شهید و امور ایثارگران
مدیرمسئول و سردبیر: محبوب شهبازی
جانشین سردبیر: یوسف قدیانی
مدیر اجرایی: مهدی مازنی

دبیر تحریریه: آمنه آدینه
طراح گرافیک و مدیر هنری: امید بهزادی
مدیر داخلی: سیده زینب اسکندریان
ناظر فنی چاپ: علیرضا قاسمی
حروفچین: ویدا امید

امور فنی: آتلیه شاهد
تلفن تحریریه: ۸۸۳۰۸۰۸۶
تلفن امور مشترکین: ۸۸۸۲۳۵۸۴
دورنگار امور مشترکین: ۸۸۳۰۸۳۴۸

ناشر: انتشارات شاهد
تهران - خیابان طالقانی - خیابان ملک الشعراء
بهار شمالی - شماره ۵
تلفن: ۸۸۸۴۲۲۴۷

آدرس الکترونیکی:
Email: javan@shahedmag.com
صندوق پستی: تهران ۱۵۷۱۵/۱۹۴

چاپ: چاپخانه سازمان فرهنگی سیاحتی کوثر

* شاهد جوان برای جوانان ۱۷ تا ۲۵ سال
منتشر می شود.
* مجله در تلخیص و ویرایش مطالب رسیده
آزاد است.

* مطالب رسیده بازگردانده نمی شود
* نقل مطالب مجله با ذکر مأخذ مجاز است

- حرف اول: ۴ / عددهایت افزون باد
یادداشت: ۵ / خواهر طاهره و قصه اش
برداشت آزاد: ۶ / انقلاب روی کاغذ
دخترانه، پسرانه: ۸ / در ازدواج موانع فرهنگی بزرگتر از موانع اقتصادی است
مادرانه، پدرانه: ۱۰ / وقتی بچه ها یک کابینه را ساقط می کنند
اجتماع: ۱۲ / انقلابی که انقلاب کرد
حماسه آفرین: ۱۴ / خانواده حماسی
راه و چاه: ۱۶ / نقش بهبود نظام حقوق مالکیت فکری در بهبود محیط کسب و کار
مهارت: ۱۸ / نسل وای فای و تکنولوژی
مطبخ: ۱۹ / مرغ فلورنتاین یک غذای زمستانی
لبخند: ۲۰ / الموت الصدام
جدول: ۲۱ / جدول
زندگی به سبک دیگر: ۲۲ / جستجوی خویشتن
سرچشمه: ۲۴ / کربلا در کربلا می ماند اگر زینب نبود!
عافیت: ۲۶ / گوگرد، شاه داروی بدبو
سلامت: ۲۸ / بر ساحل سلامت
خانه دوست: ۳۰ / بهشتی در نزدیکی پایتخت
موج سازان: ۳۲ / بهشتیان روی زمین
نور و نقره: ۳۴ / آرامش و مردانگی آمنه برایم همچون مناجات بود
نقد و نظر: ۳۶ / چه رویاهایی که می آیند
علمی: ۳۸ / دستاوردهای ایران زمین
روبه رو: ۴۰ / نشانه ای برای هویت
یک، دو، سه: ۴۲ / سکوهاي افتخار
بین الملل: ۴۶ / خشونت داعش و اسلام رحمانی
دریچه: ۴۸ / فرمت فایل ها در ویندوز ۱۰ چگونه نمایش داده می شود؟
داستان: ۵۰ / خاطرات حضرت آیت الله خامنه ای از روزهای پیروزی انقلاب اسلامی
شعر: ۵۲ /
بازار کتاب: ۵۳ /
باشگاه مهربانی: ۵۴ /
تفأل: ۵۶ /
انگلیسی: ۵۸ /

عده‌های افزون باد

ساله‌ای بود که پس از جنگ ویتنام طولانی‌ترین جنگ قرن بیستم بود. آنچه موجب شگفتی است رسیدن عدد روی یک تولد بزرگترین رویداد قرن است. این عدد به ۳۸ رسیده و انقلاب کشورمان وارد ۳۹ سالگی پیروزی خود شده است. عددی که شاید بسیاری فکر نمی‌کردند که به تعداد انگشتان یک دست برسد و در نهایت اکنون در اوج بلوغ و اعتبار نه تنها در منطقه که در جهان رسیده است.

هر سال در همین حوالی بهمن‌ماه در خیابانی به نام انقلاب و آزادی، جمع کثیری از مردم کشورمان در راهپیمایی‌ای که از میدان انقلاب عبور می‌کند و پس از طی خیابان آزادی در نهایت در میدانی به نام آزادی شکرگذار اتفاقی خواهند بود که سال به سال بر عده‌های پیروزی آن افزوده می‌شود. عده‌های افزون باد...

و مشاوره‌های سیاسی به قدرتمندترین کشور خاورمیانه بود. پادشاهی که با اقتدار تمام در حال حکمرانی بود و تمام امکانات را در اختیار داشت. اما عزم و اراده یک ملت بسیار قدرتمندتر از همه‌ی پیشبینی‌ها بود و در بهمن ۵۷ حرکتی که از ابتدای دهه ۴۰ آغاز شده بود به ثمر نشست تا درسی باشد برای نه تنها مردم ستمدیده خاورمیانه که تمام دنیا. عزم مردم برای این اتفاق فراتر از تصور بود و باعث شد تا مرد مقتدر دهه ۴۰ و ۵۰ آواره کشورهای مختلف شود و در مقابل فرودستان ستمدیده با وجود عدم مهارت در کشورداری و مدیریت، خود زمام امور را در دست بگیرند و حوادث گوناگونی را از سر بگذرانند که آنها را در گوران حوادث ابدیده کرد.

مهمترین حادثه که مردم کشور ما و تنها در دو سال کمتر از پیروزی انقلاب تجربه کردند جنگ هشت

عده‌ها برای ما انسان‌ها ممکن است دلهره‌آور باشد. اینکه سی یا چهل سالگی را پشت سر بگذاریم ممکن است ما را نگران کند که به دوره میانسالی و سالمندی نزدیک می‌شویم. ولی سال‌ها و عده‌ها در مورد پدیده‌های اجتماعی و ملی موجب فخر و مباهات است. به خصوص در مورد انقلاب‌ها.

انقلاب‌های متعددی در گوشه و کنار جهان به ثمر رسیده و برخی دوره‌شان به انقضاء رسیده و برخی دیگر همچنان به حیات خود ادامه می‌دهند. در بهمن سرد ۳۸ سال پیش مردم کشورمان اتفاقی را به ثمر رساندند که کسی باوری به آن نداشت. کسی در خارج از مرزهای این کشور آن را پیش‌بینی نکرده بود و بسیاری از سیاسیون و جامعه‌شناسان خارجی را متوجه این کرد که عزم و اراده یک ملت بسیار قدرتمندتر از تمام تجهیزات نظامی



○ جواد حسینی نصر

خواهر طاهره و قصه اش



سالگردی دیگر از انقلاب اسلامی جای خالی او احساس شود و در عین حال به عنوان یکی از الگوهای مناسب برای نوجوانان و جوانان این مرز و بوم همیشه ماندگار باقی بماند.

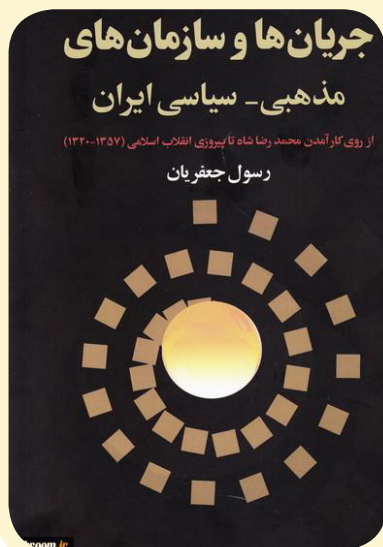
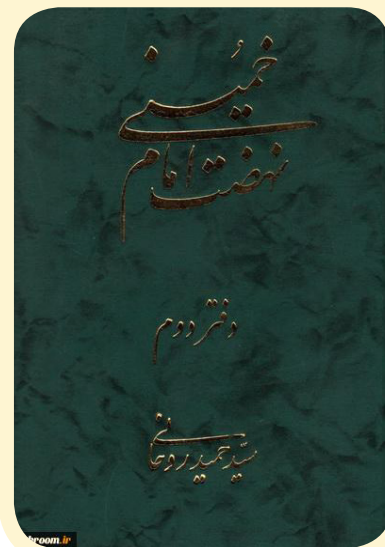
سرگذشت خواندنی مرضیه حدیده‌چی دباغ در کتابی به قلم محسن کاظمی منتشر شده که خواندنش در روزهای نبودن خواهر طاهره خواندنی است و می‌تواند سرمشق بسیاری که جوانان امروز ما در مواجهه با مشکلات و سختی‌ها در راه اعتقاد و هدف و عقیده باشد. برای او که مردانه مبارزه کرد و مفهوم زن انقلابی را نه تنها برای مردمان داخل مرزهای ایران که برای مردم جهان تعریف کرد، خواهر طاهره نمونه‌ی واقعی زن انقلابی و مبارز بود که سرگذشت و مبارزات و جانفشانی‌هایش تا ابد در خاطره‌ی تاریخی مردم باقی خواهد ماند.

عوامل ساواک، از روزگار مهاجرت به خارج از کشور تا همراهی امام (ره)، از همراهی با شهید محمد منتظری و آموزش نیروهای چریکی در سوریه و لبنان تا پیروزی انقلاب و بازگشت به کشور.

دو دهه همراهی با انقلاب منجر به پیروزی انقلابی شد که او و بسیاری از مبارزان انقلابی آن را پیش برده و در نهایت به ثمر رسانده بودند. پیروزی انقلاب آغاز تازگی یک حرکت بود از فرماندهی سپاه همدان که شاید برای جوانان امروز چندان باورپذیر نباشد تا سه دوره نمایندگی مجلس و فعالیت‌های متعدد سیاسی، فرهنگی و اجتماعی که همه در راستای حمایت از انقلاب نوپای اسلامی ایران بود. طاهره دباغ در نهایت در اواخر آبان‌ی که گذشت پس از ۷۷ سال زندگی پرفراز و نشیب و منشاء خیر و برکت دار فانی را وداع گفت تا امروز در آستانه‌ی

قصه‌ی ما درباره کسی است که همه‌ی سختی‌ها و حوادث باعث نشد تا او یک گام از اصول و مواضعش عقب نشینی نکند.

قصه‌ی مرضیه حدیده‌چی دباغ است که خیلی‌ها او را با نام طاهره دباغ می‌شناسند تا جایی که امام خمینی (ره) هم او را خواهر طاهره صدا می‌زد. قصه‌ی خواهر طاهره و دخترش و شرح شکنجه‌های ساواک در کتاب زندگینامه‌اش به صورت کامل آمده و نیاز به تکرار نیست. چند سال پیش در همین مجله شاهد جوان گفتگویی با خانم دباغ انجام داده بودیم. به دفتر جمعیت زنان مراجعه کردیم و در اتاقی ساده و روی میبل‌های قدیمی و کم بها در مقابل یکی از گران‌بهاترین یاران انقلاب نشستیم. زندگی او پراز فراز و نشیب بوده است. از شاگردی آیت‌الله سعیدی تا دستگیری و شکنجه توسط



بهترین کتاب‌هایی که درباره انقلاب ایران نوشته شده‌اند

انقلاب روی کاغذ

○ مونا قائمی

کتاب‌های منتشره در زمینه مورد بحث است. مهم‌ترین سؤالی که این کتاب تلاش می‌کند به آن پاسخ بدهد این است که با توجه به اینکه پس از انقلاب مشروطه، عمدتاً نیروهای سکولار در عرصه سیاست ایران فعال بوده‌اند، چگونه است که نیروهای مذهبی و مرجعیت در رأس حرکت انقلابی مردم ایران قرار گرفتند و نهایتاً نظامی اسلامی تاسیس شد.

۳. گام به گام با انقلاب، نوشته اکبر خلیلی، این کتاب حاصل دیده‌ها و شنیده‌های نویسنده از سال ۵۷ تا ۵۸ و در اوج انقلاب اسلامی است. جلد اول کتاب با عنوان فرعی «پیدایش انقلاب اسلامی» از ۱۷ شهریور ۵۷ تا پیروزی انقلاب در ۲۲ بهمن ۵۷ را دربرمی‌گیرد. جلد دوم با عنوان فرعی «انقلاب دوم» وقایع پس از پیروزی انقلاب تا استعفای دولت بازگان را شامل می‌شود و در برگزیده وقایع روزانه آن سال‌ها، سخنرانی‌ها، اعلامیه‌ها، مصاحبه‌ها و عکس‌هاست.

۴. حکمت و سیاست، خاطرات سید حسین نصر، سلسله گفتگوهای از اواخر سال ۸۸ تا اوایل سال ۸۹ که در محل کار دکتر نصر در واشنگتن آمریکا صورت گرفته و مشاهدات او از حضور متفقی‌ن در ایران، دلایل مهاجرت به آمریکا، تحصیل در دانشگاه‌های ام.آی.تی و هاروارد، تدریس در دانشگاه تهران، سیاست حکومت پهلوی در برخورد با دانشجویان و انجمن‌های دانشگاهی،

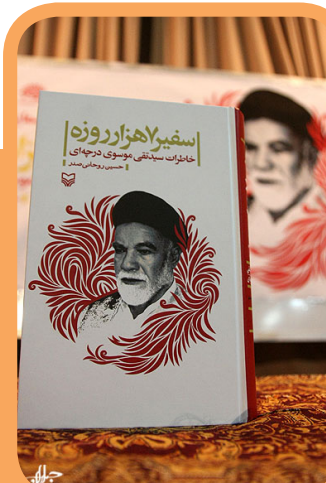
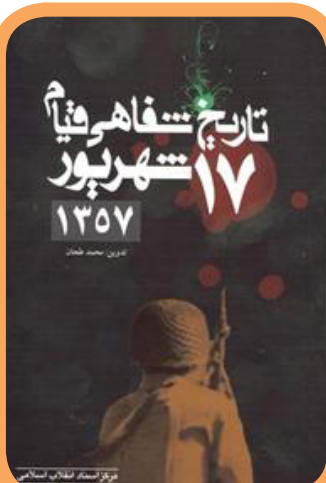
با توجه به کثرت این آثار، در این مجال اندک به برخی از مهم‌ترین آنها اشاره و شرح مختصری درباره هر یک را ارائه می‌کنیم.

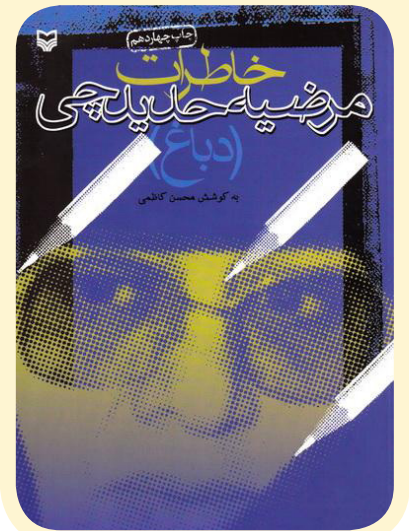
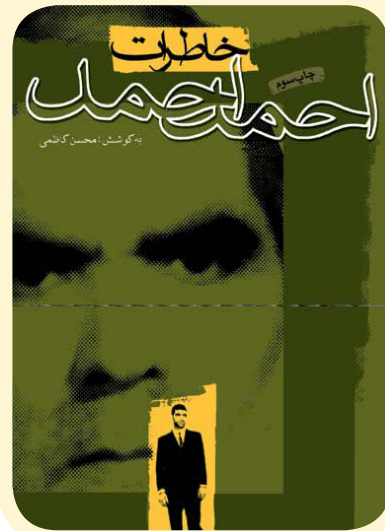
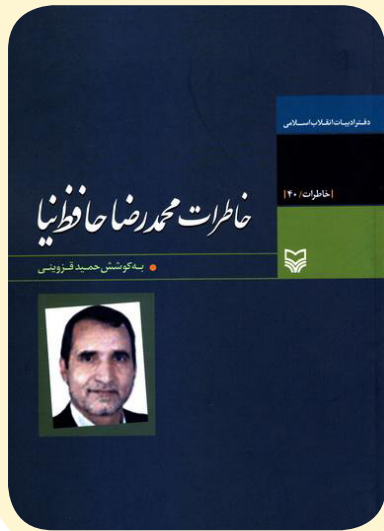
۱. نهضت امام خمینی، نوشته سید حمید روحانی. این مجموعه نخستین بار در سال ۸۱ چاپ شد. نویسنده با ارائه شواهد، اسناد و مدارک به بررسی تاریخ نهضت امام خمینی می‌پردازد و سعی می‌کند جزئیات نهضت را بازگو کند. وی در مقدمه کتاب یادآور می‌شود که از ابتدای نهضت امام، جریان‌های درونی و بیرونی نهضت را پیگیری کرده و غیر از یک سال تبعید امام در ترکیه، در سایر تبعیدها و هجرت‌ها در کنار امام بوده و همواره اسناد و اطلاعات لازم را گردآوری کرده است.

۲. جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی سیاسی ایران، نوشته رسول جعفریان، از جمله جامع‌ترین

وقایع پس از خرداد سال ۴۲ و آغاز نهضت امام خمینی که نهایتاً در بهمن سال ۵۷ به انقلاب اسلامی منجر گردید، مهم‌ترین برهه تاریخ معاصر ایران است که رد آن را بیشتر می‌توان در خاطرات کسانی گرفت که در آن سال‌ها درگیر مبارزه با رژیم ستمشاهی بودند و بعضاً زندان‌ها و شکنجه‌های فراوانی را نیز تجربه کردند. متأسفانه بخشی از این خاطرات چندان مستند به مدارک و اسناد قابل قبول نیستند و تنها به محفوظات گوینده خاطرات تکیه دارند، اما با مقایسه تطبیقی آنها می‌توان به واقعیت‌های تاریخی قابل اطمینانی دست پیدا کرد.

در کنار این آثار که بسیار فراوان هم هستند و عمدتاً توسط مرکز اسناد انقلاب اسلامی منتشر شده‌اند، برخی از آثار پژوهشی هم وجود دارند که مستند به اسناد قابل قبول هستند و می‌توانند گوشه‌های مبهم تاریخ انقلاب را روشن سازند.





و علما و مبارزان انقلاب محسوب می شد.

۱۲. تاریخ شفاهی قیام هفده شهریور ۱۳۵۷، شرح جریان قیام خونین هفده شهریور ۵۷ با اتکا به تاریخ شفاهی و مصاحبه با بازماندگان آن است.

۱۳. خاطرات آیت الله مهدوی کنی، شامل نکات دقیق و قابل اعتمادی از وقایع مهم تاریخ معاصر از جمله کشف حجاب، اشغال ایران توسط متفقین و جنگ دوم جهانی، فضای سیاسی حوزه علمیه قم قبل از نهضت امام در سال ۴۲، فعالیت های شهید نواب صفوی و فدائیان اسلام، وقایع مهم سال ۴۲ و دهه ۵۰، پیروزی انقلاب اسلامی، تشکیل دولت موقت، شکل گیری نهادهای وزارتخانه ها، وقایعی چون انفجار دفتر حزب جمهوری و دفتر نخست وزیری، وقایع پس از دوم خرداد و روی کار آمدن دولت خاتمی، فعالیت های فرهنگی مدرسه مروی و دانشگاه امام صادق (ع).

۱۴. تاریخ شفاهی ارتش در انقلاب اسلامی، خاطرات حشمت الله عزیزی درباره خنثی سازی کارکرد حمایتی ارتش و نیروهای مسلح از رژیم شاه توسط مبارزان انقلاب اسلامی از زبان نظامیانی که خود بخشی از بدنه ارتش بودند.

این آثار تنها نمونه مختصری از مجموعه بزرگی از آثار چاپ شده درباره انقلاب اسلامی، منشاءها و پیامدهای آن هستند که با مطالعه و تطبیقی آنها می توان به حقایق مهمی از تاریخ معاصر دست پیدا کرد.

مجاهدین خلق، تغییر ایدئولوژیک سازمان و پیامدهای آن.

۸. خاطرات سید مرتضی نبوی، شامل نکات صریح و بی پرده ای در باره جریانات و شخصیت های مطرح سیاسی تاریخ معاصر بدون توجه به منافع شخصی یا به خطر افتادن موقعیت سیاسی، از این رو اطلاعات قابل تامل و دقیقی ارائه شده است.

۹. خاطرات علی امینی، دستنوشته های علی امینی که در قالب ۱۶ مقاله در سال ۷۱ در خارج از کشور چاپ شد و متضمن نکات جالبی در باره حکومت پهلوی است.

۱۰. خاطرات محمد رضا حافظ نیا تنها زندانی سیاسی قبل از انقلاب که توانست از زندان رژیم شاه فرار کند. او افسر ارتش شاه بود و در ۲۳ مرداد سال ۵۷ فرمانده تیپ ۷۷ خراسان را به هنگام سان دیدن از سربازان ترور کرد. این حرکت به اوج گیری انقلاب اسلامی و تخریب روحیه حکومت پهلوی کمک زیادی کرد و نقل آن از زبان مجری این ترور متضمن نکات بسیار جالبی از روزهای انقلاب است.

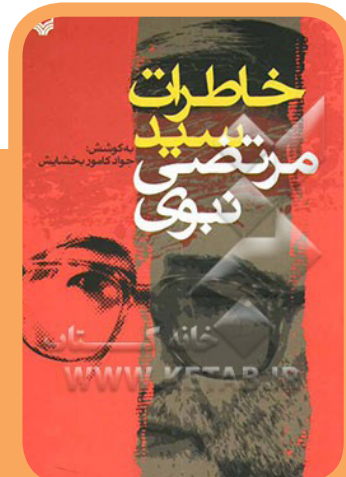
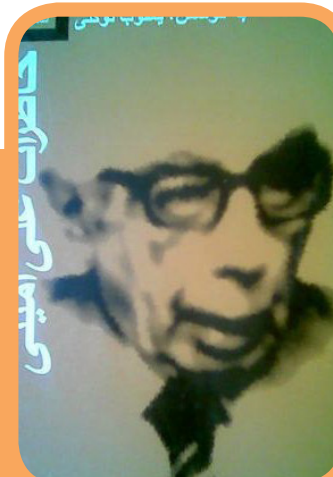
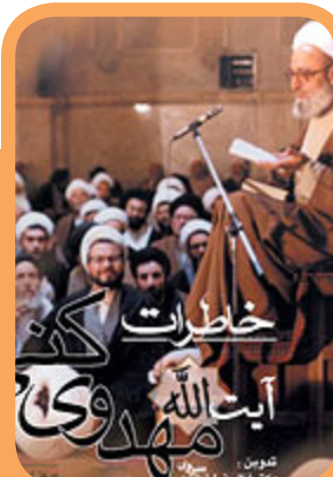
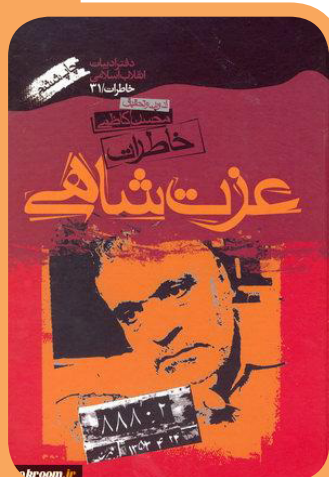
۱۱. سفیر هفت هزار روزه، خاطرات موسوی درچه ای، وی از ۱۷ سالگی یعنی از سال ۱۳۳۶ تا پیروزی انقلاب، با مهارت و هوشمندی تحسین برانگیزی نامه های امام به علما و مبارزان و برعکس را منتقل می کرد و یکی از معتمدین امام

مدیریت دانشگاه آریامهر (صنعتی شریف)، سیاست های علمی، فرهنگی و مذهبی حکومت پهلوی، تاسیس انجمن سلطنتی فلسفه، روابط او با چهره های شاخص فرهنگی و مذهبی تاریخ معاصر از جمله جلال آل احمد، شهید مطهری، علامه طباطبائی، احمد فردید، دکتر شریعتی، احمد فردید و... را در بر می گیرد و متضمن نکات جالبی در باره تاریخ معاصر و خاندان پهلوی است.

۵. خاطرات عزت شاهی شامل خاطرات جالبی درباره مبارزات قبل از انقلاب، گروهک های مختلف، به ویژه سازمان مجاهدین خلق و یکی از مهم ترین منابع تاریخ شفاهی در زمینه مبارزات ملت ایران است.

۶. خاطرات مرضیه حدیدیچی (دباغ) از سال ۱۳۴۶ به بعد که مبارزات خود را آغاز کرد و تا پیروزی انقلاب ادامه داد، شامل نکات جالبی درباره قیام ۱۵ خرداد ۴۲، مبارزات شهید آیت الله سعیدی، دستگیری و شکنجه در سال ۵۲، فرار به انگلستان و فعالیت های سیاسی در آنجا، عزیمت به لبنان و سوریه، حضور در نوفل لوشاتو به عنوان محافظ امام در داخل بیت ایشان، فرماندهی سپاه همدان پس از پیروزی انقلاب، سفر به مسکو به همراه هیئت اعزامی از سوی امام برای ارائه نامه ایشان به گورباچف.

۷. خاطرات احمد احمد، شامل نکات تاریخی ارزشمندی در باره دوران قبل از انقلاب به ویژه فعالیت های حزب ملل اسلامی، سازمان



من نگفتم وضعیت حاد شده است گفتم تغییر سبک زندگی در بین تمام گروه‌ها و قشرها رخ داده است. برای اینکه بگویم خیلی هم نباید وضعیت را بحرانی نشان داد ما در بین جوانان امروز می‌بینیم که هزینه ازدواج خود را صرف امور خیریه می‌کنند یا به اردوی جهادی برای خدمت می‌روند.

نسترن ناصری کارشناس ارشد روانشناسی:

در ازدواج موانع فرهنگی بزرگتر از موانع اقتصادی است

○ صدیقه چراغی

«مهریه ما یک جلد کلام‌الله مجید بود و یک سکه طلا. سکه را بعد عقد بخشیدیم، اما آن یک جلد قرآن را محمد بعد از ازدواج خرید و صفحه اولش این‌طور نوشت: امیدم به اینست که این کتاب اساس حرکت مشترک ما باشد و نه چیز دیگر، که همه چیز فناپذیر است جز این کتاب. حالا هر چند وقت یک‌بار که خستگی بر من غلبه می‌کند، این نوشته‌ها را می‌خوانم و آرام می‌گیرم.»

در این شماره پای صحبت خانم نسترن ناصری کارشناس ارشد روانشناسی نشستیم تا درباره ازدواج و مسائل آن بحث و گفتگو کنیم.

خانم ناصری چرا ما از یک دوره درخشان ساده‌زیستی به امروزی رسیده‌ایم که ماراتن چشم و هم چشمی در ازدواج است؟

به هر حال شرایط زمان و مکان فرق دارد. و سبک زندگی هم متأثر از زمان است. در اوایل انقلاب و جنگ، معیارها متأثر از شرایط اجتماعی جامعه بود. مردم یک رژیم را به خاطر یک سری نیازهای مادی و معنوی خود حذف کردند تا به یک سری آرمان‌های خود برسند و این غیرقابل انکار است که اکثر قریب به اتفاق مردم با هم بر سر این موضوع اتفاق نظر داشتند و توانستند با وحدت به نتیجه برسند. اگر تاریخ انقلاب را مطالعه کنیم یکی از دلایل مردم اعتراض به سبک زندگی تجملاتی خاندان پهلوی بود بنابراین این قشر فرهیخته به دنبال تغییر در سبک زندگی خود و جامعه است و سبک زندگی مدنظر هم یک زندگی ساده به دور از ریخت و پاش‌های مرسوم و با رنگ و بوی معنویت باشد. بنابراین معیارهایی چون ساده‌زیستی، ایمان، انقلابی بودن در اولویت جوانان آن روزگار بود. ما می‌بینیم که جوانان آن برهه با مهریه‌های پایین ازدواج می‌کردند و زندگیشان تا به امروز دوام داشته است و من فکر می‌کنم مهریه دختران آن روزگار بسیار سنگین هستند چون معیارهایی بنیادی و اساسی هستند.

پس چطور ما به امروزی رسیده‌ایم که ازدواج به یک گره کور برای جوانان تبدیل شده است؟

من در ابتدای عرایض گفتم که شرایط روز باعث تغییر سبک زندگی می‌شود، مفاهیم و تعاریف را دستخوش تغییر و تحریف می‌کند. هجوم رسانه‌ها، ماهواره، شبکه‌های اجتماعی و... با یک برنامه‌ریزی کاملاً حساب شده از سوی کشورهای ابرقدرت باعث شده که سبک زندگی ما عوض شود. وقتی مقام معظم رهبری با هوشمندی از تهاجم فرهنگی می‌گوید یعنی انتظار یک دفاع مقدس فرهنگی را هم از دست اندرکاران دارند که متأسفانه همه ما نتوانسته‌ایم خوب مقابله کنیم.

این تغییر در سبک زندگی فقط در بین قشر خاصی از جامعه دیده می‌شود؟

این بی‌انصافی است اگر بگوییم فقط یک بخشی از جامعه را درگیر کرده است. من در تمام خانواده‌ها این تغییرات را می‌بینم هم مذهبی و هم کمتر

کسی که زندگیش را بر مبنای معنویت بگذارد. همسر شهید حاج حمید تقوی می‌گوید: خرید ازدواج‌مان بسیار ساده و معمولی بود؛ یک حلقه، یک مقنعه و یک شلوار کبریتی کرم‌رنگ و یک پیراهن سبز (حاج حمید به رنگ سبز بسیار علاقه داشت)؛ این چند قلم، تمام خرید ما برای ازدواج بود که برای عروسی هم همان‌ها را پوشیدیم. روز عروسی خودش و مرحوم پدرش با یک پیکان دنبال ما آمدند و به سمت محل برگزاری مراسم رفتیم.

همسر شهید جهان‌آرا درباره مهریه خود می‌گوید:

یکی از درخشان‌ترین دوره‌های جوانی در ایران متعلق است به مردان و زنانی که جوانی‌شان با انقلاب و جنگ مصادف بود. در روزگار معنویت بسیار تنفس می‌کردند. انقلاب و دفاع مقدس تأثیر مستقیمی بر سبک زندگی مردم گذشته داشت. کمتر کسی پیدا می‌شد که به سمت و سوی مادیات برود، چنین نگرش مادی‌گرایانه‌ای در بین جوانان بازار نداشت. کافی است پای خاطرات این افراد بنشینید و با هم آن روزها را مرور کنید با یک حسرت و دریغ از روزگار خوشی می‌گویند که دیگر نیست و اگر هم باشد خیلی کم پیدا می‌شود





آینده
به آن
مسایل هم اشاره
می‌کنیم.
این شاءالله

خانم ناصری حرف آخر؟

من چند نکته از بیانات مقام معظم رهبری را که در خطبه‌های عقد جوانان به جوانان توصیه کرده‌اند را یادداشت کردم که عرض می‌کنم.

- مهریه‌ی سنگین مال دوران جاهلیت است. پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) آن را منسوخ کرد. پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) از یک خانواده‌ی اعیانی است. خانواده‌ی پیغمبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله)، تقریباً اعیانی‌ترین خانواده‌ی قریش بودند. خود ایشان هم که رئیس و رهبر این جامعه است. چه اشکالی داشت دختر به آن خوبی که بهترین دختران عالم است و خدای متعال او را «سیده‌التساء العالمین» قرار داد «من الاولین و الاخرین»، با بهترین پسرهای عالم که مولای متقیان است می‌خواهند ازدواج کنند، مهریه‌ی ایشان زیاد باشد؟ چرا ایشان آمدند و این مهریه‌ی کم را قرار دادند که اسمش «مهر الشَّئَة» است.

- از اول، بعضی‌ها همه‌ی ریز و درشت و لازم و غیر لازم را برای دخترشان به عنوان جهیزیه فراهم می‌کنند که مبادا از دختر فلانی، از نمی‌دانم دختر عمویش، یا از خواهرش یا از جاریش مثلاً کمتر باشد. اینها درست نیست. این کارها غلط است. اسباب زحمت شماسست. آن هم زحمتی که هیچ اجری پیش خدا ندارد، مایه‌ی تشکر هم نمی‌شود. -از اول، بعضی‌ها همه‌ی ریز و درشت و لازم و غیر لازم را برای دخترشان به عنوان جهیزیه فراهم می‌کنند که مبادا از دختر فلانی، از نمی‌دانم دختر عمویش، یا از خواهرش یا از جاریش مثلاً کمتر باشد. اینها درست نیست. این کارها غلط است. اسباب زحمت شماسست. آن هم زحمتی که هیچ اجری پیش خدا ندارد، مایه‌ی تشکر هم نمی‌شود.

- بعضی خیال می‌کنند که تشریفات و توی هتل چنین و چنان رفتن، سالن‌های گران گرفتن، خرج‌های زیادی کردن، عزت و شرف و سربلندی دختر و پسر را زیاد می‌کند. نخیر عزت و شرف و سربلندی دختر و پسر به انسانیت و تقوی و پاکدامنی و بلندنظری آن‌هاست، نه به این چیزها...

لحظه و هر کجا چشم

می‌چرخانیم تبلیغ کالاهایی می‌بینیم که شاید بود و نبودش در زندگی ما اثری نداشته باشد اما با تبلیغات ما را مجاب به خریدنش می‌کنند. شما اگر وارد خانه یک تازه عروس شوید، انگار وارد یک فروشگاه لوازم خانگی خارجی شده‌اید و این یعنی ما کاملاً تسلیم خواسته‌های صاحبان کالا و سرمایه شده‌ایم. ما پول می‌دهیم تا دیگری در آن سوی دنیا در رفاه و آسایش زندگی کنند و آن وقت جوان ایرانی، سازنده کالای ایرانی ورشکسته و مغموم به رویاهایش فکر می‌کند. بعد هم فریاد اعتراض من بلند است که چرا کار نیست. تا مادام من به دلیل چشم و هم‌چشمی کالای وطن را تحریم می‌کنم و شیفته برند خارجی هستم نباید داد و ببداد کنم و به زمین و زمان بد و بیراه بگویم چرا کار نیست، چرا جوان ایرانی بیکار است و به دلیل بیکاری ازدواج نمی‌کند. این‌ها همه زنجیر وار به هم ارتباط دارند و اگر خوب نگاه کنیم خود ما در شکل‌گیری بسیاری از این موانع دخیل هستیم.

خانم ناصری پس به نظر شما باید فرهنگ‌سازی کرد؟

بله. باید از کودکی آموزش را شروع کرد باید هویت و ارزش‌های درونی فرد را تقویت کرد باید جوان ما بداند ارزش وجودی او به جهیزیه و مهریه و عروسی شیک و گران نیست ارزش‌های وجودی انسان چیزی ماورای مادیات است.

یعنی اقتصاد نقشی ندارد؟
اقتصاد هم یکی از عوامل است اما همانطور که با اشاره به فرمایشات مقام معظم رهبری گفتیم، مساله اصلی فرهنگ است.

قرار بود ما درباره مشکلات روانشناسی ازدواج صحبت کنیم ...

اما بحث به جاهای خوبی رسید و در بحث‌های

معتقد و هم غیرمذهبی.

اتفاقاً چند وقت پیش عروس متدینی دیدم که در حال خرید یک سجاده ترمه‌دوزی بود به قیمت ششصد هزار تومان. خب این با کدام ارزش دینی ما هم خوانی دارد که در مملکتی که برخی مناطقش در محرومیت بسر می‌برند و کودک هم وطنم لوازم التحریر ندارد من روی سجاده میلیونی نماز بخوانم. به هر حال این افراد هم برای خود توجیهاتی دارند که ما فقط می‌شنویم.

یعنی اینقدر وضعیت حاد شده است؟

من نگفتم وضعیت حاد شده است گفتیم تغییر سبک زندگی در بین تمام گروه‌ها و قشرها رخ داده است. برای اینکه بگویم خیلی هم نباید وضعیت را بحرانی نشان داد ما در بین جوانان امروز می‌بینیم که هزینه ازدواج خود را صرف امور خیریه می‌کنند یا به اردوی جهادی برای خدمت می‌روند.

درست، اما قبول کنید که چشم و هم چشمی زیاد شده است!

من منکر این قضیه نیستم و متأسفانه همین مسائل حاشیه‌ای باعث شده است که امروز ازدواج به یک مشکل بزرگ برای جوانان تبدیل شود.

از نگاه شما موانع ازدواج کدامند؟

در نگاه اول شاید مساله اقتصاد بزرگ و متهم اصلی باشد، اما حضرت آقا با همان تیزبینی خاص خودشان فرهنگ را مشکل اصلی می‌دانند. و موانع فرهنگی را بزرگتر از موانع اقتصادی می‌دانند و به هشت سنت غلط اشاره می‌کند.

کدام هشت سنت؟

مهریه سنگین
جهیزیه سنگین
تجملات زیاد
اسراف

خرید از مکان‌های معروف به گرانی

هتل‌ها و سالن‌های پرخرج

لباس عروس گران قیمت

به رخ کشیدن ثروت‌ها

چکار باید کرد؟

باید فرهنگ‌سازی کرد، نوع نگاه مردم را تغییر داد، متأسفانه یکی از ابزار غرب در جنگ فرهنگی بحث مصرف گرایی است، ما را بمباران تبلیغات خوش آب و رنگ می‌کنند، هر روز و هر ساعت و هر

خانواده رکن اساسی تربیتی کودک است، اولین و مهمترین کانون و پایگاه تربیتی فرزند است و بعد محیط آموزشی و جامعه. من در ابتدای عرایضم گفتم که این خانواده‌ها بودند که بستر را برای رشد و تعالی فرزندان خود مهیا کردند و فرزندان فرهیخته و دانای و آگاهی به جامعه تحویل دادند.

مادرانه، پدرانه...



نگاهی به نقش کودکان و نوجوانان در پیروزی انقلاب

● لیلا نادعلیپور

وقتی بچه‌ها یک کابینه را ساقط می‌کنند

۱۰

به روشنی دیده می‌شود. به صرف اینکه یک نوجوان در تظاهرات شرکت کند آیا می‌شود بگوییم نقش داشته است؟ به نظر شما این حضور با آن خطرات و مخاطرات مهم نیست؟ همان حضور میلیونی مردم بود که لریزه به دل رژیم شاه انداخت. وقتی یک نوجوان بدون ترس از گلوله سربازان گارد شاهنشاهی در تظاهرات شرکت می‌کند یعنی با علم و آگاهی پذیرفته در این دگرگونی نقش داشته باشد. و نقطه عطف این حضور در ۱۳ آبان رقم خورد. سیزدهم آبان ۱۳۵۷ و در روزهای اوج‌گیری انقلاب اسلامی ده‌ها نفر از دانش‌آموزان که برای انجام تظاهرات در محوطه دانشگاه تهران تجمع کرده بودند، هدف تیراندازی مأموران حکومت قرار گرفته و به شهادت رسیدند. درهای دانشگاه بسته بود و بچه‌های دانش‌آموز پشت در بسته شدند سیر گلوله مأموران شاه و تعدادی از بچه‌های محصل به شهادت رسیدند.

انقلاب‌های مردمی بخصوص در چند سال اخیر با نام بیداری اسلامی حضور کودکان و نوجوانان را پررنگ می‌بینیم. با سید صفا دادوند رئیس بنیاد شهید و امور ایثارگران شهرستان دهلران و کارشناس آموزش تربیتی دیدار کردیم تا درباره چرایی و چگونگی نقش کودکان و نوجوانان در انقلاب اسلامی گفتگو کنیم.

آقای دادوند انقلاب یک کار بزرگ است که ظاهراً آدم‌های خودش را می‌خواهد، یک کودک یا نوجوان چطور می‌تواند در این کار بزرگ سهیم باشد؟

انقلاب کار بزرگی است اما یک کار مردمی است، برای رسیدن به این هدف باید وحدت کلمه باشد و رمز پیروزی انقلاب اسلامی ما هم وحدت کلمه بود و رهبری امام خمینی (ره) در پیروزی انقلاب ما همه مردم سهیم بودند. مرد و زن، پیر و جوان، کودک و نوجوان، در آلبوم تصاویر انقلاب حضور همه اقشار و بخصوص دانش‌آموزان در تظاهرات

«انقلاب در لغت برگشتن از حالی به حالی، دگرگون شدن، تغییر و تحول است و در اصطلاح رایج جهان (تلاش عده‌ای برای واژگون کردن حکومت و ایجاد حکومتی نو) به منظور تغییرات اساسی و بنیادین در تمام نهادها، مناسبات ساختار سیاسی و اجتماعی و جایگزینی سازمان نوین و مطلوب در چهارچوب اهداف و آرمان‌های خاص. اصول انقلاب را به عنوان لوازم قطعی آن، می‌توان چنین دانست، تغییر بنیادها و نظام اجتماع، نوگرایی، آرمان‌خواهی خشونت سیاسی یا نظامی در مقابل نظام حاکم، با توجه به معنی و مفهوم کلی فوق، انقلاب دارای انواعی است به نام: انقلاب فرهنگی، انقلاب اداری، انقلاب سیاسی، انقلاب اجتماعی و...»

با نگاهی به این تعریف از انقلاب و مفهوم عالی انقلاب اسلامی ایران به این نتیجه باید رسید که این کار بزرگ از عهده حوزه بزرگسالان برمی‌آید، اما امروز با تورق آلبوم انقلاب اسلامی و سایر



این جنایت توسط دولت «آشتی ملی» شریف امامی صورت گرفت. و دومین فاجعه بعد از ۱۷ شهریور آن سال کشتار دانش آموزان در ۱۳ آبان بود.

عمق حادثه دانشگاه به حدی بود که وقتی در برنامه اخبار شبانهگاهی گزارش تیراندازی مستقیم سربازان به روی دانش آموزان در دانشگاه از شبکه سراسری تلویزیون پخش شد، وزیر علوم بلافاصله استعفا داد و فردای آن روز کابینه شریف امامی نیز سقوط کرد.

ببینید این حرکت دانش آموزی منجر به سقوط یک کابینه شد پس می بینیم که نقش دانش آموزان کمتر از سایرین نبوده و نیست.

و امروز هم روزی به نام روز دانش آموز در تقویم ثبت شده است.

غیر از حضور در تجمعات و تظاهرات چه نقشی داشتند؟

ببینید تظاهرات آن لایه رویی است، برای یک تجمع، پنهانی و مخفیانه برنامه ریزی می شد. حضور نوجوانان در مساجد، جلسات محفلی مخفیانه انقلابیون به آن ها این بینش و دانش را داده بود که باید نقش خود را در این انقلاب به نحو احسن ایفا کنند. شعارنویسی، پیاده کردن سخنرانی های حضرت امام از روی نوار کاست، بخش اعلامیه، درست کردن کوکتل مولوتوف و... از جمله فعالیت های این عزیزان بود که ما در مستندها و فیلم های آن زمان به روشنی می بینیم.

حتی شماری از دانش آموزان چه دختر و چه پسر بازداشت و زندان هم می شدند.

با توجه به خطر این فعالیت ها چطور این بچه ها وارد فعالیت های سیاسی می شدند؟

حضرت امام در سال ۴۳ فرمودند، سربازان من در گهواره هستند و بعدها این وعده در پیروزی انقلاب و دفاع مقدس محقق شد. با توجه به شرایط جامعه و گرایش مردم به اسلام و توجه به تربیت اسلامی در اکثر خانواده های ایرانی و مادرانی شجاع و مسلمان و پدران متدین و آزاده این بستر در خانواده فراهم شد و بعد هم کار فرهنگی علما و اندیشمندان مسیر را باز کرد. در واقع ذهن کودک و نوجوان یک زمین پاک است که هر چه در آن بکاری، برداشت می شود. اهمیت تربیت دینی برای رهبران انقلابی و دینی محرز بود. مساجد کلاس درس بود. استاد مطهری و دکتر شریعتی، حسینیه ارشاد را پاتوق فرهنگی و تربیتی نوجوانان و جوانان مسلمان کرده بودند و به برکت نفوذ معنوی اسلام و بیان شیوا و تحلیل های علمی و منطقی رهبران دینی و انقلابی این کلاس ها با استقبال بی سابقه ای روبرو بود که همه در بیداری اذهان مردم بخصوص جوانان و نوجوانان موثر بود.

بوده ۳۴ شهید دانش آموز داریم که همه آموزگاران ما هستند و ما شاگرد کوچک مکتب شهادت این اساتید هستیم.

آقای دادوند نقش خانواده ها در تربیت این بزرگواران را چطور می بینید؟

خانواده رکن اساسی تربیتی کودک است، اولین و مهمترین کانون و پایگاه تربیتی فرزند است و بعد محیط آموزشی و جامعه. من در ابتدای عرایضم گفتم که این خانواده ها بودند که بستر را برای رشد و تعالی فرزندان خود مهیا کردند و فرزندان فرهیخته و دانای و آگاهی به جامعه تحویل دادند.

امروز وظایف پدران و مادران در قبال تربیت فرزندان چطور است؟ یا به عبارتی چه کنیم که فرزندان انقلابی داشته باشیم؟

کار سختی نیست. کافی است خودمان انقلابی باشیم. خودمان مجهز به اندیشه درست و اسلامی باشیم و قبل از اینکه از جامعه و آموزش پرورش و... توقع داشته باشیم از خودمان توقع داشته باشیم. و البته با توجه به شرایط زمانی و این همه امکانات و هجوم رسانه های بیگانه کار ما سخت است اما شدنی. کودک از پدر و مادر الگو می گیرد بنابراین باید این الگو خودش را مجهز به تمام خصوصیات نیکو کند.

پس نقش بسزایی در پیروزی انقلاب بر عهده دانش آموزان بوده است؟

همه اقشار جامعه، علما، روحانیون، دانشجویان، دانش آموزان و حتی مردم عادی نقش خود را به خوبی ایفا کردند. همه با همدلی و وفاق توانستند یک رژیم فاسد را سرنگون کنند.

و بعد این بچه ها در میدان دفاع جنگ احساس وظیفه کردند؟

بله، نوجوانی که برای انقلاب مبارزه کرده است، برای حفظ آن نیز دست از تلاش بر نمی دارد، مردم برای به ثمر نشستن انقلاب خون و دل خوردن، شهید دادند، زحمت کشیدند پس نمی توانند ببینند یک دشمن خارجی بیاید و این انقلاب نوپا را از بین ببرد و الحق مردم ما در حفظ انقلاب و دستاوردهایش سنگ تمام گذاشتند. بچه های ما از کلاس درس و مدرسه بلند شدند تا در مدرسه ایثار مشق عشق کنند.

این ها شعار نیست؟

گواه من ۳۶ هزار دانش آموز شهیدی است که امروز افتخار مملکت ما هستند. گواه من حسین فهمیده است که زیر تانک رفت. بهنام محمدی است که با نام خرمشهر پیوند خورده. در شهرستان دهلران که در آن زمان یک شهر مرزی کوچک و محروم



سیاست دین‌زدایی و غرب‌گرایی در زمان محمدرضا پهلوی نیز با ابزارها و شیوه‌های گوناگون فرهنگی و تبلیغاتی دنبال شد. اما غالب زنان ایرانی با اقدامات ضد فرهنگی و مخالف اسلام رژیم پهلوی به مقابله پرداختند و پایبندی خود را به ارزش‌ها و باورهای اسلامی نشان دادند.



نقش گروه‌ها و اقشار مختلف در انقلاب اسلامی

انقلابی که انقلاب کرد

انقلابیون در مبارزه علیه رژیم بود. از جمله می‌توان به انجمن‌ها، هیئت‌ها و نهادهای سنتی و مذهبی مانند مساجد و تکایا، بازار و اصناف اشاره کرد. بنابراین جمعیت‌های مردمی یکی از ارکان اساسی بسیج سیاسی در انقلاب بود که با انتظام درست در کنار ارکان دیگر موجب بسیجی مقتدر و کارآمد شد.

مسجد

در جریان انقلاب اسلامی ایران نیز، مساجد به عنوان یکی از عوامل مؤثر و مهم در ایجاد و شکل‌گیری نهضت اسلامی و زمینه‌ساز گسترش، تعمیق و تثبیت این جریان‌ات و تحولات انسانی بوده است. مسجد نه تنها در شکل دهی مبارزه علیه ظلم و استبداد نظام شاهنشاهی نقش مهمی را ایفاء نموده است بلکه اگر نگاهی موشکافانه و دقیق به دوران سه دهه از انقلاب شکوهمند اسلامی و به خصوص در پایداری و دفاع مقدس و جانانه در طول هشت سال جنگ تحمیلی داشته باشیم متوجه می‌شویم که مسجد همواره در رأس این هرم دفاعی قرار داشته است و پس از آن نیز در برابر هجمه فرهنگی غرب که

سقوط نجات داده‌اند.

نقش روحانیت در روند انقلاب اسلامی جدا از موضع مساجد نیست، ولی نفوذ و قدرت معنوی روحانیت در نقش مساجد خلاصه نمی‌شود؛ چنانکه روحانیت از رهبری انقلاب نیز جدا نیست؛ و مقام رهبری خود در رأس روحانیت و روحانیت در خدمت رهبری بوده و به صورت شبکه ارتباطی در رساندن پیام رهبر تا بطن جامعه عمل کرده.

مردم

از ویژگی‌های بارز انقلاب اسلامی ایران، حضور گسترده و تعیین‌کننده مردم در آن بود. به طوری که مردم شهرهای مختلف ایران در مراحل گوناگون شکل‌گیری انقلاب، نقش اساسی را به عهده داشتند. حضور فعال اقشار مردم و گروه‌های اجتماعی یکی از عوامل مهم و مؤثر در به ثمر رسیدن انقلاب و از ارکان پایه‌ای انقلاب‌ها می‌باشد. چنانچه امام خمینی (ره) یکی از ارکان پیروزی انقلاب اسلامی را وحدت کلمه و حضور وسیع در صحنه برای تحقق حکومت اسلامی می‌داند. تشکل و سازماندهی مردم از عوامل اصلی توانمندی

انقلاب ۱۳۵۷ ایران در بهمن ماه سال ۱۳۵۷ هجری خورشیدی با مشارکت طبقات مختلف مردم، بازاریان، احزاب سیاسی مخالف حکومت پهلوی، روشنفکران، دانشجویان و روحانیون در ایران انجام پذیرفت، و نظام پادشاهی این کشور را سرنگون، و زمینه روی کار آمدن نظام جمهوری اسلامی، به رهبری امام خمینی (ره) را فراهم نمود.

تفکرات و شخصیت‌های اسلامی، در این انقلاب ضدسلطنتی حضور برجسته‌ای داشتند و امام خمینی (ره) آن را انقلاب اسلامی خواند، این انقلاب، با نام انقلاب بهمن ۵۷ نیز شناخته می‌شود.

در این مطلب به بررسی نقش گروه‌ها و اقشار مختلف در پیروزی انقلاب اسلامی اشاره خواهیم کرد:

روحانیت مبارز

تاریخ یکصد ساله اخیر کشورمان نشان می‌دهد که هر وقت ملت و کشور دچار طوفان حوادث و خطرات جدی شده، روحانیون و علمای شیعه همیشه، در صف مقدم مبارزه حرکت کرده و مردم را از خطر آگاه، و کشور را از



به شکل‌ها و انحاء مختلفی چون تهاجم، شبیخون و ناتوی فرهنگی انجام می‌گیرد.

انقلاب اسلامی ایران به عنوان یک جنبش اجتماعی با استفاده از مساجد فراگیر شد. شبکه مساجد و جلسات مذهبی همانند حلقه واسط میان رهبران انقلاب و مردم انقلابی بودند که وظیفه بسیج مردم را در جهت مخالفت سیاست‌های حاکم بر عهده داشتند.

امام خمینی (ره) مسجد را سنگرمی نامید و از مردم بویژه جوانان می‌خواست در مساجد فعالانه حضور یابند و به افشای جنایات رژیم شاه، آمریکا و رژیم صهیونیستی بپردازند.

زنان

قشر دیگری که در انقلاب اسلامی ایران، نقشی غیرقابل انکار و شاخص داشت زنان بودند. از آغاز سلسله پهلوی بانوان مسلمان ایرانی با سیاست‌های اسلام ستیزانه و غرب‌گرایانه رژیم مواجه شدند. به طوری که رضاخان، اولین دیکتاتور پهلوی کوشید به اجبار زنان ایرانی را از حجاب منع کند و آنها را به سمت الگوهای مادی غرب سوق دهد.

سیاست دین‌زدایی و غرب‌گرایی در زمان محمدرضا پهلوی نیز با ابزارها و شیوه‌های گوناگون فرهنگی و تبلیغاتی دنبال شد. اما غالب زنان ایرانی با اقدامات ضد فرهنگی و مخالف اسلام رژیم پهلوی به مقابله پرداختند و پایبندی خود را به ارزش‌ها و باورهای اسلامی نشان دادند.

رهبر کبیر انقلاب اسلامی در مورد نقش زن در جامعه می‌فرماید: «زن مربی جامعه است. زن با تربیت خودش انسان درست می‌کند و با تربیت صحیح خودش کشور را آباد می‌کند. مبداء همه سعادت‌ها از دامن زن بلند می‌شود.»

ارتش

نیروهای ارتشی از اواسط سال ۵۷ اغلب از دستورات

دانشجویان:

قبل از انقلاب اسلامی، رژیم شاه که نقش دانشجویان را در وقایعی چون ملی شدن صنعت نفت ایران مشاهده کرده بود، کوشید دانشگاه‌ها را کاملاً تحت کنترل درآورد. از طرف دیگر، رژیم در کنار اشاعه فساد در جامعه می‌کوشید تا غریزگی را نیز در میان دانشجویان با شدت بیشتری ترویج کند.

با وجود این، دانشجویان ایرانی با مشاهده اختناق، استبداد و فقر و تبعیض حاکم بر جامعه، مخالف رژیم بودند. از آن مهم‌تر، هنگامی که آنها وابستگی و تسلیم رژیم شاه در برابر غرب به ویژه آمریکا را مشاهده می‌کردند، بیشتر برانگیخته می‌شدند.

وجود تعداد زیادی از دانشجویان مسلمان در دانشگاه‌ها و همچنین تلاش تأثیرگذار افرادی چون شهید آیت‌الله مطهری، شهید مفتاح و دکتر شریعتی در محیط‌های دانشگاهی موجب شد که به تدریج فضایی مناسب برای نیروهای مذهبی در دانشگاه‌ها فراهم شود.

به طوری که با آغاز قیام مردم ایران، دانشجویان به سرعت به صفوف مردم پیوستند و دانشگاه‌ها به مراکز مهم تجمع و خیزش علیه رژیم شاه تبدیل شدند.

صادره از سوی رژیم پهلوی سرپیچی می‌کردند به گونه‌ای که امام (ره) در ۱۵ شهریور آن سال با صدور پیامی خطاب به ارتشیان فرمودند: «من از ارتش محترم ایران سپاسگزارم که در راه پیمایی عظیم تهران و سایر شهرستان‌ها به روی مردم آتش نگشودند و دست خود را به جنایت بزرگی که کار همیشگی فرمانروایان است آلوده نکردند. من در این موقع حساس که کشور و وطنمان در لب پرتگاه واقع شده است، دست خود را به سوی نیروهای زمینی، هوایی و دریایی وفادار به اسلام و وطن دراز می‌کنم و برای حفظ استقلال و بیرون آمدن از یوغ اسارت و ذلت، از آنان استمدادی می‌کنم.»

همانطور که امام (ره) فرموده بودند، ارتشیان از رژیم جدا شده بودند؛ آنان حتی مردم را در تظاهرات یاری می‌کردند و با لباس شخصی در راهپیمایی‌های هماهنگ شده مردمی فعالانه شرکت داشتند. در کارخانجات و محل‌های فنی به اعتصاب دست می‌زدند و در انجام کارهای فنی تانک‌ها و ادوات نظامی به اشکال گوناگون کوتاهی می‌کردند و با این روش باعث ایجاد اختلال در امور محوله به نیروهای نظامی می‌شدند.



مرتبه اول که اعزام شد، خواب امام خامنه‌ای را دیدم. در خواب دست به شانه راستم کشیدند و گفتند «پسری در رحم تو است که نامش علی اصغر است...» وقتی از خواب بیدار شدم هنوز سنگینی آن دست‌ها را روی شانه‌ام حس می‌کردم.

زن‌گینامه شهید مدافع حرم محمد حسین حمزه

خانواده حماسی

در برخی خانواده‌ها یک عادت و یا یک خصلت رسم است. اما خصلت این خانواده شهادت است. گویا این خانواده با خود عهد کرده که شهیدپرور باشد. آنقدر پرشهادت که یک سال یادواره شهدای خانوادگی برگزار کردند و هنوز این راه ادامه دارد... شهید حمزه هجدهمین شهید این خانواده است که خون و جان خود را فدای حریم اهل بیت کرد. در این شماره گذری داریم بر زندگی شهید مدافع حرم محمد حسین حمزه.

تولد:

محمد حسین در ۱۵ اسفند ۱۳۶۵ مصادف با پنج رجب ۱۴۰۷ هجری قمری چشم به جهان گشود. در همان نوزادی به بیماری سختی مبتلا شد که سه بار عمل جراحی شد. محمدحسین در شرایطی به دنیا آمد که دو دایی شهید و یک عموی اسیر در دست بعثیان خاطراتش را رقم می‌زد. پدرش پاسدار، رزمنده و جانباز؛ مادرش، خواهر دو شهید که همین امر باعث شد با فرهنگ ایثار و شهادت رشد کند. مراحل تحصیل را تا دیپلم به پایان رسانید سپس به کسوت لباس سبز قامتان پرافتخار سپاه درآمد.

پیشگام در فعالیت‌ها

شهید محمدحسین علاقه شدیدی به مسائل نظامی داشت؛ آخرین مدل سلاح‌های سبک و سنگین دنیا را از اینترنت دریافت می‌کرد و با



ازدواج

در سال ۱۳۸۶ با خانواده‌ای مذهبی و پاسدار از نسل سادات شهرستان طالقان، روستای اورازان ازدواج کرد. دو عموی همسرش بنام های سید حسن و حسین میرنوراللهی به شهادت رسیده بودند. حاصل این ازدواج دو فرزند به نامهای محمدحسین و زینب است؛ و یک مسافر در راه که دیگر چهره پدر را نمی‌بیند...

خواب امام خامنه‌ای

مرتبه اول که اعزام شد، خواب امام خامنه‌ای را دیدم. در خواب دست به شانه راستم کشیدند و گفتند «پسری در رحم تو است که نامش علی اصغر است...» وقتی از خواب بیدار شدم هنوز سنگینی آن دست‌ها را روی شانه‌ام حس می‌کردم. اتفاقاً صبح حسین آقا تماس گرفت. خوابم را که به او گفتم، حسایی خوشحال شد. گفت «خدا رو شکر، انگار فرزند دیگری هم در راه داریم.» (همسر شهید)

اعزام

با دیدن شرایط خاص سیستان و بلوچستان دوبار به مأموریت داوطلبانه به آن مناطق رفت و سپس برای کمک به مدافعان حرم به سوریه اعزام شد. بار اول در سال ۹۴ به مدت ۳ ماه در سوریه حضور داشت اما در بازگشت به وطن، بدون هم‌رزم شهیدش، محمد طحان، کاملاً در نقطه غیرت و قدرت ادامه راه شهدا قرار گرفت. برای بار دوم هم داوطلبانه، عازم منطقه حلب سوریه شد و مسئولیت فرماندهی گروهان را در خط پدافندی به عهده گرفته بود که سرانجام در صبح پنجشنبه ۲۶ فروردین ۱۳۹۵ مصادف با ۶ رجب (سالروز ایام ولادتش به قمری) ساعت ۸:۳۰ بر اثر اصابت گلوله ۱۰۶ دشمن، پرواز کرد.

نحوه شهادت

در حمله گروهک تروریستی داعش، شهید محمد حسین مجبور به ترک موقعیت قبلی که به اسم موقعیت حضرت زهرا (س) تحویل ایشان شده بود؛ شد. این عقب نشینی برای شهید بسیار ناخوشایند بود به حدی که برای از دست دادن آن موقعیت در آن لحظات قبل از شهادتش که در کنار هم بودیم اشک می‌ریخت...

داعش در حمله‌ای اقدام به پرتاب سه گلوله از توپ ۱۰۶ کرد که یکی از آنها به موقعیت بچه‌های فاطمیون برخورد و تعداد زیادی از آنها را شهید کرد. گلوله دوم و سوم به موقعیت ما برخورد کرد که ترکش از دو ناحیه‌ی گردن (شاه‌رگ) و شکم و پهلو به شهید عزیز اصابت کرد و در همان محل موجب شهادت ایشان گردید.

فرازی از وصیتنامه شهید

مهندسی معکوس با پیچیدگی آنها آشنا می‌شد و در صورت ضرورت در بسیج و تداوم آموزش سپاه تدریس می‌کرد؛ کم‌کم شایستگی خودش را نشان داد تا لیاقت استادی آموزش سلاح‌های پیشرفته و به روز را دریافت کرد.

در میادین مختلف و مراسمات و یادبودها حاضر بود؛ در یادواره شهدا، عضو فعال و مبتکر؛ در یادمان‌های دفاع مقدس، در مراسم اعتکاف در ساخت و ساز مسجد و حسینیه و... خلاصه هر جا خلاءای احساس می‌کرد آنجا را با حضورش پر می‌کرد؛ چه مسائل نظامی، چه فرهنگی یا اجتماعی و عبادی و خانوادگی...

خواستگاری با چفیه

محمدحسین عاشق ولایت بود؛ حضور همیشگی چفیه بردوشش نشان از همرنگی با مقام معظم رهبری داشت.

هیچ‌گاه فراموش نمی‌کنم، شب خواستگاری وقتی حسین آقا وارد خانه ما شد، چفیه‌ای به دوش انداخته بود! آنقدر چهره مومن و حزب‌اللهی داشت که ناخودآگاه با دیدنش گفتم «یا علی! خدایا یعنی می‌شود؟»

من از امام رضا همسر حزب‌اللهی خواسته بودم که البته نامش «حسین» باشد و حالا... وقتی به خواستگاری آمد یک سال بود که وارد سپاه شده بود آن هم نیروی رسمی. (همسر شهید)

خط قرمزها

شب جلسه خواستگاری گفت که رفت و آمد به مسجد برایش اهمیت دارد. حجاب، نماز اول وقت هم جزء حرف‌هایمان بود و البته خط قرمزهای حسین.

بعدها معمولاً نماز صبح را به جماعت می‌خواندیم. نماز ظهر را که در محل کار بود و مغرب و عشا را هم اغلب باهم به مسجد می‌رفتیم. در وصیت‌نامه‌اش هم نوشت «نماز قضا ندارم.» (همسر شهید)



با سلام خدمت کسانی که وصیتنامه این حقیر را می‌خوانند این وصیت‌نامه را می‌نویسم چرا که یک مسلمان و مومن واقعی باید همانند بزرگان دین به فکر آخرت خویش باشد و از یاد مرگ غافل نباشد و وصیتنامه و کفنش آماده باشد. نمی‌دانم زمانی که این وصیت‌نامه به دستتان می‌رسد در چه حالی هستید ولی خواهش می‌کنم قبل از هرکاری برای اینجانب وصیتنامه را حتماً بخوانید تا حق الناس گردن کسی نباشد. پدر و مادر عزیزم که خداوند شما را حفظ کند و سلامت باشید و سال‌های سال در کنار هم به خوشی زندگی کنید و خدا را شکر می‌کنم بعد از خودش و ائمه، شما را پشوانه اینجانب قرار داد تا در زندگی موفق باشم و هرآنچه که دارم از دعای خیر شما عزیزان است.

پدر عزیزم شرمندۀ که اینگونه وصیت می‌کنم ولی خودتان به این حقیر آموختید که مال حلال در بیاورم و حتی لقمه‌ای مال حرام و شبهه ناک مصرف نکنم و حق الناس را رعایت کنم. خدا را شکر که از مال دنیا مقدار کمی به ما رسید که تا جایی که توانستم هرسال خمس آن را حساب کرده‌ام و حساب آن را همسر عزیزم دارد. و به دوستان و عزیزان همکار توصیه می‌کنم که در حساب سال خود کوتاهی نکنند و وقتی اضافه‌تر هم بدهید چرا که این مال به صورت امانت در دست شما قرار گرفته و اگر این امانت الهی را بازنگردانید بدانید که هم در دنیا و هم در آخرت پشیمان می‌شوید و حتی در زمان ظهور حضرت ولی عصر اول از حساب سالتان سوال می‌کنند. و اما بداندیای فرزندانم محمد محسن و زینب گلم (البته شاید سومی هم در راه باشد و من بی‌خبر) که دشمن به هر روش می‌خواهد شما را نابود کند با هر ابزاری وارد می‌شود؛ هوشیار باشید که اسیر زیبایی‌هایی که دشمن فراهم می‌کند نشوید چرا که می‌خواهد اول دینتان را از دنیایان جدا کند و بعد دینتان را از بین ببرد در آخر هم خودتان را؛ پس خودتان را با سلاح معنویت تقویت کنید و برای رسیدن به این سلاح از خدا کمک بخواهید و در راه اهل بیت حرکت کنید و پشوانه ولایت مطلقه فقیه باشید.

در آخر هم چند نکته:

مراقب دشمنی دشمنان و منافقان باشید چرا که شما هر زمان که توانستید خصلت گرگ و روباه و خوک را عوض کنید می‌توانید دشمنی آمریکا و انگلیس و آل سعود را هم از بین ببرید؛ بدانید ولایت مطلقه فقیه عین ولایت امام زمان (عج) و پیامبر اعظم (ص)، و ولایت خداوند است؛ هرکس که این ولایت را در آشکارا و پنهان قبول ندارد و فکر می‌کند که دیکتاتوری است؛ بدانید که با این کار تمام زندگی خود را زیر سوال برده و زندگیش باطل و برباد فنا استوار است. عزیزان و همکاران گرامی بروید با ولایت مطلقه

فقیه آشنا شوید و با ریشه و وجود آن شناخت پیدا کنید و گرنه بدانید اگر آشنا نشوید دیر یا زود پایه های اعتقاداتان متزلزل می‌شود و نابود می‌شوید.

و دیگر اینکه در خصوص مطالب و سخنان مقام معظم رهبری دقت کنید و جمله جمله سخنان ایشان را تجزیه و تحلیل کنید و گوش فرا دهید چرا که حتی در کوچکترین سخن ایشان هزاران نکته نهفته است. و بعضی سخنان ایشان را آیندگان می‌فهمند و در حد فهم کنونی ما نیست.

فرزندان عزیزتر از جانم بدانید که پدر شما برای هدف بزرگتری رفت تا در آینده جلو شما و مردم و مخصوصاً خداوند شرمندۀ نباشد و به توصیه امیرالمومنین (ع) که فرمودند: جنگی که داخل مرزهای یک مملکت انجام شود مایه نابودی آن ملت می‌شود را گوش کرده‌ام تا خدای ناکرده شما در آینده آسیبی نبینید.

درس خود را بخوانید و از نظر اعتقادی و عملی پیشرفت کنید و در تمام مراحل به رضای خدا بیندیشید و سعی تان اینگونه باشد که دل رهبر انقلاب را همیشه شاد کنید.

همه چیز این دنیا فانی است و مرگ و آخرتی هست که باید هر لحظه به یاد آن باشیم و بعد از هر سختی، آسانی خداوند قرار داده چه در این دنیا و چه در آخرت. و همیشه آماده مرگ باشید به طور مثال همین چند وقتی که ما آماده ماموریت بودیم به واقع شخصاً سعی می‌کردم که کارهای خود را انجام دهم بعد بروم ماموریت؛ به واقع شخصاً احساس می‌کردم هر لحظه مرگ کنارم است؛ به خاطر همین کارهای خود را دقیق انجام می‌دادم.

و اما مادر عزیزم:

می‌دانم که خیلی ناراحتی و غم داری؛ در زمان حیاتم به خاطر این حقیر چه رنج‌های بسیار که نکشیدی و من نادان هم نتوانستم رضایت را جلب کنم ولی خواهشی که دارم همانند ننه حاجی که فرزندان، دوپسر خود را تقدیم این انقلاب و اسلام نمود و فقط برای مظلومیت ائمه گریست و هرگز شکایتی هم نکرد؛ امیدوارم خدا هم به شما صبر بدهد و این مصیبت را تحمل کنید و

همسر عزیزم

از پدر و مادرت حلاوت برایم بگیر چرا که کوتاهی بسیاری در خصوص ایشان داشته‌ام و امیدوارم در آن دنیا با ائمه اطهار محشور گردند. به تمام پدران و مادران می‌گویم برای فرزندانان دعای خیر و عاقبت به خیری کنید و تا می‌توانید از نفرین دوری کنید.

در آخر هم از تمام عزیزان و رفقا و اطرافیان و دوستان و آشنایان حلاوت می‌خواهم و امیدوارم کوتاهی‌های اینجانب را ببخشند و برایم دعا کنند. امیدوارم همه تان آن دنیا با حضرت زهرا (س) محشور شوید و سعی کنید تا می‌توانید برای فرج و سلامتی امام زمان (عج) قرآن بخوانید و دعا کنید و سلامتی مقام معظم رهبری حضرت امام خامنه‌ای را هم فراموش نکنید.

والسلام

بنده حقیر خدا

محمد حسین حمزه

نقش بهبود نظام حقوق مالکیت فکری در بهبود محیط کسب و کار

رحمان اکبری
دانشجوی کارشناسی ارشد کارآفرینی دانشگاه تهران

حقوق مالکیت فکری که از جمله وظایف خطیر سازمان‌های متولی امر به شمار می‌رود، چنانچه مورد بی‌مهری این سازمان‌ها واقع شود در صورت تدوین بهترین و به روزترین قوانین نیز ناکارآمدی نظام مالکیت فکری را در پی خواهد داشت. از این رو، در نظر گرفتن سیاست‌هایی نظیر: تشکیل دادگاه‌های ویژه برای رسیدگی سریع و با دقت به تخلفات مربوطه، تدوین رویه‌ها و استانداردهای لازم در زمینه طرح دعاوی حقوق مالکیت فکری و ایجاد کمیته‌های تخصصی برای داوری و حل و فصل مطالعات مربوطه مالکیت صنعتی در زمره وظایف حاکمیتی دولت‌ها در حوزه مالکیت فکری قرار دارد.

برنامه‌ریزی و طراحی سیاست‌های مربوط به حقوق مالکیت فکری شامل:

تدوین استراتژی ملی ثبت اختراع، تدوین استراتژی‌های ارتقاء بهره‌برداری از دارایی‌های فکری و تدوین استراتژی‌های تقویت حمایت از دارایی‌های فکری در خارج از کشور شاید یکی از مهمترین اقداماتی است که اغلب کشورها برنامه ویژه‌ای را برای آن در نظر گرفته‌اند چرا که این سیاست‌ها جهت‌گیری کلی نظام و میزان همسویی آن را با سایر برنامه‌های توسعه کشور نشان می‌دهد.

بهبود نظام ملی مالکیت فکری و فرآیندهای اجرایی آن هم راستا با ارایه خدمات بهینه و به هنگام به مخاطبان نظام می باشد. وظایفی همچون مکانیزاسیون دفتر ملی ثبت اختراعات، بررسی سریع و دقیق اختراعات تودیع شده، تدوین پیش نویس قوانین جدید با حضور ذی‌نفعان مختلف، تقویت حمایت از اسرار تجاری و کمک به تشکیل نهادهای اجرایی خصوصی مالکیت فکری از جمله وظایفی است که در خدمت‌رسانی بهتر و با کیفیت به مخاطبان تاثیر به سزایی دارد.

فرهنگ‌سازی و ارتقای آشنایی با اهمیت حقوق مالکیت فکری از جمله مهم‌ترین وظایف حاکمیتی است که اکثر کشورهای پیشرو جهان در خصوص آن اقدامات گوناگونی را انجام داده و آن را در صدر برنامه‌های کاری خود قرار داده‌اند. اقداماتی چون حمایت از برگزاری کارگاه‌های آموزشی، سمینارها و همایش‌های تخصصی، حمایت از برگزاری نمایشگاه‌های اختراعات، حمایت از تالیف و انتشار کتب و نشریات تخصصی، حمایت از تشکیل کلوپ‌ها و انجمن‌های مخترعین، حمایت از تهیه برنامه‌های تلویزیونی، حمایت از برنامه‌های خاص برای افزایش تعداد مخترعان حرفه‌ای، تعیین روزی در سال به نام «روز اختراع» به منظور بزرگداشت مخترعان و انتشار کتب و جزوات آموزشی مخصوص دانش‌آموزان به منظور آشنایی آنان با اهمیت مالکیت فکری از سنین پایین منجر به آن شده است که نه تنها متخصصان از ضرورت خلق و حمایت از دارایی‌های فکری آگاه شوند بلکه سایر اقشار جامعه که ممکن است تنها از محصولات یا اثرات این دارایی‌ها در زندگی روزمره خود بهره‌مند شود نیز با فلسفه وجودی چنین

به خودی خود هدف نیست بلکه وسیله‌ای برای دستیابی کشور به اهداف توسعه می‌یابد.

نگاهی به وظایف حاکمیتی

مطالعات صورت گرفته در بسیاری از کشورهای جهان حاکی از آن است که موضوع سیاست‌گذاری و حمایت از حقوق مالکیت فکری (علی‌الخصوص مالکیت صنعتی) بواسطه تاثیر فزاینده آن بر تجارت و صنعت کشورها، عمدتاً در زمره وظایف حاکمیتی دولت‌ها ساماندهی شده است و از این رو سیاست‌ها و حمایت‌های کلی از مقوله مالکیت فکری اساساً از طریق نهادهای زیر مجموعه دولت یعنی وزارتخانه‌ها صورت می‌پذیرد. به عبارت دیگر، ادارات مالکیت فکری که مسوولیت ثبت دارایی‌های فکری را بر عهده دارند، در بسیاری از کشورها بطور مستقیم تحت نظر وزیر صنایع و تجارت یا وزارتخانه‌های مرتبط فعالیت می‌کنند. در ایران، اداره ثبت مالکیت‌های صنعتی زیر مجموعه قوه قضاییه است و بیشتر بر جنبه حقوقی و قضایی نظام مالکیت فکری تمرکز دارد. به عبارت دقیق‌تر، انجام مراحل ثبت و تاحدودی هم دادخواهی‌های مربوطه در کانون توجه این اداره بوده است. بنابراین، ارتباط طبیعی میان نظام مالکیت فکری، صنعت و تجارت کشور برقرار نمی‌باشد.

با توجه به حوزه تمرکز این مقاله، که به شناخت و بررسی وظایف حاکمیتی دولت‌ها می‌پردازد این سوال مطرح است که کدامیک از کارکردهای نظام مالکیت فکری در حال حاضر انجام نمی‌شود که حمایت از آنها در دستور کار ذی‌نفعان مختلف نظام مالکیت فکری کشور قرار گیرد تا نتیجه آن منجر به تقویت رقابت‌پذیری بنگاه‌های ایرانی شود؟

برای پاسخگویی به سوال فوق، با توجه به مطالعاتی که بر روی کشورهای مختلف انجام گرفته، وظایف حاکمیتی دولت‌ها مشخص گردیده است. مجموعه وظایف حاکمیتی و فعالیت‌های اجرایی مرتبط با حمایت از حقوق مالکیت فکری طیف وسیعی را در برمی‌گیرد. معمولاً در نگاه اول، اعطای حقوق انحصاری به اختراعات، مدل‌های مفید، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری و ثبت دارایی‌های فکری اغلب به عنوان مهم‌ترین وظیفه حاکمیتی تلقی می‌شود. هرچند این وظیفه یکی از وظایف بنیادی دولت‌ها می‌باشد اما چنانچه سایر وظایف حاکمیتی به طرز موثری طراحی و به مورد اجرا گذاشته نشود، ثبت دارایی‌های فکری دردی را دوا نمی‌کند. به عنوان مثال تقویت اعمال

امروزه بیش از پیش بر ضرورت سیاست‌گذاری هوشمندانه و هدفمند در زمینه خلق و حمایت از دارایی‌های فکری تاکید می‌شود چرا که گسترش تکنولوژی‌های ارتباطی، جهانی شدن اقتصاد و رشد فزاینده مبادلات تجاری بین کشورهای مختلف منجر به آن شده است که کالاها و خدمات متنوع و گوناگونی برای عرضه به مشتریان فراهم آید و در این بین، کشورهایی که به مدد خلق دارایی‌های فکری، محصولات و خدمات کارآمدتری به بازار ارایه می‌کنند، توانسته‌اند در فتح بازارهای بین‌المللی موفق‌تر عمل کنند. به همین لحاظ، نظام مالکیت فکری و کارآمدی تعامل بین اجزای مختلف آن، به یکی از مسایل زیربنایی سیاست نوین اقتصادی در سطوح ملی تبدیل شده است.

نظام مالکیت فکری به عنوان ابزاری سیاستی که تضمین‌کننده ارزش چنین دارایی‌هایی است از سوی سیاست‌گذاران کشورهای مختلف مورد توجه قرار گرفته است. لذا فهم پایه‌های حقوقی و اقتصادی نظام مالکیت فکری، پیش شرط درک افزایش نقش و اهمیت آن در استراتژی ملی رقابت‌پذیری و توسعه اقتصادی اجتماعی است (Alikhan - ۲۰۰۰).

با توجه به این موارد، چنین به نظر می‌رسد که شناخت اجزای تشکیل دهنده این نظام و نحوه تعامل بین آنها، راه را برای طراحی نظام مناسب حمایت از حقوق مالکیت فکری هموار می‌کند. به همین جهت هیچ مدل جهان شمول سیاست مالکیت فکری وجود ندارد که مناسب همه کشورهای جهان باشد. (Correa, ۲۰۰۲) چرا که تفاوت در ساختار صنعتی، نحوه تولید محصولات کشاورزی، میزان در دسترس بودن منابع طبیعی و انسانی و نیز استراتژی‌های توسعه ملی، نوع و محتوای حمایت از دارایی‌های فکری را معین می‌کند (Eugui & Bellmann - ۲۰۰۴)

از جمله اهداف متصور برای سیاست مالکیت فکری موارد ذیل می‌باشد:

- ارتقاء، انتشار و بهره‌برداری از نوآوری‌ها
- تقویت فعالیت‌های تحقیق و توسعه
- ارتقاء و تشویق سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی و انتقال تکنولوژی از خارج کشور
- تشویق صنایع داخلی
- تهیه مشوق‌های لازم برای انتقال و بهره‌برداری تجاری از دانش
- علاوه بر این، سیاست‌گذاران باید به این نکته توجه داشته باشند که حمایت از مالکیت فکری

حقوقی بطور اصولی آشنا شوند. در همین راستا برای گروه‌های خاصی (نظیر شرکت‌های کوچک و متوسط، زنان و دانشگاهیان) سیاست‌هایی ویژه طراحی و اجرا می‌شود.

سیاست‌های خاص برای کمک به شرکت‌های کوچک و متوسط در حوزه مالکیت‌های فکری نظیر تخصیص سوبسید به خدمات مشاوره تخصصی حقوق مالکیت فکری، حمایت از برنامه‌های آشنا سازی مدیران این شرکت‌ها با حقوق مالکیت فکری، تخفیف در هزینه‌های ثبت داخلی انواع مالکیت‌های فکری و تامین کل یا بخشی از هزینه‌های ثبت بین‌المللی اختراعات و علائم تجاری از جمله وظایف حاکمیتی هستند که دولت‌ها به سبب اهمیت شرکت‌های کوچک و متوسط در گردش اقتصادی نظام اقتصادی خود برایشان تمهیدات ویژه‌ای اندیشیده‌اند. از سوی دیگر با توجه به حضور پررنگ تر زنان در جامعه و لزوم تقویت و حمایت از آنها حمایت از فعالیت زنان در حوزه مالکیت فکری بصورت سیاستی ویژه در برخی از کشورها نظیر کره جنوبی، ژاپن و سنگاپور پیگیری می‌شود. این فعالیت‌ها عمدتاً شامل حمایت از برگزاری نمایشگاه سالانه اختراع زنان و معرفی و تشویق اختراعات برتر زنان است.

از دیر باز دانشگاه‌ها و در پی آن مراکز علمی و تحقیقاتی، مهد توسعه و ارتقاء دانش و علم بشر بوده‌اند و بسیاری از تحولات صورت گرفته در توسعه تکنولوژیکی و حتی فرهنگی کشورها، ریشه در دانشگاه‌های آنان دارد. از این رو، مدیریت مالکیت فکری در دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی دولتی به عنوان یکی از اجزای کلیدی که در پویایی چرخه توسعه دانش در کشورها شناخته می‌شود چرا که بی‌توجهی به این امر منجر به افول روحیه نوآوری و خلاقیت در این فشر فرهیخته و نخبه جامعه شده و به تدریج انگیزه ایجاد تغییر و ظهور ابداعات جدید در راستای بهبود رفاه و آسایش مردم، از فکر این قشر از جامعه رخت بر می‌بندد. لذا ایجاد واحد مدیریت مالکیت فکری در دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی دولتی و کمک به شکل‌گیری سازمان‌های امتیاز تکنولوژی در دانشگاه‌ها علاوه بر کمک به حفاظت از آثار ابدایی این قشر از جامعه، روزنه‌ای را برای تجاری‌سازی و کسب ثروت به منظور مشوقی برای تضمین ادامه و پیگیری تلاش‌های دانشگاهیان و محققان ترتیب می‌دهد. همچنین مسئولان خود دانشگاه‌ها نیز با توجه به بهره‌مندی از منابع مالی و شهرت کسب شده از این طریق برای دانشگاه، بیش از پیش در بهبود و توسعه نحوه مدیریت دارایی‌های فکری خلق شده در دانشگاه‌های خود اهتمام می‌ورزند.

پیش نیاز تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در هر زمینه‌ای، در اختیار داشتن اطلاعات موثق، روزآمد و دقیق است. با توجه به این موضوع، می‌توان به ضرورت وجود بانک اطلاعاتی و نیز انتشار اطلاعات مرتبط در زمینه مالکیت فکری به عنوان منبع تغذیه و پشتیبانی کننده از سیاست‌ها و تصمیم‌های متخذه چه در سطح کلان و چه در سطح بنگاه‌های اقتصادی پی برد. از این رو، انتشار اطلاعات حقوق مالکیت فکری علی‌الخصوص در کشورهای در حال توسعه مزایای عمده‌ای را به همراه دارد. به عنوان مثال بهره‌برداری از اطلاعات موجود در پتنت‌ها به شرکت‌های و چک و متوسط کمک می‌کند تا از انجام تحقیقات تکراری جلوگیری به عمل آید. همچنین این اطلاعات می‌تواند به عنوان منبع ایده در مراحل اولیه تحقیقات برای توسعه محصولات جدید به این شرکت‌ها کمک کند.

بنابراین، در نظر گرفتن سیاست‌های خاص برای پرورش نیروی انسانی متخصص در حوزه مالکیت فکری به سبب هزینه‌های بالای آموزش منابع انسانی و لزوم برنامه‌ریزی جهت حفظ و نگهداری نیروهای تربیت شده در این حوزه، از دیگر وظایف حاکمیتی به شمار می‌آید.

در کنار مواردی که به آنها اشاره شد، تجاری‌سازی دارایی‌های فکری نیز در پویایی چرخه توسعه دارایی‌های فکری کشورها در حال توسعه از اهمیت تعیین‌کننده برخوردار است چرا که حلقه پایانی و تکمیل کننده این چرخه است و در واقع به نوعی به

ثمر نشستن سایر اقدامات صورت گرفته و میزان اثربخشی آنها در اینجا تبلور می‌یابد.

لذا کمک به تجاری‌سازی اختراعات ثبت شده از طریق اعمال سیاست‌هایی نظیر کمک به تشکیل سازمان‌های امتیاز تکنولوژی، کمک به تاسیس بازار فروش و تبادل امتیاز تکنولوژی، ارائه سوبسید به خدمات مشاوره تجاری‌سازی و کمک به ایجاد مراکزی برای ارزیابی و ارزش‌گذاری اختراعات ثبت شده می‌تواند در اعمال این وظیفه حاکمیتی تأثیرگذار باشد.

در نهایت، تعامل نزدیک و استفاده از منابع، امکانات و کمک‌های مشاوره‌ای سازمان‌های بین‌المللی که در حوزه مالکیت فکری به کشورهای در حال توسعه خدماتی را ارائه می‌دهند، وظیفه ارتقاء همکاری‌های بین‌المللی در عرصه حقوق مالکیت فکری را به دولت‌ها یادآوری می‌کند. این وظیفه می‌تواند در برگزیده اقداماتی چون: افزایش همکاری با سازمان جهانی مالکیت فکری و استفاده از تمامی امکانات و پتانسیل‌های آن، افزایش همکاری با سازمان‌های منطقه‌ای حمایت از مالکیت فکری، افزایش همکاری با بانک جهانی و سازمان تجارت جهانی در حوزه حقوق مالکیت فکری و پیوستن آگاهانه به معاهدات بین‌المللی باشد. اما نکته مهم، تفکیک وظایف حاکمیتی دولتی از کارکردهای بخش خصوصی در چارچوب نظام مالکیت فکری است. بررسی فوق بخوبی نشان می‌دهد که متأسفانه بخش اعظمی از وظایف حاکمیتی در حوزه نظام مالکیت فکری در ایران صورت نمی‌پذیرد و اساساً متولی خاصی نیز در خصوص اجرای آنها وجود ندارد و این امر، از دلایل اصلی ناکارآمدی نظام ملی مالکیت فکری و عدم حمایت مناسب از انواع مصادیق حقوق مالکیت فکری در کشور بشمار می‌رود.



بزرگ‌ترین مشکل نسل سوم است که خود را در عدم اطمینان به آینده، گریز از مسئولیت و ازدواج، دم غنیمت بودن، بی‌خیالی، افسردگی، اضطراب، عدم اعتماد به دیگران و بی‌ثباتی رفتاری و اعتقادی نشان می‌دهد. فقدان انگیزه، فردگرایی، فقدان روحیه مشارکت و سستی و بی‌حالی آسیب‌های جدی‌ای هستند که نسل سوم را به شدت تهدید می‌کنند و پایه‌های اعتقادی و اخلاقی این نسل را متزلزل می‌سازند.



خواسته‌های نسل جدید

نسل وای فای و تکنولوژی

بزرگ‌ترین مشکل نسل سوم است که خود را در عدم اطمینان به آینده، گریز از مسئولیت و ازدواج، دم غنیمت بودن، بی‌خیالی، افسردگی، اضطراب، عدم اعتماد به دیگران و بی‌ثباتی رفتاری و اعتقادی نشان می‌دهد. فقدان انگیزه، فردگرایی، فقدان روحیه مشارکت و سستی و بی‌حالی آسیب‌های جدی‌ای هستند که نسل سوم را به شدت تهدید می‌کنند و پایه‌های اعتقادی و اخلاقی این نسل را متزلزل می‌سازند.

گروه‌های مرجع و الگوهای نسل سوم نیز به کلی با نسل‌های پیش از خود تفاوت پیدا کرده و به تبع دوری از آرمان‌گرایی، از امثال مبارزان دنیا و ایران به هنرپیشه‌ها و خواننده‌ها و ورزشکاران، به خصوص فوتبالیست‌ها تغییر پیدا کرده و مسائلی چون مبارزه برای رهایی ستم‌دیدگان و دستگیری از ضعیفان، رنگ و بوی دهه ۵۰ و ۶۰ را ندارد. علاقه جنون آمیز نوجوانان و جوانان به فوتبال و ارائه الگوهای غلط از سوی جامعه فوتبال به آنان مسئله‌ای است که باید به شکل جدی از

❖ شیوا سراج بخش

ارتباط جمعی به شدت تحت تاثیر تغییرات جهانی است و از آنجا که متاسفانه متولیان فرهنگی پس از پایان جنگ در ارائه الگوهای کارآمد و جذاب فرهنگی موفق نبوده‌اند، گرایش به مدهای جدید و رفتارهای تقلیدی از گروه‌های کم‌مایه و سطح پایین جوامع غربی که روزگاری فقط طبقات بالای شهری را تحت تاثیر قرار می‌داد، طبقات متوسط و پایین را نیز به تقلید از خود واداشته است، به همین دلیل حتی کسانی که درآمدهای اندکی دارند، سعی می‌کنند ظاهر خود را به شکل الگوهایی که از طریق شبکه‌های مجازی و ماهواره‌ای ارائه می‌شوند درآورند تا دست‌کم در کوتاه مدت از نوعی مقبولیت اجتماعی برخوردار شوند. نسل سوم تلاش می‌کند با پوشیدن لباس‌های خاص، تجددخواهی و نوگرایی خود را به رخ بکشد و به نوعی در قبال محدودیت‌هایی که زندگی در طبقه متوسط و فرودست برایش ایجاد می‌کند، اعتراض خود را نشان بدهد. رواج نگاه مادی به جای ارزش‌های معنوی،

سرعت تحولات در سطح دنیا و به ویژه گسترش وسایل ارتباطی از قبیل ماهواره و اینترنت سبب ایجاد شکاف عمیقی بین نسل سوم انقلاب با نسل اول و دوم شده است. نهادهای سنتی در برابر تحولات اجتماعی به مقابله و مقاومت می‌پردازند و از آنجا که کمتر توان هماهنگ شدن با این تغییرات را دارند، به سرعت تاثیر خود را در جامعه از دست می‌دهند و شکاف بین آنها و نسل‌های قبل روزبه‌روز بیشتر می‌شود.

توجه به این نکته که تغییرات و تفاوت‌های نسل سوم با نسل‌های پیشین فوق‌العاده عمیق و بنیادین است، توانائی ما را برای تحلیل خوی و خلق و رفتار و آداب و سلوک آنها آسان‌تر می‌سازد و شاید این شناخت، فشارهای ناشی از سوتفاهم‌ها و کج‌فهمی‌های نسل‌های مختلف در قبال یکدیگر را اندکی کاهش دهد. مقاومت در برابر این تغییرات فقط به تنش‌ها دامن می‌زند و شرایط را برای طرفین دشوارتر می‌سازد. نسل سوم انقلاب به دلیل گستردگی وسایل



مرغ فلورنتاین یک غذای زمستانه



ترکیبی رویایی از تکه‌های مرغ و پنیر آغشته به سس سفید که روی بستری از اسفناج قرار گرفته‌اند. مرغ فلورنتاین که برگرفته از آشپزی ایتالیایی و ایرانی است این ویژگی را دارد که با سبزیجات پخته ماهی و میگو آماده شود. پیشنهاد می‌کنیم این غذا را در برنامه زمستانی خود قرار دهید و از مرغ پته بازمانده از غذای ظهر یا روز قبل تهیه کنید. این کار یکی از بهترین راه‌های مصرف بهینه غذاهای مانده است.

مواد لازم مرغ فلورنتاین برای ۴ نفر :

مواد لازم	اندازه	مقدار / کالری
اسفناج ساطوری	۳۰۰ گرم	۱۰۰ گرم / ۲۵ کالری
کره	۲ قاشق غذاخوری	۱۰۰ گرم / ۷۳۷ کالری
آرد	۲ قاشق غذاخوری	۱۰۰ گرم / ۳۶۰ کالری
شیر	۲۰۰ میلی لیتر	۱۰۰ گرم / ۱۱۰ کالری
پنیر موتزارلا	۲۰۰ گرم رنده شد	۱۰۰ گرم / ۲۸۹ کالری
سینه مرغ پخته	۴۰۰ گرم خردشده	۱۰۰ گرم / ۲۰۰ کالری
نمک و فلفل	به میزان لازم	۱۰۰ گرم / ۰ کالری

روش تهیه مرغ فلورنتاین :

برای تهیه سس سفید کره را در یک قابلمه روی شعله متوسط داغ کنید. هنگامی که کف کرد و رنگش شفاف شد آرد را اضافه و مخلوط کنید تا کاملاً در کره حل شود. پس از ۳۰ ثانیه شیر را اضافه کنید. نمک و فلفل اضافه کرده و روی شعله ملایم دائم آن را هم بزنید تا غلیظ شود. اسفناج را در یک قابلمه با ۳ قاشق غذاخوری آب بپزید سپس آبکش کرده و بچلانید تا آبش کاملاً گرفته شود. یک ظرف نسوز را چرب کنید. اسفناج را کف ظرف به صورت یکنواخت پخش کنید. نیمی از پنیر پیتزا را با مرغ و سس سفید مخلوط کنید و مایه را روی اسفناج بریزید. روی آن را با پنیر پوشانده و ۱۵ دقیقه در فر با دمای ۱۸۰ درجه سانتی گراد قرار دهید. تا پنیر روی آن آب و برشته شود. با سبب زمینی سرخ کرده یا تنوری و سبزیجات پخته سرو کنید.

نکات :

- * به این غذا انواع سبزیجات آپیز را اضافه کنید.
- * در بعضی از دستورهای تهیه در سس سفید ریحان ساطوری می‌ریزند.
- * برای خوش طعم‌تر شدن مرغ فلورنتاین به مایه مرغ و سس قارچ سیر رنده شده و آبلیمو اضافه کنید.
- * می‌توانید یک لایه از حبوبات آپیز مانند عدس یا لوبیاباره این غذا اضافه کرده و سیب زمینی کنار آن را حذف کنید.

خواص اسفناج :

ترشحات لوزالمعده را افزایش می‌دهد. اسفناج سبزی مفید برای تقویت اعصاب است. اسفناج برای رفع بیماری آسم و گرفتگی صدا بسیار موثر است. رماتیسم و نفرس را درمان می‌کند. برای زیاد کردن شیر در مادران شیرده موثر است. تخم اسفناج ملین و خنک کننده است. تخم اسفناج برای برطرف کردن ورم کبد و یرقان مفید است.

نظر جامعه‌شناسی و روان‌شناسی مورد واکاوی قرار بگیرد که متأسفانه این طور نیست.

به نظر می‌رسد این گرایشات بیش از آنچه که مبتنی بر علاقه و گرایش خاص دوران جوانی باشد، نوعی لجبازی با شرایطی است که بر جوانان تحمیل می‌شود و بسیاری از مولفه‌های آن هم منطقی نیست. این نسل نیاز دارد که مسئولین و در واقع بزرگ‌ترها او را به رسمیت بشناسند و برای اهداف و افکار او ارزش قائل شوند. تمام انسان‌ها برای تحمل مشکلات زندگی و حل مسائل به شادی و تحرک نیاز دارند و این نیاز در نسل جوان به مراتب قوی‌تر است، اما به نظر می‌رسد که در جامعه ما کلاً برای این دو مقوله برنامه مستمر، علمی و کارآمدی وجود ندارد و همه چیز به دست دیگران سپرده شده است.

خواست‌های نسل سوم انقلاب، مبهم و نامشخص نیستند و با اندکی تعمق می‌توان آنها را شناسایی و درک کرد. نسل جوان از بیکاری، روشن نبودن آینده، عدم امکانات رفاهی و تفریحی، احساس رهاشدگی و عدم حمایت از سوی جامعه، فشارها و توقعات خانوادگی، ناامیدی نسبت به بهبود اوضاع اقتصادی و امثالهم رنج می‌برد و اگر امکانی برایش فراهم نشود، به امید زندگی بهتر دست به مهاجرت می‌زند، اما از آنجا که کشورهای غربی در پذیرش خارجی‌ها قوانین و محدودیت‌های جدیدی را وضع کرده‌اند، اغلب این جوانان متخصص و تحصیلکرده، سال‌ها در انتظار نوبت می‌مانند و در شرایطی قرار می‌گیرند که نمی‌دانند چه به سرشان خواهد آمد. این جوانان فقط نیازمند آرامش، شادی و درآمد متوسطی برای زندگی هستند و از فشارهای غیرمنطقی و بی‌مبنا خسته شده‌اند.

نسل سوم انقلاب گرایشات عملگرایانه بیشتری نسبت به نسل‌های قبل دارد و آرمان‌گرایی در او کاهش پیدا کرده است. گرایش به تنوع، تجربه، تحرک، هیجان و استقلال از ویژگی‌های نسل سوم است. با شناخت این ویژگی‌ها می‌توان جوانان را در مسیر ترقی و پیشرفت هدایت کرد. بی‌توجهی به خواست‌های اجتماعی نسل سوم، به‌ویژه اشتغال و ارضای حس مفید بودن و مشارکت‌های اجتماعی و فرهنگی، روز به روز فاصله این نسل را با نسل‌های پیشین خود بیشتر می‌کند.



الموت لصدّام!

شلمچه بودیم! شیخ مهدی می خواست آموزش پرتاب نارنجک بده. گفت: بچه ها خوب نگاه کنید محمد! حواست اینجا باشه. احمد! این جوری نارنجکو پرتاب می کنند. خوب نگاه کنید تا خوب یاد بگیرید. خوب یاد بگیرید تا یه وقت خودتون یا یه زبون بسته ای رو نفله نکنید. من توی پادگان، بهترین نارنجک زن بودم. اول دستتون رو می دارین اینجا. بعد شیخ مهدی ضامنو کشید و گفت: حالا اگه ضامنو رها رها کنم، در عرض چند ثانیه منفجر می شه. داشت حرف می زد و از خودش و نارنجک پرانی اش تعریف می کرد که فرمانده از دور داد زد: آهای شیخ مهدی! چیکار می کنی؟ شیخ مهدی یه دفعه ترسید و نارنجک و پرت کرد. نارنجک رفت و افتاد رو سر خاکریز. بچه ها صاف ایستاده بودند و هاج و واج نارنجک رو نگاه می کردند که حاجی داد زد: بخواب برادر! بخواب! انگار همه رو برق بگیره، هیچ کس از جاش تکان نخورد. چند ثانیه گذشت. همه زل زده بودند به سر خاکریز؛ که نارنجک، قل خورد و رفت اون طرف خاکریز و منفجر شد. شیخ مهدی رو به بچه ها کرد و گفت: هان! یاد گرفتید! دیدید چه راحت بود؟ فرمانده خواست داد بزند سرش، که یه دفعه ای صدایی از پشت خاکریز اومد که می گفت: الله اکبر، الموت لصدّام! بچه ها دویدند بالای خاکریز بینن صدای کیه؟ دیدند یه عراقی ای، زخمی شده و به خودش می پیچه. شیخ مهدی عراقی رو که دید، داد زد: حالا بگوئید شیخ مهدی کار بلد نیست؟! ببینید چیکار کردم.

ماجرای سرکار گذاشتن بچی ها با صدای حیوانات!

شلمچه بودیم. شیخ اکبر گفت: «امشب نمیشه کاری کرد. می ترسم بچه ها شهید بشن.» تو تاریکی دور هم ایستاده بودیم و فکر می کردیم که صالح گفت یه فکری! همه سرامونو بردیم توی هم. حرف صالح که تموم شد. زدیم زیر خنده و راه افتادیم. حدود یک کیلومتر از بولدوزرها دور شدیم. رفتیم جایی که پر از آب و باتلاق بود. موشی هم پیدا نمی شد. انگار بیابون ارواح بود. فاصله مون با عراقیا خیلی کم بود؛ اما هیچ سرو صدایی نمی اومد. دو هم جمع شدیم. شیخ اکبر که فرماندمون بود، گفت: یک، دو، سه. هنوز حرفش تموم نشده بود که صدای دوازده نفرمون زلزله ای بپا کرد. هرکس صدایی از خودش درآورد. صدای خروس، سگ، بز، الاغ و... چیزی نگذشته بود که تیربارا و تفنگای عراقیا به کار افتاد. جیغ و دادمون که تموم شد، پوتینارو گذاشتیم زیر بغلمون و دویدیم طرف بولدوزرا. ما می دویدیم و عراقیا آتیش می ریختند. تا کنار بولدوزرا یه نفس دویدیم. عراقیا اونشب انگار بولدوزرا رو نمی دیدند. تا صبح گلوله ها شونو تو باتلاق حروم کردند و ما به کیف و خیال آسوده تا صبح خاکریز زدیم.

13 12 11 10 9 8 7 6 5 4 3 2 1

۱. رمز عملیات نصر در مرداد شصت و شش
۲. شهیدی با لقب شیر در زنجیر. موش خرما. فلز صورت
۳. کشور بیمار! مادر حضرت علی اصغر (ع). پدر آذری
۴. خم کاغذ. آزمون. معتمدان
۵. واحد پول ژاپن. خزنده‌ی گزنده. کوی
۶. از رستنی‌های نهان‌زا. شهادتگاه اوینی و باقری و بقایی. فرستادن
۷. روایتگر. درخت انگور. از تقسیمات قرآنی
۸. جشن‌ها. سوره‌ای با دو بسم‌الله. ویژه
۹. نویسنده‌ی فرانسوی. گل ناامیدی. بالا آمدن آب دریا
۱۰. درخشان. جنگ حضرت علی (ع) با نکثین. زمین‌های اثر
۱۱. آزاده کربلا. سوره احسن القصص. از صفات الهی
۱۲. نوعی بالا پوش. حلقه اطراف یک چیز. از فروع دین
۱۳. نوجوان شهید و هم‌رمز شهید فهمیده

۱. دریا .روحانی شهید لبنانی
۲. اولین پیامبر .ستیز .کنجد آرد شده
۳. رود عراق .منطقه‌ی عملیاتی بدر و خیبر .ضمیر اشاره
۴. کامل‌ترین دین .کمک کردن
۵. خاموش فرنگی .قلب .پندار
۶. تلخ .جابه‌جایی .بدن‌ها
۷. بیماری سگی .آگاه باش .رستگار
۸. وسایل .از باران علی (ع) .کوشش
۹. پرچم .نشانه مفعول .میان
۱۰. مفتش .امروزی .فرمانده شهید نبوی هوایی
۱۱. همه .از بین رفته .نوعی گلوله جنگی
۱۲. جاری .بزرگ‌ترین اقیانوس .ماتم
۱۳. عامل شهادت این روحانی، رژیم بعث است .
ضربه‌ای در فوتبال

15	14	13	12	11	10	9	8	7	6	5	4	3	2	1	
د		ل	ب	ی	ا	ر	و	ش	ه	چ	ا	ر	ی	د	1
ا	ر	ا	گ		س	ل	ع	ه	ا	م		و	ا	م	2
د		و	ا	ج		م	ر	ی	گ		ا	ل	ر	ی	3
گ			ن	ا	ت		و	د			ی	ش	ا	چ	4
س		ا		ر	ی	چ		ا	م	ا	گ		ر	ی	5
د	د	د		و		ا	ک		ا	ر	ا	ز		ن	6
ر		ا	س				و	ن	ا	ب		ه	ی		7
ک	ی		ا	ر		ا	ک		ر	ا	و	ن	ا	ش	8
	ش		ت		ج	ن	و	ر			و	ت	ی	م	9
چ			ه	ا	ج	ن		ه		و	ز	ن	خ	و	10
ر				و	ب		ا		ی	ا	م	ه	ا	ن	11
ا		س		ا			ر	چ		ا	ل	ن	ش		12
گ		ب	ی		ا		ی	پ			ه	ا	و	ا	13
	ا	س		ا	ک	ل		ا	ش	ا	ک	و	س	ا	14
ه		ک	س		ب	و	د	ل	ب		و	ی	س	ن	15

طراح جدول: ابراهیم زارعی
حل جدول شماره گذشته:



حقیقت این است که در سال‌های منتهی به پیروزی انقلاب، طبقه متوسط و پائین جامعه یکسره به این نتیجه رسیده بود که تحمل ظلم و ستم‌های رژیم شاه دیگر ممکن نیست و در نتیجه، همه گروه‌ها حول محور مبارزه با شاه و دربار در کنار هم قرار گرفتند و این وحدت تفاوت دارد با وحدت جمع و جامعه‌ای که همگی از یک آرمان واحد پیروی می‌کنند

چرا انقلاب کردیم؟

جستجوی خویشتن

○ مونا قائمی

و بدبختی و فشارهای اجتماعی و فرهنگی تصویر می‌شود، تصاویری که واقعیت ندارند.

حقیقت چیست؟

حقیقت این است که در سال‌های منتهی به پیروزی انقلاب، طبقه متوسط و پائین جامعه یکسره به این نتیجه رسیده بود که تحمل ظلم و ستم‌های رژیم شاه دیگر ممکن نیست و در نتیجه، همه گروه‌ها حول محور مبارزه با شاه و دربار در کنار هم قرار گرفتند و این وحدت تفاوت دارد با وحدت جمع و جامعه‌ای که همگی از یک آرمان واحد پیروی می‌کنند. به همین دلیل هم هست که پس از پیروزی انقلاب بسیاری از این گروه‌ها و افراد سهم‌خواهی کردند و برخی تا مرز نابودی و براندازی حکومتی که قاطبه مردم به آن رای مثبت داده بودند، پیش رفتند. در فاصله‌ای که همه یکدل و یک جهت به یک هدف واحد می‌انداختند، طبیعی است که اختلاف سلیقه‌ها، خواسته‌های فردی و گروهی، دنیاطلبی‌ها و زیاده‌خواهی‌ها و ردائیل اخلاقی جای خود را به همدلی، فداکاری، فناء و ارزش‌های انسانی داده و فضای کلی جامعه را سرشار از امید و شادی کرده بود. هدف متعالی داشتن و برای دستیابی به آن تلاش کردن، به زندگی فرد و جامعه جهت، امید، تحرک و شادی می‌بخشد. در چنین فضایی بود که افراد جامعه برای شاد بودن به داشته‌های بیشتر نمی‌اندیشیدند، بلکه به آینده‌ای که فراروی آنها بود فکر می‌کردند.

مشکل از وقتی شروع شد که در اثر رویکردهای غلط فرهنگی، نگاه جامعه تغییر کرد و ارزش‌های معنوی که در اثر پیروزی انقلاب و به‌ویژه در سال‌های دفاع مقدس پررنگ شده بودند، رنگ باختند و جای خود را به دنیازدگی و دنیاگرایی دادند. برخلاف نگاه‌های افراطی به این موضوع، به هیچ وجه بنا ندارم از فقر و نداری و عقب‌ماندگی دفاع کنم و رفاه و بالارفتن سطح مادی زندگی عمومی مردم را دلیل بی‌هدفی و پوچ‌گرایی نسل کنونی بدانم. بدیهی است که رفاه مادی حق مردمی است که برای به‌دست آوردن استقلال خود هزینه‌های سنگینی پرداخته‌اند. آن چیزی که کام جامعه را تلخ می‌کند و نگاه ناامیدانه را بسط می‌دهد، بی‌عدالتی است.

بد نیست برای آگاهی ذهن کسانی که یا در آن دوران نبوده و یا عاقدانه فضای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی پیش از انقلاب را به فراموشی سپرده‌اند، به چند آمار ساده اشاره کنم.

در سال ۵۶ یعنی دورانی که به‌زعم شاه به چند متری دروازه‌های تهران بزرگ رسیده بودیم، با جمعیتی حدود ۳۵ میلیون نفر، ۵/۵ میلیون بشکه در روز فروش نفت داشتیم. جمعیت کنونی

انقلاب ساخته و یا در داستان‌هایی که در باره آن دوره‌ها نوشته و به فرهنگ عمومی جامعه تزریق می‌شوند، نمود بیشتری دارد و به‌خصوص نسل امروز جامعه ما را به شدت سردرگم می‌سازد. گاهی از دوره قاجار چنان تصاویر رنگی، شاد و پر از آرامشی ارائه می‌شود که گویی مردان و زنان آن عصر هیچ دغدغه‌ای جز دلدادگی و شعرخوانی و گشت و گذار در باغ و گلستان نداشته‌اند و از صبح تا شب گل می‌گفته و گل می‌شنیده‌اند، درحالی که واقعیت‌های تاریخی نشان می‌دهند که عامه مردم در فقر، بیماری، ناامیدی و تلخی بسیار دست و پا می‌زدند، آمار مرگ و میر بالا بود و جنگ‌های خانمانسوز و بیماری‌های واگیردار و گرسنگی، کرور کرور آدم می‌کشت.

درباره سال‌های قبل از انقلاب و دوره پهلوی هم از این قصه‌ها فراوان نقل می‌شود و گاهی این برهه با اغراق‌گویی‌های بی‌منا، دوره‌ای سرشار از رفاه، امنیت و دوران پس از انقلاب، زمانه‌ای پراز جنگ

در ماه‌های منتهی به انقلاب با وجود تعطیلی و اعتصاب، مردم چگونه زندگی می‌کردند؟ آیا این اعتصابات و تظاهرات به زندگی عادی مردم خلل وارد می‌کرد؟

واقعیت این است که ما در نظام فکری و فرهنگی خود دچار یک عارضه و مشکل بزرگ هستیم و آن هم این است که معمولاً در گذشته زندگی می‌کنیم و گاهی چنان تصاویر مشعشعی از گذشته ارائه می‌دهیم که اگر کسی آن دوران را ندیده باشد، از خود خواهد پرسید اگر آن دوره تا این حد پراز شادی و سعادت و رفاه بوده و مردم هیچ غم و غصه‌ای نداشته و درگیر مصائب گوناگون نبوده‌اند، پس چرا سپری شده است و مگر آدم‌ها واقعاً این گونه‌اند که خوشی زیر دلشان بزنند و به دست خود ناخوشی را برای خود رقم بزنند، آن هم به‌هیمت از دست دادن بهترین جوانان خود؟ این اشتباه تاریخی و فرهنگی در فیلم‌ها و سریال‌هایی که از عهد قاجار و دوران قبل از





کشور نزدیک به ۸۰ میلیون و فروش نفت حدود یک میلیون بشکه است. در آن زمان ارزش دلار آمریکا تقریباً دو برابر ارزهای دیگر بود، در حالی که اکنون به دلیل جهش اقتصادی شوراهائی چون چین، ژاپن و اتحادیه اروپا، این ارزش نصف شده است. همین آمار به خوبی نشان می‌دهد که درآمد حاصل از نفت در چه سطحی بوده و در دوران پس از انقلاب به چه سطحی رسیده و با وجود آنکه درآمد سرانه حدود ۱۶ برابر کاهش داشته، با این همه پیشرفت‌های مادی بسیار چشمگیری را در طی سال‌های پس از انقلاب شاهد بوده‌ایم، از جمله اینکه مصرف مواد پروتئینی، لبنیات، میوه، سبزی، پوشاک، لوازم خانگی، لوازم بهداشتی و امثال اینها نزدیک به پنج برابر قبل از پیروزی انقلاب شده است. قبل از انقلاب فقط پنج شهر بزرگ، آن هم به شکل پراکنده از گاز شهری بهره‌مند بودند، ولی اکنون حتی دورافتاده‌ترین روستاها نیز از نعمت گاز، برق و آب برخوردارند.

در آن دوران بیش از ۳۵ هزار متخصص و مستشار خارجی صنایع نفت، مخابرات، خودرو، برنامه و بودجه و... کشور را اداره می‌کردند و صنایع نظامی کلّاً در اختیار مستشاران آمریکائی بود. هنوز از یاد نبرده‌ایم که از هند، پاکستان، سریلانکا و بنگلادش پزشک وارد می‌کردیم و از انجام ساده‌ترین اعمال جراحی ناتوان بودیم، در حالی که در حال حاضر پیچیده‌ترین اعمال جراحی در داخل کشور انجام می‌شوند و در صورتی که برنامه‌ریزی علمی و دقیقی داشته باشیم، پزشکی ایران می‌تواند یکی از منابع سرشار درآمدی کشور باشد، زیرا بیماران سایر کشورها، به ویژه کشورهای منطقه به خوبی از این توانائی آگاهند و حاضرند برای استفاده از خدمات پیشرفته پزشکی ایران هزینه بپردازند.

قبل از انقلاب بیش از ۹۰ درصد درآمد کشور متعلق به ۱۰ درصد جامعه، یعنی دربار و وابستگان به آن بود و بقیه صرف ورود کالاهای مصرفی و ایجاد بازار برای اقتصاد کشورهای استعماری می‌شد. در سال ۵۰ در حالی که کمر کشور زیر بار قرض‌های خارجی خم شده بود، شاه نمایش مسخره جشن‌های ۲۵۰۰ ساله را به راه انداخت و ۳۰۰ میلیون دلار هزینه را که نسبت به نرخ ارز در آن برهه، رقمی چون آمیز بود بر کشور تحمیل کرد.

طبق آمار بانک جهانی در سال ۵۶، ۴۶ درصد ایرانی‌ها زیر خط فقر زندگی می‌کردند، در حالی که این رقم در سال ۷۸ به ۱۶ درصد کاهش پیدا کرد. قبل از انقلاب داشتن خانه برای طبقات متوسط به پایین تقریباً آرزویی دست‌نیافتنی بود و اگر هم این آرزو محقق می‌شد، در اواخر عمر افراد بود. معمولاً سه نسل در یک خانه زندگی می‌کردند و زوج‌های جوان کمتر امکان زندگی در خانه یا آپارتمان جداگانه را پیدا می‌کردند. قوت غالب

مردم نان بود و برنج غذای اعیانی محسوب می‌شد و بسیاری از داشته‌هایی که امروز بسیار عادی تلقی می‌شوند، جزو کالاهای لوکس به حساب می‌آمدند و دست طبقه متوسط به آنها نمی‌رسید.

از همه مهم‌تر اینکه کشور در هیچ یک از زمینه‌های علمی در سطح دنیا حتی در دردهای ۵۰ به بعد هم نبود. کمتر کسی توان دستیابی به آموزش عالی را پیدا می‌کرد و کشور در تمام زمینه‌ها همواره نیازمند متخصصین خارجی بود. امروز ایران در بسیاری از زمینه‌های علمی جزو ده کشور اول دنیاست، از جمله در زمینه تهیه داروهای بیوتکنولوژی، پلیمرهای گیاهی، پیوند اعضا، جراحی قلب، تولید داروی ام اس (دومین کشور دنیا)، نانوتکنولوژی، چرخه سوخت هسته‌ای و غنی‌سازی، صنایع نظامی و... مقایسه ساده استقلال سیاسی ایران با دورانی که طبق قانون کاپیتولاسیون، امرکائی‌ها حق انجام هر جنایتی را در ایران داشتند و هیچ دادگاهی حق محاکمه آنان را نداشت و غربی‌ها برای زندگی در ایران، حق توحش می‌گرفتند با امروز که سیاست ایران در منطقه و جهان تاثیرگذار است به خوبی این تفاوت‌ها را نشان می‌دهد.

با این همه فرق، علت ناشادبودن مردم و ناامیدی و خستگی و گله و شکایت آنها چیست؟

بد نیست برای روشن‌تر شدن موضوع به داستانی از گلستان حکیم فرزانه شیراز، سعدی اشاره کنم که با اشارتی، دنیائی معنا را بیان کرده است:

«یکی از شعرا پیش امیر دزدان رفت و ثنائی بر او بگفت. فرمود تا جامه از او بپوشانند و وی را از ده به در کنند. مسکین برهنه به سرما همی رفت. سگان در قفای وی افتادند. خواست تا سنگی بردارد و سگان را دفع کند. در زمین یخ گرفته بود. عاجز شد. گفت این چه حرامزاده مردمانند. سگ را گشاده‌اند و سنگ را بسته. امیر از غره بدید و بشنید و یخندید. گفت: «ای حکیم از من چیزی

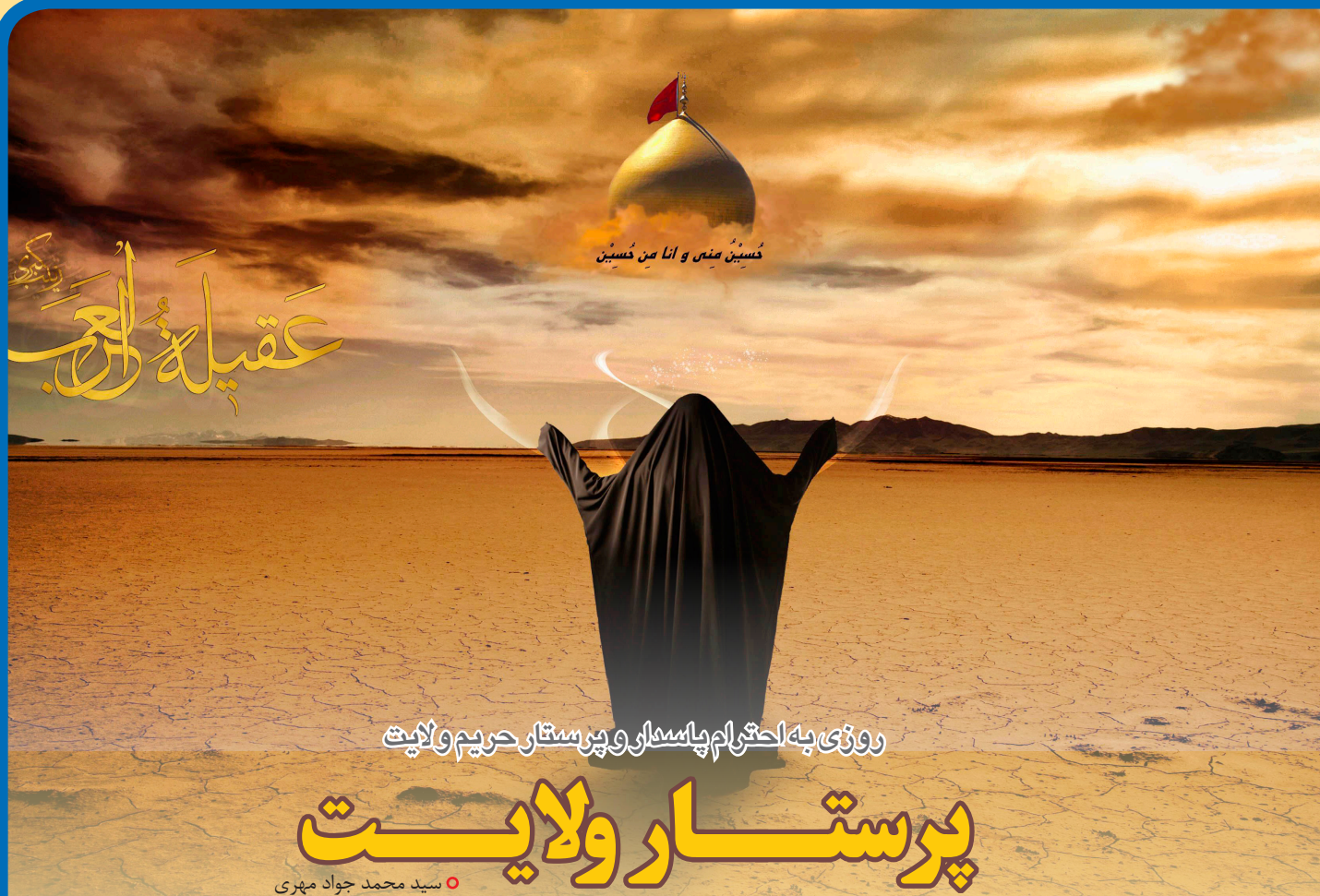
بخواه». گفت: «جامعه خود می‌خواهم، اگر انعام فرمائی.» و باقی داستان.

انسان وقتی کشمکش‌های داخلی بر سر مقام، پست، مادیات و امثال اینها را می‌بیند، بی‌اختیار به یاد این قصه شیخ اجل می‌افتد که در زمهریر ظلم و بیداد استعمارگران کهنه‌کار غرب که در کل تاریخ به این شکل گسترده و فجیع کمتر سابقه داشته است و در بحران اخلاقی و فرهنگی و اقتصادی همه‌گیری که نفس انسانیت را به شماره انداخته است، در کشوری که به مدد یک انقلاب اصیل مردمی توانسته این سگان درنده‌خوار یکسره براند و پس از قرن‌ها تحمل خفت و خواری، سرخود را بالا نگه دارد، چگونه با اجرای برنامه‌های غلط اقتصادی و فرهنگی، به دست خودمان سنگ را بسته و سگ را گشاده‌ایم. مردم ما اگر هنوز هم نان خشکی بر سر سفره‌ای داشته باشند که به عدالت تقسیم می‌شود و تفرعن و اشراف‌زادگی را با گوشت و پوست خود احساس نکنند، همچنان شاد و امیدوار کاستی‌ها را تحمل می‌کنند و از بذل جان و مال و فرزند دریغ نخواهند کرد. آن چیزی که به یاس و افسردگی دامن می‌زند، کاستی‌های مادی نیست، بلکه تبعیض‌ها و اختلافات طبقاتی، جایگزینی روابط به جای ضوابط و تغییر ارزش‌های معنوی به مادی است. وقتی مارک اتومبیل و موبایل و منطقه سکونت جای ایشار و سواد و تخصص را می‌گیرد و ارزش‌های اشرافی‌گری و دنیا طلبی فضای اجتماعی را آلوده می‌سازند، دیگر رفاه مادی هم دردی را دوا نمی‌کند و مردمی که گرفتار انواع و اقسام حسرت‌های دنیوی می‌شوند، دیگر باور نخواهند کرد که پاک کردن اشک از گونه‌های یک انسان محروم و دست زیر بازوی همسایه و هموطن خود زدن از دنیاها داشتن‌های مادی، دلپذیرتر و ماندگارتر است. آن چیزی که جامعه ما گم کرده است، هویت اصیل خویش است که تنها در پرتو ارزش‌های معنوی و انسانی امکان بروز پیدا می‌کند.

کربلا در کربلا می ماند اگر زینب نبود

کربلا در کربلا می ماند اگر زینب نبود
پشت ابری از ریا می ماند اگر زینب نبود
در کویر تفته جا می ماند اگر زینب نبود
از طراز نغمه وا می ماند اگر زینب نبود
در گلوی چشم ها می ماند اگر زینب نبود
در بیابان ها رها می ماند اگر زینب نبود
پشت کوه فتنه جا می ماند اگر زینب نبود
قادر طهماسبی

سرنی در نینوا می ماند اگر زینب نبود
چهره سرخ حقیقت بعد از آن توفان رنگ
چشمه فریاد مظلومیت لب تشنگان
زخمه زخمی ترین فریاد در چنگ سکوت
در طلوع داغ اصغر استخوان اشک سرخ
ذوالجناح دادخواهی بی سوار و بی لگام
در عبور بستر تاریخ، سیل انقلاب



روزی به احترام پاسدار و پرستار حریم ولایت

پرستار ولایت

● سید محمد جواد مهری

۲۵

● شاهد جوان / شماره ۱۳۸

را بیدار کرد و حرکت را در مردگان آغاز نمود که از آن جا حرکت توأیین و دیگر حرکت های اسلامی آغاز شد و تا امروز و فردا و فرداها، آثار این حرکت عظیم زینبی، هویدا است و به برکت زینب(س) و قیام مبارکش، هم چنان بیرق های خونین عاشورا به نشانه روز انتقام مظلوم از ظالم، در سراسر جهان افراشته می شود زیرا زینب بود که پیام خونین حسین را به تمام نسل ها و عصرها رساند. در اینجا نتیجه ای که می خواهیم از این مطالب بگیریم این است که علت نامگذاری روز میلاد با سعادت حضرت زینب سلام الله علیها به روز پرستار به خاطر دو وجه است:

۱. تجلیل از مقام شامخ و شخصیت والای حضرت زینب(س) است که با برگزاری این مراسم یادی از این بزرگ بانو می شود و باعث الگوسازی در جامعه می شود.
۲. تقویت روحیه زینب گونه در میان پرستاران و تقدیر و تشکر از زحمات و نقش پرارزش پرستار در جامعه.

منبع: پاسدار اسلام

است که او را پرستار نهضت و انقلاب حسینی باید بنامیم، زیرا این پرستاری به مراتب مهم تر و سرنوشت سازتر از پرستاری بیمار بود. زینب(س) نقش نگهداری از قیام خون بار حسینی را بر عهده داشت که قطعاً اگر او این بار را بر دوش نمی گرفت، خون حسین(ع) پایمال می شد و بسیار دشوار بود که نهضت ابی عبدالله علیه السلام به مردم اعلام و ابلاغ گردد و شاید بدون اسارت خاندان رسول الله و پیش تازی زینب کبری(س) در رسوا نمودن هیئت حاکم، و تبلیغ او از انگیزه قیام برادرش، یزیدیان به هدف پلید خود نائل می آمدند و نام رسول الله(ص) را نه تنها از مناره های مساجد بلکه از تاریخ، پاک و محو می کردند و این بود نیت شوم آنان. و زینب با مجاهدت و قیام شجاعانه خویش در برابر زورگویان و همچنین فریب خوردگان زمانش، آن چنان از قیام حسین دفاع کرد که تا قیام رستاخیز، همانند او نه در مردان و نه در زنان، وجود ندارد و این نام جاودان و مقدس برای همیشه با عظمت و شموخ باید برده شود. زینب در پس آن مصیبت بزرگی که آن چنان بار سنگین پرچم ولایت را بر دوش گرفت و در برابر کفر ایستاد و سخنرانی کرد و خطابه خواند و مردم

پنجم جمادی الاولی روز ولادت باسعادت بانوی قهرمان کربلا، پرچم دار نهضت پس از شهادت حسین علیه السلام، حضرت زینب کبری سلام الله علیها است. این روز را روز پرستار می نامند و علت نام گذاری این روز به نام «روز پرستار» این است که حضرت زینب پرستاری امام زمانش حضرت زین العابدین علیه السلام و دیگر بیماران و مصیبت زدگان اهل بیت را بر عهده داشت، و ضمن این که رسالت مهم نگهداری و تبلیغ از نهضت حسینی را به خوبی انجام داد، از پرستاری بیمار کربلا نیز با تحمل آن همه سختی ها و ناملایمات، آنی فروگذار نبود و تا آخرین رمق، دین خود را به مکتب و رهبرش ادا کرد. درود بی پایان خداوند بر این بزرگ بانوی اسلام باد. نکته ای که لازم است به آن اشاره کنیم این است که: حیف است زینب را پرستار بیمار بخوانند زیرا پرستاری از بیمار یکی از کوچک ترین مسؤولیت های زینب(س) بود، و هر چند پرستاری وظیفه سنگین و ارزشمندی است و پرستار متعهد باید با صبر و حوصله، تحمل هر نوع ناملایمات برای انجام خدمتش بنماید و چنین کاری از عهده هر کس بر نمی آید ولی با این حال مقام زینب، آن قدر والا و عظیم

گوگرد، شاه داروی بدبو

بنیامین سید ابراهیمی

این عنصر بدبو را در زیرشاخه اکسیژن می بینیم که در بسیاری از مواد آلی و پروتئین ها نقش ساختمانی دارد. به طوری که وجودش باعث افزایش استحکام پروتئین می شود. این امر باعث می شود بیشتر بافت های محافظتی بدن نظیر پوست، مو و ناخن برای استحکام خود از پروتئینی به نام کراتین استفاده کنند که در ساختمان خود حاوی مقادیر زیادی گوگرد است.

گوگرد محلول در آب و الکل بیشترین کاربرد را در طبابت دارد. این عنصر در درمان بیماری های پوستی، مو و ناخن، بیماری های عفونی، مشکلات گوارشی، مشکلات مفاصل و حتی روحی و روانی موثر است.

با تمام این تفاسیر باید تحت نظر پزشک از این داروها استفاده کرد.

جذب کند و درآمد قابل توجهی کسب کند. اما گوگرد، از قدیم مورد توجه اطبا بوده است ولی دکتر ساموئل هانمان آلمانی اولین کسی بود که توانست گوگرد را تلخیص کند و آن را به صورت خوراکی در درمان بیماری های خاص به کار ببرد. دکتر هانمان به قدری به خواص درمانی گوگرد اعتقاد داشت که کتابی چندین صفحه ای درباره گوگرد نوشت و گوگرد را شاه داروی هومیوپاتی نامید.

اما پیش از دکتر هانمان آلمانی در همین اصفهان خودمان شیخ بهایی از این گاز بدبو و به ظاهر بی خاصیت برای سوخت حمام خزینه های معروف اصفهان بهره برد.

اما چطور گوگرد نقش خود را در سلامت و تقویت پوست و مو ایفا می کند؟
اگر به جایگاه گوگرد در جدول تناوبی نگاه کنیم

یکی از دوستان تعریف می کند پدر شهیدی را می شناختم که علی رغم کهولت سن، در هفته ای دو یا سه بار صبح زود از خانه تا چشمه های آبگرم پیاده روی می کرد و تن به آب های گرم سرگرمی داد (سرگرمی چشمه های آبگرم دهلران) و هدفش حفظ سلامتی بود. آن سید خوش مشرب تا وقتی که چشم از جهان فرو بست نه درد مفاصل داشت نه مشکلاتی که پیران با آن دست و پنجه نرم می کنند و علت فوت ایشان هم هیچ چیز بیرونی نبود جز کهولت سن و به سر آمدن عمر.

خیلی ها هستند که به خاصیت گوگرد چشمه های آبگرم اعتقاد دارند و حتی رنج سفر را به دوش می کشند تا برای درمان آرتروز مفاصل و خشکی عضلات تن به چشمه های آبگرم بپارند.

ایران با داشتن چشمه های آبگرم می تواند با گردشگری سلامت توریست های بسیاری را جلب و



شلغم آنتی بیوتیکی بی عارضه

○ زینب درگاهی

برای گرفتن عصاره شلغم می‌توان قسمت بالایی آن را برش داده و داخل آن را خالی کرد. سپس به داخل شلغم مقداری عسل یا شکر بمالید و بگذارید برای ۱۲ ساعت در یخچال بماند. با این روش داخل شلغم از مایعی پر می‌شود که سرماخوردگی را درمان می‌کند و باید چند بار در طول روز مصرف شود.

به هر حال امروز از شلغم به عنوان یک آنتی بیوتیک طبیعی و گیاهی یاد می‌شود پس در روزهای سرد شلغم در سبد غذایی خانواده فراموش نشود.

خانه سرما بخورد فوراً همه سوپ و شلغم را توصیه می‌کنند. اما واقعاً شلغم شفا بخش است. شلغم در میان سبزیجات جای دارد و گیاهی است که در کنار پرتقال جزو داروهای شفا بخش سرماخوردگی است.

مصرف شلغم به دو صورت خام و پخته است. برخی شلغم خام را با سالاد می‌خورند و برخی به صورت پخته در سوپ یا خالی می‌خورند که روش پخته مرسوم است. اما روش دیگری هم وجود دارد که در واقع با آن عصاره شلغم به دست می‌آید که در درمان سرفه و گلو درد و سرماخوردگی مؤثر است.

قدیم‌ترها وقتی خبر از طب مدرن نبود، وقتی خیلی از شهرها و روستاها فاقد بیمارستان و دکتر و مراکز بهداشتی بودند مردم با استفاده از تجربیاتی که در طول زمان کسب کرده بودند به درمان بیماری‌ها می‌پرداختند و معمولاً هم جواب می‌داده و امروز از آن درمان‌ها به عنوان طب سنتی یاد می‌شود و رویکرد مردم هم به این نوع از طب زیاد شده است. اما در گذشته‌های نه چندان دور مادر بزرگ‌ها هم نقش بسزایی در درمان بیماری‌ها داشتند و نسخه‌های خانگی آنها رد خور نداشت. یکی از نسخه‌های مادر بزرگ‌ها برای سرماخوردگی استراحت و نوشیدن مایعات گرم و شلغم بود که تا به امروز هم به ما رسیده است و اگر کسی در

تعداد پزشکان در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی (۱۳۵۶) ۱۳۴۲۸ نفر بوده که امروز به بیش از ۲۰۰ هزار نفر رسیده است و نزدیک چهار هزار پزشک متخصص در مناطق محروم مشغول خدمت هستند.

نگاهی گذرا بر دستاوردهای انقلاب اسلامی پس از ۳۸ سال

برساحل سلامت

○ سید حسین آدینه

درمان و آموزش پزشکی به منظور رسیدن به اهداف پیش‌گفته و سایر وظایف و مسوولیت‌های مندرج در قانون مزبور تشکیل شد.

تعداد پزشکان در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی (۱۳۵۶) ۱۳۴۲۸ نفر بوده که امروز به بیش از ۲۰۰ هزار نفر رسیده است و نزدیک چهار هزار پزشک متخصص در مناطق محروم مشغول خدمت هستند.

بیمارستان

بر حسب آمارهای موجود در سال ۱۳۵۶ در کل کشور تعداد ۵۴۷ بیمارستان و ۵۶۰۰۰ تخت بیمارستانی وجود داشت که از این تعداد ۴۰۰ بیمارستان با ظرفیت ۴۶۰۳۶ تخت متعلق به بخش دولتی و تعداد ۱۴۷ بیمارستان با ۹۹۶۴ تخت مربوط به بخش خصوصی بود.

از مراکز موجود، تهران و کرج با بیمارستان بیشترین و ایلام و کهگیلویه و بویراحمد به ترتیب با ۲ و ۱ بیمارستان کمترین سهم را به خود اختصاص داده بودند. و امروز بالغ بر ۱۱۹۱ بیمارستان در کشور موجود است. ایلام ۱۵ بیمارستان و کهگیلویه و بویراحمد ۲۴ بیمارستان دارد.

طرح های بزرگ

از دستاوردهای انقلاب اسلامی اجرای طرح های بزرگ در حوزه سلامت است اولین طرح هایی که به صورت سراسری و رایگان انجام شد طرح واکسیناسیون و هم چنین طرح ریشه‌کنی فلج اطفال بود که با موفقیت انجام شد و بعدتر طرح بیمه روستائیان، بعد اجرای طرح پزشک خانواده و امروز هم طرح تحول نظام سلامت که توسط دولت یازدهم اجرا شده و مورد تشویق و حمایت رهبری قرار گرفت اهداف این طرح عبارتند از: افزایش پاسخگویی نظام سلامت؛ کاهش پرداخت مستقیم از جیب مردم؛

خدا حافظ دکتر هندی

خیلی ها خوب بخاطر دارند که در سالهای پیش و آغازین انقلاب وقتی وارد مطب دکتر می شدند با یک پزشک سبزه با لهجه ای غریب روبرو می شدند اغلب این پزشکان هندی و پاکستانی بودند بر اساس آمار شش هزار پزشک پاکستانی در کشور حضور داشتند. در کشور نزدیک به چهارده هزار پزشک وجود داشت که تعدادی به دلیل جنگ و مشکلات کشور از ایران خارج شدند. جنگ ، مشکلات اقتصادی ، نبود زیر ساخت ها و ... مشکلات سلامتی مردم را دو چندان کرده بود . این مشکلات یک تحول اساسی می طلبد که در گام اول باید نیروی متخصص تامین می شد بر این اساس سیاست های دولت مبنی بر ضرورت توسعه آموزش پزشکی و تربیت نیروی انسانی کافی در زمینه پزشکی و پیراپزشکی و استفاده بهتر از تمام ظرفیت های درمانی کشور برای تربیت کادر مورد نیاز و تعمیم و توسعه بهداشت به عنوان یک اصل که پیشگیری مقدم بر درمان است ، آموزش پزشکی از وزارت علوم جدا و با انحلال وزارت بهداشتی و بهزیستی وقت در سال ۱۳۶۴ و به موجب قانون مصوب مجلس شورای اسلامی وزارت بهداشت ،

۳۸ از انقلاب گذشته است ، حالا انقلاب اسلامی جوان بلند قامتی است که کوله باری پراز موفقیت و پیروزی بر دوش دارد. علی رغم ناملایمات و سختی هایی که در مسیرش قرار داشت بی آنکه به کسی تکیه کند به اینجا رسیده است که کشورهای بزرگ آن را خطری برای خود می دانند. یکی از دغدغه های مردم ایران زمین مساله بهداشت و سلامت بود که جز در برخی نقاط برخوردار کشور سایر مردم در اقصی نقاط کشور با مشکل سلامت، نبودن بیمارستان، مراکز درمانی و ... روبرو بودند. حتی از لحاظ نیروی انسانی حوزه سلامت چون پزشک، پرستار و ... نیز در محرومیت بسر می بردیم. با آغاز کار جمهوری اسلامی از اولین برنامه ها در حوزه بهداشت احداث خانه های بهداشت ، تربیت بهیار و بهورز و پرستار ... و ارایه خدمات رایگان بهداشت و سلامت چون واکسیناسیون انجام شد. اما برای رسیدن به مقصد راه بسیاری در پیش داشت و باید به صورت زیربنایی کار می کرد و امروز ما در حوزه سلامت شاهد اتفاقات بزرگی هستیم. در زیر به بخشی از دستاوردهای انقلاب اسلامی در حوزه بهداشت و سلامت اشاره می کنیم.





مختلف به خصوص در زمینه داروهای ضد سرطان و نیز بافت مصنوعی (پوست و ارگان‌های مصنوعی در مقیاس نانو) در کشور خواهیم بود و این پیشرفت بزرگی است که در جهان کم نظیر خواهد بود. در عرصه نانو تکنولوژی و بایو تکنولوژی پزشکی بدون شک ایران در قله‌های علم حرکت می‌کند و حتماً می‌توانیم به اهداف چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور طی ۱۰ سال برسیم.»

وی می‌افزاید: «پیشرفت‌های کشور در زمینه فناوری نوین محدود به این بخش‌ها نمی‌شود، تولید داروی imod برای بیماران ایدز، تولید کیت‌های تشخیص HIV و HCV در کشور، تولید هورمون رشد انسانی، فاکتورهای خونی، تکثیر سلول‌های بنیدادی بندناف به منظور درمان سرطان یا صدمات بافت قلب و عصب و سلول‌های استخوانی، ترمیم ضایعات نخاعی، شبیه‌سازی، تولید سلول‌های بنیدادی جنین از جمله دستاوردهای بزرگ کشور ما در عرصه فناوری‌های نوین است.»

تورسم درمانی

حالا دیگر ایران نام شناخته شده‌ای در دنیا است و اعتماد به دانش و تخصص پزشکان ایرانی باعث شده است که افراد زیادی از سراسر دنیا برای درمان به کشور ما مراجعه کنند. اگر روزگاری مردم ما برای درمان به خارج از کشور مراجعه می‌کردند امروز ما شاهد حضور مردمانی از کشورهای توسعه یافته در کشور خود هستیم که برای انجام درمان و جراحی حتی در حوزه زیبایی به ایران آمده‌اند. متخصصین قلب، مغز و اعصاب، چشم پزشکی، نازایی، زیبایی و... ایرانی در دنیا شناخته شده‌اند و این‌ها همه به دلیل فراهم آمدن بستری بود که انقلاب اسلامی برای رسیدن به اهداف متعالی و انسانی خود ایجاد کرده است. دستاوردهای حوزه بهداشت و درمان بسیارند که ما را مجال پرداختن به همه آنها نیست.

ایران همگام با فناوری‌های نوین

بدون تردید نیروی متخصص و توانمند می‌تواند به تولید علم و تکنولوژی برسد و در دنیای امروز که دنیای علم و تکنولوژی‌های نوین است بتواند خودی نشان دهد. خوشبختانه نیروی علمی ما از لحاظ علمی و پژوهش در دنیا حرف بسیار برای گفتن دارد، رسول دیناروند نماینده تام‌الاختیار وزیر بهداشت در امور فناوری‌های نوین می‌گوید: «در عرصه بیوتکنولوژی اکنون کشور ما جزء سه کشور تولید کننده محصولات این تکنولوژی در دنیا است و محصولات واکسن هپاتیت B، اریتروپوئیتین، آنها اینتررون و استرپتوکیناز، gcsf و اینترفون بتا اکنون در کشور ما تولید می‌شود و به زودی شمار محصولات بیوتکنولوژی در حوزه سلامت به ده‌ها مورد می‌رسد و از همین امسال تولید این محصول حداقل ۱۰۰ میلیون دلار صرفه جویی ارزی نسبت به سه سال قبل به همراه خواهد داشت، ضمن این که ایران را به عنوان یک کشور سرآمد در عرصه بیوتکنولوژی دنیا معرفی می‌کند.»

وی ادامه می‌دهد: «در حوزه نانو تکنولوژی که تکنولوژی بسیار سطح بالایی در دنیا است و تولید همه فرآورده‌های آن در مقیاس یک میلیونیم متر است نیز ایران هم سطح کشورهای پیشرفته جهان در حال حرکت است. تحقیقات در این فناوری در هیچ جای جهان هنوز به تولید محصول نهایی نرسیده، اما در ایران ۱۰۰ پروژه تحقیقاتی نانو تکنولوژی در حال انجام است و ده‌ها محقق و دانشجوی phd روی این پروژه‌ها کار می‌کنند. با اتمام این پروژه‌ها به زودی شاهد ورود داروهای نانو تکنولوژی در عرصه‌های

کاهش درصد خانوارهایی که بخاطر دریافت خدمات سلامت دچار هزینه کمرشکن شده‌اند؛ بهبود پی‌آمدهای بیماران اورژانسی؛ افزایش زایمان طبیعی؛ که سلامت با عدالت برای همه محقق می‌شود.

دارویی برای درمان

در زمان رژیم گذشته دارو نیز مانند تمام صنایع و کالاهای استراتژیک و غیر استراتژیک به کشورهای دیگر وابسته بود، اما امروز ما تحولی عظیم در حوزه دارو می‌بینیم و نه تنها بسیاری از داروها را خود تولید می‌کنیم بلکه دانشمندان ما داروهای مهمی را کشف و وارد بازار سلامت می‌کنند.

اصلاح ساختار مدیریتی حوزه غذا و دارو کشور و ایجاد سازمان غذا و دارو، دستیابی به تولید داخلی ۹۷ درصدی داروهای مورد نیاز مردم، افزایش سالانه ۱۵ درصدی صادرات فرآورده‌های دارویی، گسترش مراکز تامین داروهای کمبود و فوریتی به بیش از ۴۰ مرکز، تولید ۳۱ داروی بیوتکنولوژیک، ساماندهی توزیع و مصرف داروهای بارانهای، توجه به توسعه «داروهای طبیعی و مکمل» و پوشش بیمه‌ای ۲۰۲ قلم داروی بیماران صعب‌العلاج نیز تنها گوشه‌ای از ویتترین خدمات ارزنده مسئولان و متخصصان در حوزه استراتژیک داروست.



چشمه-آب-معدنی-دریابک



برج-دیده-بانی-مزداران



امامزاده اسماعیل فیروزکوه

بهشتی در نزدیکی پایتخت

فیروزکوه یکی از شهرستان‌های استان تهران است که در خاوری‌ترین ناحیه استان واقع شده است. این منطقه با دارا بودن رودخانه‌های پرآب، دریاچه‌های آب شیرین و چشمه‌های آب معدنی متعدد، از مناطق کوهستانی و ییلاقی استان تهران به شمار می‌آید. جاذبه‌های طبیعی شهرستان فیروزکوه، این منطقه را در زمره مناطق خوش آب و هوای استان تهران قرار داده که به خصوص در فصل‌های گرم جاذب جمعیت شهرهای اطراف است. آثار تاریخی و جاذبه‌های معماری که در این منطقه وجود دارند نیز حاکی از قدمت طولانی و تاریخی منطقه است. نقش برجسته‌ی تنگ واشی که به دوره‌ی قاجاریه تعلق دارد، کاروان‌سراها و قلعه‌های قدیمی، قبرستان‌های تاریخی و کهن به همراه بقعه امام زاده‌های متعددی که در این شهرستان وجود دارند، از جاذبه‌های تاریخی شهرستان فیروزکوه به شمار می‌آیند.

دیدنی‌های فیروزکوه:

آبشار تنگه واشی، آبشار شورآب، تپه تاریخی میر اشکار، خانه تاریخی مزدران، امامزاده عسگری شهرآباد، پل رضا شاهی، تپه باستانی سر تپه یا کله منار، امامزاده احمد و محمد طارس، قلعه لاجورد، سرخ قلعه روستای سرانزا، رباط شاه عباس امین آباد، کاروانسرای گدوک فیروزکوه، قلعه فیروزکوه، قلعه بابارش، چشمه دریابک، برج دیده بانی مزداران، امامزاده اسماعیل فیروزکوه.



پل رضا شاهی



رباط شاه عباس امین آباد



قلعه لاجورد



آبشار شور آب



قلعه فیروز کوه



سرخ قلعه روستای سرانزا



از این روستا عده زیادی به جبهه رفتند. برخی اسیر شدند و برخی مجروح. اینکه غلامرضا تنها شهید مارکده خواهد بود، به خود او هم الهام شده بود. تا جایی که چند روز قبل از شهادتش به یکی از دوستانش گفته بود: «اول شهید مارکده من هستم و دیگر بعد از من کسی شهید نخواهد شد و تنها شهید مارکده من خواهم بود»

گفتگویی با خاتم خدیجه صادقی، مادر شهید غلامرضا عرب

بهشتیان روی زمین

برای من آن زمان جمع و جور کردن هشت فرزند کار مشکلی بود. اما وقتی غلامرضا کمی بزرگتر شد مشکلات را درک می‌کرد و تا حد توانش در کارهای کشاورزی و بقیه کارها به من کمک می‌کرد تا سختی کمتری را احساس کنم. آخرش هم با اینکه چهار کلاس بیشتر درس نخوانده بود، گذاشت و رفت جبهه و شد آرپیجی زن.

لحظه‌ای اشک مجال سخن گفتن را از او می‌گیرد، اما باز شروع می‌کند و از خاطرات پسرش می‌گوید. یک بار که غلامرضا تازه از جبهه برگشته بود من نان نپخته بودم. کمی نان خشک داشتم، با خودم گفتم پسرم دیر به دیر خانه می‌آید، خوب نیست حالا که آمده نان خشک بخورد. آمدم ایوان و از آنجا همسایه را صدا زدم و کمی نان خواستم ولی همسایه هم مثل من نان نپخته بود. به اتاق که برگشتم دیدم غلامرضا سفره نان خشک را جلوی پهن کرده و به آرامی گریه می‌کند و نان خشک‌ها را می‌خورد. نشستم کنارش و پرسیدم: «رحیم، مادر چرا گریه می‌کنی؟» گفت: «مادر، مگر اینها نان نیستند که شما می‌خواهید از همسایه قرض کنید. ما در سنگرسه روز نان گیرمان نیامد. آخرش هم از زور گرسنگی رفتیم نان‌های خشک و سوخته‌ای را که لای خاک می‌ریختیم تا زیر دست و پا نباشد درآوردیم و شستیم و خوردیم. حالا شما این نانها را، نان حساب نمی‌کنی مادر.»

خاتون اشک‌هایش را با گوشه چارقدش پاک می‌کند و به قاب عکس شهید چشم می‌دوزد. رفتارش با مردم روستا خیلی خوب بود. همیشه سعی می‌کرد به همه کمک کند. یادم می‌آید آن وقت‌ها توی تعاونی روستا نفت و گاز می‌دادند. غلامرضا هم می‌رفت کنار دم در تعاونی می‌نشست تا اگر کسی نمی‌تواند بارش را به خانه ببرد کمکش کند. برای پیرمرد‌ها و پیرزن‌ها احترام خاصی قایل بود. یک بار کپسول گاز پیرزنی را تا دم خانه‌شان برده بود. وقتی به خانه برگشت به او گفتم: «رحیم، مادر، کجا بودی؟» جواب داد: «کپسول فلانی را به خانه‌شان بردم.» من عصبانی شدم و گفتم: «مادر این چه کاری بود کردی، نگفتی دختر دارند خوب نیست به خانه‌شان بروی.» غلامرضا از این حرف من ناراحت شد و گفت: «مادر مگر

کار چشمگیر است. ناخودآگاه نگاهت به داستان پینه بسته خاتون می‌افتد. دستانی که زیر سوزن و نخ و کار طاقت فرسا زبر و خشن شده‌اند. بالاخره سر سخن را باز می‌کنی و از خاتون می‌خواهی از شهیدش بگویی. فرزند دیگر «خاتون» نیز به افتخار جانبازی نایل آمده است. سخنان تو گویا آتش به جان پیرزن می‌زند چرا که قطره اشکی از چشمانش جاری می‌شود و روی گونه‌های پرچین و چروکش شرم می‌خورد.

غلامرضا ششمین فرزندم بود. ما «رحیم» صدایش می‌کردیم. قبل از او، من یک پسر دیگر هم داشتم که اسمش «غلامرضا» بود. یک سالش نشده، مریض شد و مرد. من و پدرش بعد از مرگ او خیلی ناراحت شدیم و به خراسان رفتیم. آنجا با امام رضا (ع) خیلی درد و دل کردیم و گفتیم که ما غلامرضایمان را می‌خواهیم. بعد از اینکه از مشهد آمدم خدا همین غلامرضا پسر شهیدم را به ما داد. او از وقتی که فهمید کربلا کجاست و امام حسین کیست، همیشه به من می‌گفت: «من به کربلا می‌روم. خودم می‌دانم که به کربلا خواهم رفت.» گاهی از دستش عصبانی می‌شدم و می‌گفتم: «آخر بچه! تو چه چیز می‌دانی، من که مادرت هستم کربلا نرفته‌ام، آن وقت تو می‌خواهی بروی.» اما او باز حرف خودش را می‌زد تا اینکه آخرش هم به راه سیدالشهدا رفت.

نگاهت را رها می‌کنی روی چهره پیرزن. از پشت صورت فرسوده او می‌توانی سال‌ها رنج و محنت را بخوانی. سال‌ها سختی و سوختن. سوختنی که پاداشش بی‌گمان بهشت است. غلامرضا چهار سالش بود که پدرش فوت کرد.

فداکاری هایتان زنگار از آینه وجودمان پاک کند. ای شهیدان کجایید تا به ما بفهمانید خدا به همه کسی لیاقت شهادت نمی‌دهد. خداوند بندگانش را گلچین می‌کند و بهترین‌ها را به عرش می‌برد تا آنان دیگر در میان گنهکاران این دنیای خاکی تنفس نکنند و به جایی که در خورشانشان است، هجرت نمایند.

از خوبی‌های شهید «غلامرضا عرب» تنها شهید روستای «مارکده» زیاد شنیده‌ای؛ از سخاوتش، شجاعتش و مظلومیتش. از مادر شهید عرب نیز بسیار گفته‌اند؛ از صداقتش و از زحمتی که می‌کشد.

روستای مارکده که در دامنه کوه‌های شهرکرد در کنار رودخانه زاینده رود قد برافراشته است مدفن شهید «عرب» است. مزاری غریب که در میان سنگ قبرهای چسبیده به سینه قبرستان نگاه سرگردانت را می‌رباید. جلو می‌روی و کنار پرچم ایران که بالای قبر در اهتزاز است می‌ایستی. چهره معصوم شهید در قاب عکس روی قبرش، چون نگینی بر انگشتر گورستان خودنمایی می‌کند.

شوق شنیدن زندگی و خاطرات شهید در وجودت زبانه می‌کشد و قدم‌هایت به سوی خانه کودکی شهید، به حرکت درمی‌آید. کوچه پس کوچه‌های روستا را پشت سر می‌گذاری و به خانه بی‌آلایش مادر شهید می‌رسی. در می‌زنی و به آرامی وارد حیاط می‌شوی و صدای زنی: «حاج خاتون... حاج خاتون!» پیرزن تا صدایت را می‌شنود به گرمی تو را به اتاق کوچکش می‌خواند. همه اهالی می‌گویند خاتون لحاف و تشک دوز ماهری است و اینجاست که بیشتر از همه انصاف و صداقتش در



من برای دخترشان رفتم. شرمم آمد دم تعاونی بیکار بنشینم تا زن مردم کپسول گاز را روی سرش بگذارد و به زور به خانه‌شان ببرد.»

هنوز این سؤال که چرا شهید عرب تنها شهید مارکده است، برایت بی‌جواب مانده است. سؤال بی‌جوابت را بر زبان جاری می‌کنی تا مظلومیت شهید عرب را در لابه لای زندگی‌اش بیشتر ببینی. از این روستا عده زیادی به جبهه رفتند. برخی اسیر شدند و برخی مجروح. اینکه غلامرضا تنها شهید مارکده خواهد بود، به خود او هم الهام شده بود. تا جایی که چند روز قبل از شهادتش به یکی از دوستانش گفته بود: «اول شهید مارکده من هستم و دیگر بعد از من کسی شهید نخواهد شد و تنها شهید مارکده من خواهم بود.» غلامرضا چند روز قبل از تمام شدن جنگ شهید شد و بعد از آن هم کسی دیگری در این روستا شهید نشد. شاید هم علتش همین بود که او در اواخر جنگ شهید شد و شاید هم کسی دیگری در این روستا مثل او لیاقت شهادت نداشت.

حال که صحبت را به اینجا کشانده بودی فرصت را از دست نمی‌دهی و از احساس خاتون در لحظه‌ای که خبر شهادت پسرش را به او دادند می‌پرسی. یک طورهایی به من الهام شده بود که رحیم برای آخرین بار با من خداحافظی می‌کند. قبل از اینکه او برای آخرین بار به جبهه برود من یک دست کت و شلوار دامادی برایش خریده بودم. دختری را هم در نظر داشتم که برایش به خواستگاری برویم. با او در میان گذاشتم.

غلامرضا گفت: «نه، مادر، حالا دست نگه دارین تا بعد». هنوز دو سه روزی از آخرین باری که به جبهه رفته بود، نگذشته بود که یک شب در عالم خواب دیدم رحیم به خانه آمده است. کت و شلواوری را که برایش خریده بودم، پوشیده بود. جلو رفتم دیدم قسمت راست پیشانی‌اش خیلی خون آمده بود. هراسان گفتم: «پیشانی‌ت چطور شده مادر؟» تا آمد جوابم را بدهد از خواب پریدم. آن موقع پسر بزرگترم حسن هم جبهه بود. اما من بیشتر نگران رحیم بودم. صبح که شد رفتم سراغ یکی از دوستانش که تازه از جبهه آمده بود پرسیدم: «از رحیم من چه خبر؟» دوستش با یک حالت گرفته‌ای گفت: «رحیم چند روز دیگر برمی‌گردد و دیگر به جبهه نمی‌رود.» اولش درست به من نگفتند که رحیم شهید شده است. همان روزی که آن خواب را دیدم داشتم می‌رفتم سراغ دوست دیگر رحیم که او هم تازه از جبهه برگشته بود تا از او سراغ رحیم را بگیرم که اتفاقی او را در کوچه دیدم. داشت گریه می‌کرد و با خودش می‌گفت: «حالا جواب خاتون را چه بدهم؟» من این حرف او را شنیدم. جلوتر رفتم و پرسیدم: «رحیم طوری شده؟» دوستش دستپاچه گفت: «نه فقط پایش قطع شده. باید برویم ملاقاتی.» به خانه که برگشتم دیدم دم در حیاط خانه‌مان خیلی آدم جمع شده بود، بیشتر نگران شدم. گفتند: «رحیم بابا ندارد ما هم با تو به ملاقاتی می‌آییم.» تا اینکه

کم کم متوجه ماجرا شدم. وقتی پسرم رحیم را در بنیاد شهید شهرکرد به من نشان دادند با تعجب دیدم همان قسمت از پیشانی‌اش را که در خواب دیده بودم، تیر خورده است. وقتی او را در آن حال دیدم از اینکه خداوند هدیه ناقابل مرا قبول کرده بود خوشحال شدم. اما از اینکه لیاقت نداشتم همراه او باشم بسیار ناراحت بودم...

تا این حرف خاتون را می‌شنوی دیگر نمی‌توانی طاقت بیابوری. دستان زبرش را در دستان خود می‌گیری و می‌پوسی. لحظه‌ای زبری دستانش دستت را آزار می‌دهد. خجالت می‌کشی و با خود می‌گویی اگر اینها خود را

لایق بهشت نمی‌دانند پس ما چه کنیم؟ دمی بعد فاطمه عرب خواهر بزرگ شهید از راه می‌رسد و رشته سخن را به دست می‌گیرد.

برای ما غلامرضا زنده است و هیچ وقت احساس نمی‌کنیم که او را از دست داده‌ایم بلکه تازه می‌فهمیم چیزی بزرگتر از یک برادر به دست آوردیم. از نظر من غلامرضا فرشته‌ای بود که من و خانواده لیاقت داشتیم که چند سال از عمرمان را در کنارش سپری کنیم. او تا وقتی که زنده بود خود تمام احکام دینی را تماما به جای می‌آورد و وقتی امام دستور شرکت در جنگ را دادند غلامرضا قاطعانه سعی داشت که به جبهه برود...

خاتون و دخترش از خوبی‌های شهید بسیار می‌گویند و هر بار که اشک می‌ریزند برای عقب ماندن خودشان از کاروان شهادت و نه برای اینکه غلامرضایشان را از دست داده‌اند. به راستی که بهشتی بودن لیاقت می‌خواهد. لیاقتی بس بزرگ که همه کس سزاوار آن نیست. تازه فهمیده‌ای که شهید عرب مثل اسمش دلی پررحم داشته و همین دل رحمی‌اش باعث شده که در دل همه جا باز کند. حالا دیگر برایت عجیب نیست که چرا همه اهالی «مارکده» او را رحیم صدا می‌کردند. بی‌اختیار به یاد جمله شهید مظلوم و بزرگوار آیت‌الله بهشتی می‌افتی که می‌گفت بهشت را به بهای می‌دهند، نه به بهانه.

دیگر دلت نمی‌آید بیش از این دل خاتون را برنجانی. پس آخرین پرسش را می‌پرسی: «به نظر شما چطور می‌توانیم راه شهدا را ادامه دهیم؟» خاتون از جا بلند می‌شود و به طرف صندوق قدیمی گوشه اتاق می‌رود و از درون آن کاغذی بیرون می‌آورد و به تو نشان می‌دهد.

پسرم در وصیت‌نامه‌اش نوشته که چطور

می‌توانیم راهش را ادامه دهیم. وصیت‌نامه را می‌گیری و قسمتی از آن را که در شلمچه نوشته شده است می‌خوانی: «خدا را سپاس و شکر می‌گویم که عمر مرا در این عصر شهادت و در دوران زنده شدن اسلام قرار داد. خدایا تو بهتر از هر کسی می‌دانی که این بنده حقیر و شرمسار از گناهان چگونه رو به سوی تو آورده است و با تمام ایمان و از قلب فریاد می‌زند خداوندا! گناهانم را ببخش. خدایا من برای رضای تو به جبهه آمدم و بس. مادر عزیز و مهربانم شما را خیلی دوست دارم ولی خدا را بیشتر دوست دارم. می‌دانم که نتوانستم برای شما فرزندی لایق و شایسته باشم ولی امیدوارم که این فرزند نادان خود را ببخشی و از من راضی باشی و شیرت را حلالم کنی. مادر و خواهران من، شما را به صبر و استقامت در راه خدا دعوت می‌کنم و از شما می‌خواهم بعد از شهادت من گریه نکنید که نشان از ضعف شما دارد. اگر می‌خواهید مرا خوشحال کنید حجابتان را رعایت کنید که حجاب شما کوبنده‌تر از خون من و دیگر شهداست...»

احساس سنگینی می‌کنی. سنگینی از گناهان و خاتون هنوز در مقابل تو نشسته است و از اینکه چقدر در مقابل فرزند شهیدش حقیر و کوچک است. می‌گوید و تو می‌اندیشی این شیرزن چه دل شیرینی دارد که شایستگی مقام «مادر شهید» را پیدا کرده است.

وقتی پسرم رحیم را در بنیاد شهید شهرکرد به من نشان دادند با تعجب دیدم همان قسمت از پیشانی‌اش را که در خواب دیده بودم، تیر خورده است.

گفتگو با مینا ساداتی، بازیگر سینما و تلویزیون

آرامش و مادرانگی آمنه برایم همچون مناجات بود

فاطمه امجدیان

در مواجهه با مردم می‌دیدم آنها نقش را به خودم نزدیک می‌دیدند.

آمدن از سینما به تلویزیون چقدر برایتان اهمیت داشت؟

بارها به من پیشنهاد کار تلویزیونی شده بود اما فیلمنامه و نقش برایم اهمیت داشت مخصوصا که می‌خواستم اولین کار تلویزیونی را با دقت انتخاب کنم. در این سریال شخصیت اصلی لیلاست در حقیقت سریالی شخصیت محور بود که کاراکتر اصلی آن یک زن بود و اینکه فیلمنامه دارای پستی و بلندی‌های زیادی بود و تجربه خوبی برایم به وجود می‌آورد که در مجموع دوستش داشتم.

از دید شما مخاطب تلویزیون و سینما چه تفاوتی دارند؟

طبیعی است که شناخت من از مخاطب تلویزیون تا زمانی که وارد آن نشده بودم خیلی شفاف و مشخص نبود و من مخاطبان تلویزیون را به خوبی نمی‌شناختم و نمی‌دانستم چه رفتاری مورد پسند مخاطب است، اما خوشبختانه اولین کارم را با کارگردانی شروع کردم که تک تک صحنه‌ها و کار در تلویزیون را بلد بود و کاملا برای من روشن کرد که این دو فضا و مخاطبانشان چقدر با هم تفاوت دارند و در مجموع همراهی‌های آقای لطیفی به من در ایفای بهتر نقشم در این سریال بسیار کمک کرد.

پس مخاطب تلویزیون برایتان مهم بود؟

بله، خیلی، من واقعا عکس العمل‌های مردم را هم در طی مدتی که این سریال در حال پخش بود، دنبال می‌کردم و می‌دیدم چقدر با دقت هر پلان را می‌بینند و نقد می‌کنند. حتی خانمی مدتی قبل سر صحنه سریال آمد و برای پیدا شدن بچه لیلا دعا می‌کرد که این نشان دهنده باورپذیری این سریال در بین مردم است.

هرچند فیلم امکان مینا به تازگی از شما اکران شده است اما اگر موافقت اول برویم سراغ فیلم «محمد رسول الله (ص)»، چطور شد که شما به عنوان بازیگر نقش حضرت آمنه برگزیده شدید؟

قبل از اینکه برای این پروژه انتخاب شوم از دوستانم شنیده بودم که آقای مجیدی به دنبال تکمیل کردن بازیگرانش است. بدیهی است که برای من هم حضور در این اثر تاریخی هیجان‌انگیز بود. عوامل کارگردانی تعدادی از گزینه‌ها را از میان عکس‌ها انتخاب کردند و تعدادی دیگر از آنها حضوری تست بازیگری دادند. تا اینکه از من هم خواستند، در دفتر پیش‌تولید حاضر شوم و تست بگیرم بدهم. آنجا متوجه شدم که آقای مجیدی ویژگی‌های فراوانی را برای این نقش در ذهن دارد و به نوعی حساسیتش برای انتخاب بازیگر این نقش بسیار بالا است.

آیا برای نقش آمنه مطالعه هم کردید؟

قبل از اینکه در پروژه «محمد رسول الله (ص)» مشغول شوم در مورد نقشی که قرار بود بازی کنم

آمده است.

در انتخاب نقش‌ها در ابتدا چه مواردی برایتان اهمیت دارد؟ مثلا چه ویژگی باعث شد سریال «تنهایی لیلا» را به عنوان نخستین تجربه تلویزیونی خودتان انتخاب کنید؟

لیلا در سریال محمد حسین لطیفی دختری متفاوت بود. من فیلمنامه را خواندم و دیدم لیلا چقدر جان دارد و چقدر منحصر به فرد است و همین تفاوت باعث شد من بعد از سال‌ها بازیگری سینما یک نقش تلویزیونی را قبول کنم.

مانند لیلا را در اطرافتان دیده بودید؟

لیلا شخصیت محوری قصه است و تجربه بازی در نقشی برای من بود که با تمام فراز و فرود دوستش داشتم.

در انتخاب نقش چقدر کارگردان برایتان مهم است؟

خیلی، تردیدی ندارم که سهم کارگردان هم‌پای فیلمنامه است. مثلا در همین سریال، محمد حسین لطیفی نقش به‌سزایی داشت. او کارگردانی است که در تلویزیون به کارش تسلط کامل دارد و من برای اینکه بدانم مخاطب تلویزیون چطور با لیلا ارتباط برقرار می‌کند در تک تک سکانس‌ها با مشورت کارگردان جلوی دوربین رفتم. و یا در فیلم «محمد رسول الله» نیز حتما شخصیت مجید مجیدی برایم حرف اول را می‌زد.

در «تنهایی لیلا» چقدر قصه و شخصیت لیلا به خودتان نزدیک بود؟

قبل از هر چیز بگویم که معیار انتخاب نقش فقط به نزدیکی و دوری نقش به بازیگر مربوط نمی‌شود. شاید این کاراکتر هیچ شباهتی به من نداشت چون من هیچ وقت در این شرایط تحول قرار نگرفته‌ام اما

مینا ساداتی دانش آموخته رشته گرافیک در مقطع کارشناسی ارشد از دانشکده هنرهای زیبای تهران است. زمانی که در آموزشگاه کارنامه آموزش بازیگری را دید و کار حرفه‌ای خود را در عرصه سینما با فیلم سینمایی «زخم شانه حوا» آغاز کرد کمتر کسی فکر می‌کرد چهره معصومانه و رفتار آرام او محملی مناسب برای برخی از آثار ماندگار سینمایی باشد. اما برای بسیاری از مخاطبان، ساداتی بازیگر جوانی است که با حضور در سریال «تنهایی لیلا» و «امکان مینا» شناخته شده است اما در این شناخت فیلم سینمایی «محمد رسول الله (ص)» و نقش آمنه نقطه عطفی در بازیگر اوست و سبب شد او مسیر حرفه‌ای‌اش را به خوبی طی کند. هرچند پیش‌تر ساداتی به واسطه حضورش در «عیار ۱۴» ساخته پرویز شهبازی و همچنین حضور در «خانه پدری» کیانوش عیاری نشان داده بود که آینده خوبی در بازیگری دارد. نقش لیلای او در «تنهایی لیلا» را می‌توان برگ برنده محمد حسین لطیفی در مواجهه با مخاطبان به حساب آورد که کاملا متناسب نقش بوده و به خوبی همذات‌پنداری مخاطب را برمی‌انگیزاند. در این میان نا آشنا بودن چهره ساداتی برای مخاطبان تلویزیونی هم به کمک او برای هرچه بهتر از کار درآمدن نقش



انتخاب و حضور در نقش آینه را نقطه عطف بازیگری حرفه‌ای ام می‌دانم



این همان نکته‌ای بود که آقای مجیدی هم روی آن تاکید داشت. در طول مراحل تمرین زمانی که با آقای مجیدی صحبت می‌کردیم ایشان از من خواستند که فقط آرامشی که مدنظر ایشان بود برای این شخصیت، در تمام طول فیلمبرداری با من همراه باشد و من تمام تلاشم را کردم که این اتفاق بیفتد.

هرچند پاسخ این سوال مشخص است اما از خودتان

می‌خواهم بشنوم که تأثیری که این نقش روی مینا ساداتی بازیگر گذاشت چه بود؟

گاهی از خودم می‌پرسیدم که آیا توانسته‌ام این نقش را به خوبی بازی کنم؟ بعد به حس و حال خودم مراجعه می‌کردم و می‌دیدم در این فیلم نقش مادر انسانی را بازی می‌کنم که برترین مخلوق خداوند روی زمین و برجسته‌ترین شخصیت مذهبی دنیا است به همین دلیل این فیلم برایم پراز لحظات خاص و ویژه بود چیزی شبیه به مناجات کردن با خداوند بود. در این مورد هرچقدر بیشتر بگویم از ارزش آن حس کم می‌شود و شما فکر می‌کنید با احساسی اغراق شده روبروید برای همین جزئیات این حس را هیچگاه بیان نمی‌کنم فکر می‌کنم هر چقدر در این زمینه‌ها بیشتر توضیح دهم حالت شعاری به خود می‌گیرد.

برویم سراغ «امکان مینا» که منوچهر محمدی تهیه‌کنندگی آن را برعهده داشته در ۹ رشته نامزد دریافت سیمرغ شده است و میلاد کی‌مرام هم بازی شما بوده است؟

«امکان مینا» برهه‌ای از تاریخ معاصر ایران را به تصویر می‌کشد که بازماندگان آن دوره پراشتاب هنوز زنده‌اند و سرپا. زنانی که در گروهک منافقین بودند ویژگی‌های خاصی داشتند و من در وهله اول باید تمام این خصایل و ویژگی‌ها را یاد می‌گرفتم.

امکان مینا از معدود فیلم‌هایی است که درباره منافقین ساخته شده است. مینا در این فضا چه جایگاهی دارد؟

می‌گویند اگر بازیگر از ابتدا نقش را درست فهمیده باشد، یعنی با شخصیت ارتباط نزدیک برقرار کند. چگونگی و چرایی شخصیت را بفهمد و در تعامل با کارگردان به لحاظ رفتاری و نوع بیان و گفتار آنها را با هم تنظیم کند. آن اثر با مخاطب ارتباط برقرار می‌کند. این حال قبول کنید که کاری که ما کردیم یک پله سخت‌تر است. چون درباره مقطعی

مطالعات زیادی انجام دادم و زندگینامه پیامبر اکرم (ص) و مطالب مختلف تاریخی را که در این زمینه وجود داشت مطالعه کردم. این اطلاعات در روند فیلم بسیار به کمک آمد.

در بازیگری چطور؟ فکر می‌کردید باید از چه الگویی پیروی کنید؟

در یک زمان فشرده فیلم‌هایی تاریخی را رصد کردم و روی بازیگران زن آن متمرکز می‌شدم تا بافت و جنس این اثر دستم بیاید.

شما باید نقش مادر را بازی می‌کردید آن هم مادری که برای یک مدت از کودکش دور است و بعد دوباره به او می‌رسد؟

بله قبول دارم. ایفای نقش مادر در این فیلم هم بسیار سخت بود و هم یک تجربه عینی را می‌طلبید برای رسیدن به این حس به مدت یک ماه به شیرخوارگاه آینه می‌رفتم و با بچه‌های زیر یک سال ارتباط برقرار می‌کردم و از این طریق ارتباط مستقیمی با بچه‌هایی که از محبت مادری محروم بودند برقرار کردم و فکر می‌کنم این فضا در ایفای نقش آینه کمک کرد.

به هر حال ایفای نقش حضرت آینه در فیلم محمد رسول‌الله (ص)، نقش بسیار ارزشمندی برای شما بوده است؟

من این را نه یک فرصت بلکه موهبتی می‌دانم که شاید نصیب هر کسی نشود. می‌دانم که بسیاری از بازیگران سینمای ایران دوست داشتند در چنین چینی قرار بگیرند. همین که جلوی دوربین «استارو» می‌رفتی، فیلمبردار به نامی که بازیگران بزرگی در دنیا جلوی دوربین او رفته‌اند باید خیلی مهم باشد. این انتخاب و حضور در نقش آینه را نقطه عطف بازیگری حرفه‌ای ام می‌دانم. به همین دلیل هربار خسته می‌شدم و سختی کار را حس می‌کردم سریع به خودم می‌گفتم که یادت باشد که در جایگاهی قرار گرفته‌ای که تا به حال کسی آن را تجربه نکرده و این موقعیت شاید به این زودی‌ها و به این سادگی‌ها برای بازیگر دیگری تکرار نشود.

و نقش آینه و ویژگی‌هایش؟

بله، ببینید برای اولین بار این نقش نصیب من شد. ما در هیچ پروژه سینمایی این نقش را نداشتیم. شاید راجع به حضرت مسیح و حضرت مریم فیلم‌های بسیاری ساخته شده باشد اما راجع به مادر حضرت محمد (ص) تصویری وجود نداشته است و این حضور برای من جذابیت داشت.

به نظر خودتان آینه چه ویژگی خاصی داشت که هم دلیل انتخاب شما در آن نهفته بود و هم شما باید به آن ویژگی نزدیک می‌شدید؟

تا آنجایی که من مطالعه کردم در تاریخ چیزهای زیادی راجع به جزئیات شخصیت حضرت آینه وجود ندارد اما تصویری از او در همه اسناد و کتاب‌ها وجود دارد که در همه آثار مکتوب مشترک است و آن آرامش شاعرانه این شخصیت بزرگ، پاکدامنی و خصایص والای انسانی ایشان است.

از تاریخ صحبت می‌کند که برای همه ملموس و آشنا نبود و من الگوی بیرونی چندانی نداشتم.

اما مینا باید با بقیه این اعضا فرقی می‌کرد؟

درست است. حسی که از بازی مینا دیدید به شما می‌گوید که انگار مینا عضو خوبی برای این فرقه نیست. در آخر هم به این قطعیتم نمی‌رسد که مهران را رها کند و نقطه ترائیک این است

از دید شما مینا کاراکتری است که عاشق همسرش است یا علاقه‌مند به حزب و سازمانش؟

قرار ما این بود که دوگانگی مینا در بازی‌اش کاملاً دیده شود. خیلی از این آدم‌ها همین‌طور هستند. چون مجبورند پا روی زنانگی‌شان بگذارند و دنبال عقایدشان بروند. فیلم «امکان مینا» درباره یک سری افراد در برهه‌ای از زمان در ایران صحبت می‌کند که باید آنها را از گروهک «اشرف» جدا بدانیم. چون هنوز روحیات انسانی در آنها بوده، همه‌شان خانواده داشتند ولی درگیر مناسبات سیاسی شده بودند.

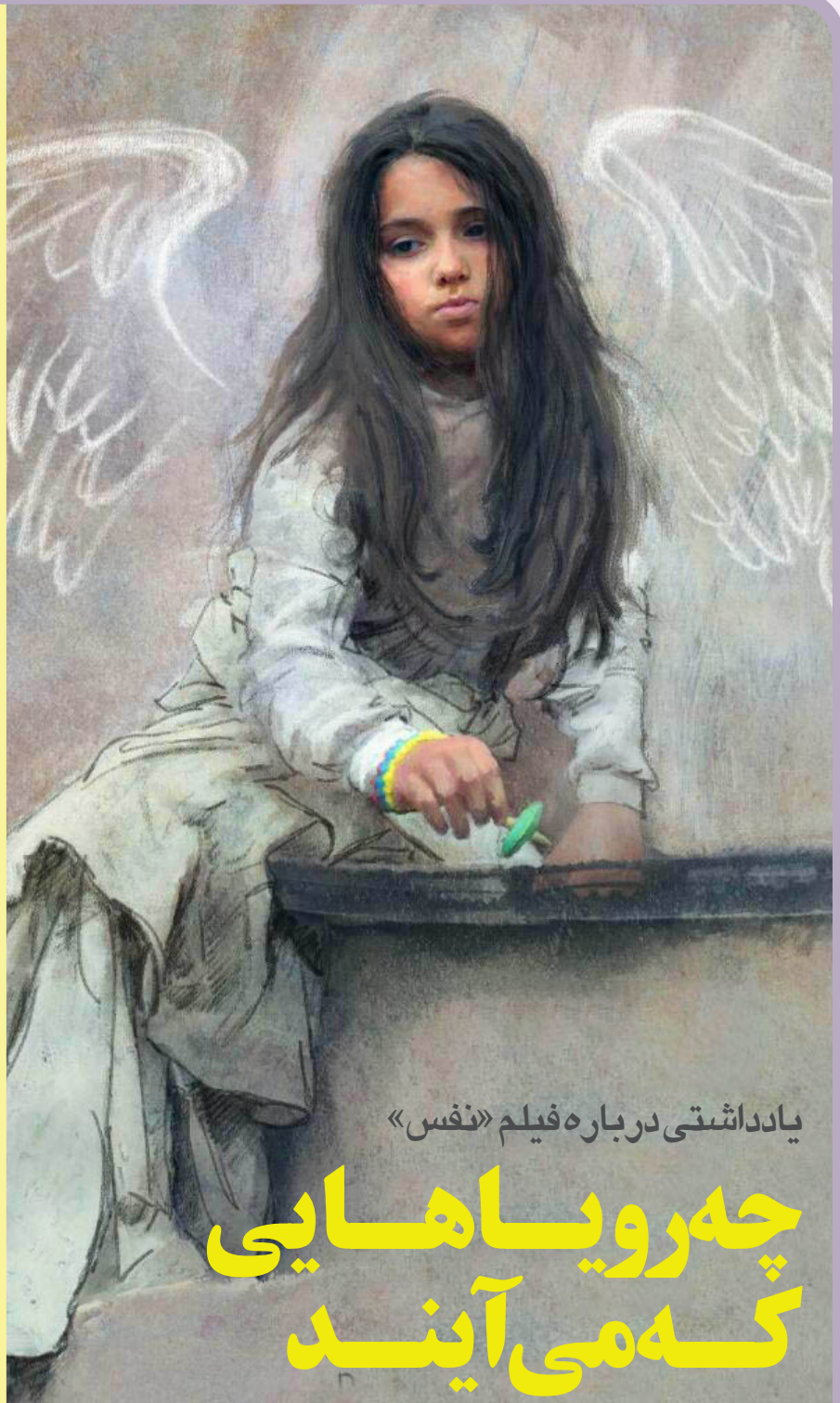
شما این دوگانگی را در زمانی که قرار شد فرزندش را بکشد نشان دادید؟

اصل این بود که آن زمان همه هواداران به کارشان اعتقاد داشتند و اصلاً قرار نبود مشی مسلحانه داشته باشند. قرار بود برای هدفی مبارزه کنند. وقتی به مینا اسلحه می‌دهند، او هم دچار دوگانگی می‌شود.

اگر بخواهید نقش خودتان را در این اثر مرور کنید چه دلیلی برای انتخاب آن پیدا می‌کنید؟

کارگردانی کمال تبریزی و فیلمنامه فرهاد توحیدی اولین دلیل برای پذیرفتن این نقش بود. فیلم امتیازاتی دارد که هر بازیگری را به انتخاب ترغیب می‌کند. در دل داستانی عاشقانه و پراز هیجان استفاده مناسب از امکانات دوربین، بازی بازیگران و کارگردانی درست تبریزی برای من کافی بود که تردیدی برای انتخاب نداشته باشم.

تماشای «نفس» روی پرده سینمایی شباهت به زندگی کردن نیست. نرگس آبیاری کارگردان فیلم تماشاگرش را وادار می‌کند بالذت و برای دقایقی دهه ۵۰ را به یاد بیاورد و اگر خاطره‌ای هم از آن سال‌ها ندارد، برایش خاطره می‌سازد. «نفس»، پس از فیلم‌های «اشیا از آنچه درآینه می‌بینید به شما نزدیک ترند» و «شیار ۱۴۳»، سومین فیلم سینمایی نرگس آبیاری است. این فیلم شمایل لطیفی از سینماست و می‌توان از خلال آن ردپای تعلق خاطر کارگردان به ادبیات و رمان را پیدا کرد. آبیاری این فیلم را براساس یکی از رمان‌های خودش به نام «نفس» ساخته و در آن قصه دختر بچه‌ای به نام بهار و خانواده‌اش را در اواخر سال‌های پیش از انقلاب و در اوایل سال‌های پس از انقلاب اسلامی و دوران دفاع مقدس روایت می‌کند. قهرمان دومین فیلم آبیاری، کودکی است که دنیای متفاوتی برای خودش ساخته است. کودکی که رویاهایش را زندگی می‌کند و از مواجهه با رویدادهای واقعی نمی‌ترسد. زمانی که آبیاری تصمیم می‌گیرد یکی از رمان‌های نوشته شده، اما چاپ نشده خودش را به نام «نفس» بسازد به این می‌اندیشید که فراتر از سینمای خشن و پرتل‌ه‌ب امروز که انباشته از دغدغه‌های جاه‌طلبانه است سراغ اثری برود که زبان جهانی‌تری داشته باشد و مخاطبان بیشتری را جذب کند. چون کودک و جنگ، موضوعی جهانی است و ترکیب این دو مشمول طرفداران بیشتری می‌شود که موضوع روز جهان است. در «نفس» به معصومیت کودکانی محصور در جنگ پرداخته شده که در دنیا کمتر به آن توجه می‌شود. و انتخاب قالبی که فراتر از زبان بتواند در سطح بین‌المللی حرفی برای گفتن داشته باشد بسیار موثر بوده است. «نفس» با تصویری که از دهه ۵۰ و ۶۰ ارائه می‌دهد نشانه‌هایی را انتخاب می‌کند که نزدیک به واقعیت از آن دهه‌ها است. برای مخاطبی که هر وقت خواست فیلمی درباره انقلاب و روزهای آغازین جنگ ببیند با یک سری آدم مشخص با ویژگی خاصی روبرو می‌شد دیدن آدم‌هایی که با لباس‌های پاچه گشاد و سبیل کلفت انقلاب کردند و بعد هم همین‌ها وقتی جنگ شروع شد ریش گذاشتند و رفتند جبهه جنگیدند بسیار تازگی دارد. مگر نه اینکه آدم‌های رزمنده همان نسل انقلابی بودند، پس با همان ویژگی آن زمان باید آنها را در قاب سینما دید. مسلماً آدم‌های آن زمان نوستالژی‌های مشترکی از آن دهه دارند و البته شاید بیشتر این نوستالژی‌ها برای آنها به دهه ۶۰ مربوط شود. آن دوران یکسری اتفاقات و وقایعی رخ داد که حس مشترکی ایجاد کرد چیزهایی که مخاطب را قلقلک داد و حالا دوست دارد سراغ آن حس‌ها برود. «نفس»، ماجرای زندگی چهار کودک است که این زندگی از زبان بهار دختر بزرگ‌تر خانواده روایت می‌شود؛ روایتی تراژیک که البته بار نوستالژیک آن بر بار تراژیکش می‌چربد. فیلم در سه مقطع روایت می‌شود؛ ابتدای فیلم با دوره قبل از پیروزی انقلاب مواجه هستیم. بعد انقلاب شده و درست همان‌طور که در کشورمان رخ داده، بلافاصله جنگ تحمیلی آغاز می‌شود. هیچ جای فیلم با خوشی بی‌حد و اندازه یا اتفاقات بی‌نهایت تلخ روبه‌رو نیستیم، آن قدر که



یادداشتی درباره فیلم «نفس»

چهره‌یاهایی که می‌آیند

○ نیره رضایی مطلق

Director: Mehran Ahmadi, Pantea Panahiha, Siamak Safari Gela
Producer: Shirkhanlou, Ali Khanbabaee, Ehsan Ghasemi, Rojan Aravand, Shabnam
Cinematographer: Davi and Jamshid Hashempour

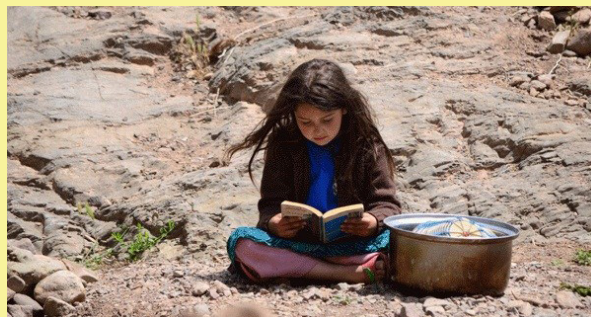
Production Design: Saeed Mirzaei
Set and Costume Designer: Asghar Nezhadimani
Sound Designer: Mehrdad Mirkiani
Sound Recordist: Abbas Rassein, Jamshidi Gohari and Amin Haghsheenas
Production Manager: Behzad Hashemi Visual Effects Manager: Farid Nazer Fasih

کسانی که در این دوره‌ها زندگی کرده‌اند، می‌توانند در نفس، تماشاگر بخشی از زندگی خود باشند. از این‌روست که سومین فیلم نرگس آبیاری که از لحاظ فرم، چه از منظر روایت و چه از نظر انتخاب سوز و ساخت و پرداخت مضمون، نظیر دیگری در سینمای ایران ندارد. جسارت و قدرت فیلم‌ساز در دست‌وپا کردن یک فیلم روایی تازه، که ایرادهای آن کاملاً قابل اغماض شود. اثری زنده، پویا و فراموش‌نشدنی پیش‌روی مخاطب می‌گذارد و حتی در سینمای یکنواخت این روزهای ایران، یک سورپرایز هنری محسوب می‌شود. شاید دوری فیلم از زیرروشنفکری و فرارفتن از هرگونه ایدئولوژی و شعارزدگی است که «نفس» را یکسره در خدمت قصه‌ای بدون قضاوت و دخالت دولتی یا حکومتی می‌کند و تاجایی که ممکن است کارگردان دچار جودگی و القای یک درون‌مایه از پیش تعیین‌شده نمی‌شود. تأکید کارگردان بر دیگرگونی تاریخ یک کشور، به

رخ‌کشیدن فقر و تنگدستی یا حتی جنگ و تلفات و عواقب آن نیست بلکه او در دایره وسیع‌تری از دنیا و مادیات، زندگی را هرچند به کوتاهی عمر بهار به نمایش گذاشته و تصویری دراماتیک از زندگی نشان می‌دهد. زندگی‌ای مملو از اشک و لبخند، سختی و آسانی و در نهایت تکیه بر کیفیت زندگی بسیار بیشتر است از کمیت آن. غوطه‌ور شدن در خیال‌ها و رویاهای شیرین یک دختر مهمترین لذتی است که مخاطب از نفس می‌برد و با زندگی کودکان و خیالی او همراه می‌شود. او قصه‌ای از نوع «جریان سیال ذهن» که با تفکر یک کودک روایت می‌شود را دوست دارد و تماشاگر همراه بهار ضمن عبور تصاویر خیال‌انگیز از

تعدد سوز، کاراکتر و لوکیشن‌های بکر، و تنوع افکار کودک لذت برده و بسیار فراتر از تعریف یک قصه کلی در یک بستر تاریخی قرار می‌گیرد. یکی از ویژگی‌های فیلمنامه «نفس» این است که مخاطب دنبال داستان ثابتی که قهرمان و ضدقهرمان داشته باشد، نمی‌رود. او ترغیب می‌شود داستانی را دنبال کند که در دهه ۵۰ رخ داده و برایش مهم است که بدانند چه بر سر یک دختر بچه و عقایدش آمده و دیدگاه او نسبت به محیط اطرافش چگونه است. این نگاه همان ساختار شکنی‌ای است که به خوبی در فیلم درآمده است. با این حال «نفس» نسبت به دو فیلم قبلی آبیاری، اثر متفاوتی محسوب می‌شود و برخی بازیگران سرشناس تئاتر، تلویزیون و سینمای ایران هم اینجا در نقش‌های تاکنون دیده نشده‌ای ظاهر می‌شوند. پانته‌آپناهی‌ها نقش یک مادر بزرگ را بازی می‌کند که

البته برای بازی خوش‌برنده جایزه بهترین بازیگر زن در جشنواره جهانی فیلم فجر شد. مهران احمدی با رفتن از نقش سید علی «شیار ۱۴۳» به غفور «نفس» شکل و شمایل جدیدی در این فیلم دارد که بسیار نقش سختی است چرا که روی لبه تیغ رفتن است و هرآن غفور می‌تاند به یک تیپ کلیشه‌ای نزدیک شود اما بازی خوب احمدی این تضمین را به فیلم می‌دهد که انتخابش درست بوده است. جمشید هاشم‌پور هم نقش شخصیت عجیب و غریبی به نام ببری خان را در «نفس» به عهده دارد. شب‌نم مقدمی هم برای بازی خوش در این فیلم برنده سیم‌رغ بلورین بهترین بازیگر نقش مکمل جشنواره فیلم فجر شد. و از سیامک صفری و گلاره عباسی هم نباید غافل شد. با این حال سهم مهم بازیگری و بازی‌گرفتن از یک نابازیگر به ساره نورموسی در نقش بهار می‌رسد که از امتیازات «نفس» محسوب می‌شود. قهرمان فیلم



بهار است دختری که از زندگی کودکان و خیالی خود لذت می‌برد. لذتی حسرت‌وار که هیچ‌کدام از ما آن را تجربه نکرده‌ایم او حتی از این همه کتنکی که از دست ننه‌آقا که روزی هزارهزار بار آرزوی مرگ خودش را دارد می‌خورد شکایتی ندارد او با غوطه‌ور شدن در خیال‌ها و رویاهای شیرینی که دارد همه چیز را تسخیر کرده حتی مرگ را که برای ما پذیرفتن‌اش سخت است و برای او امری عادی است. برای همین وقتی ننه‌آقا روزی هزار بار آرزوی مرگ می‌کند او تازه برای زندگی پس از مرگ‌اش نقشه می‌کشد که اگر مردم، دکتر تنگی نفس مردگان شوم. شاید برای اینکه او نه مرگ را جدی می‌گیرد و نه زندگی را و برای او مرگ و زندگی به یک اندازه معنی دارند. زندگی بهار آن قدر رؤیایی است که برای ما حسرت‌انگیز است. فقط او می‌تواند چنین روایی زیبایی را هنگام درازکشیدن در

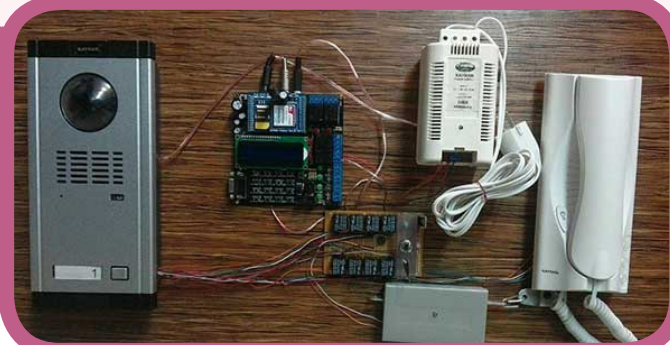
پایله‌های گرم ابریشم ترسیم کند. خیال‌پردازی‌ها و روایی‌هایی که او را از دنیای بیرونی جدا می‌کند و ما را با خود همراه می‌کند و ما هم مانند او وقتی به خودمان می‌آییم تازه متوجه خراب‌کاری‌هایی می‌شویم که به خاطر افکار درونی بهار در دنیای بیرونی رخ داده است! او فراموش می‌کند واقعیتی هم وجود دارد و اینکه بابت این خراب‌کاری‌ها چقدر کتک می‌خورد اهمیتی ندارد. یا ورود به رویای او در زمانی که در توالیت زندانی شده است. این لحظه برای هر کودکی می‌تواند لحظه سخت و وحشتناکی باشد اما او از هر خط و نشان روی دیوار و از هر برآمدگی و زشتی‌های در و دیوار توالیت تصویری می‌سازد که برای مخاطب عین دیدن یک تصویر و لحظه زیباست. همه این‌ها به این خاطر است که بهار زندگی خودش را دارد؛ فارغ از تمام بایدها و نبایدها. به همین خاطر وقتی در یکی از سکانس‌های درخشان پایانی



فیلم، مشغول تاب‌بازی است و تمام زندگی و آدم‌ها و آرزوهایش را به بازی می‌گیرد، از مرگ غافل می‌شود. هرچند در پایان تماشاچی مطمئن است که بهار، بسیار بسیار بیشتر از او زندگی کرده است. «نفس» فیلمی فراتر از یک اثر ضدجنگ یا صلح‌طلبانه است. برای دیدن زیبایی‌های زندگی و رویاهای کودکی باید مقابل هر نوع خشونت و دیکتاتوری ایستاد و رویا بهتری سلاح برای این مبارزه است. بهار با سلاح رویا به جنگ دیکتاتوری ننه‌آقا می‌رود دیکتاتور دلسوزی که می‌تواند سد راه رویاهای بهار باشد اما رویاهای شیرین بهار فراتر از هر نوع مانع و سد است. «نفس» به ما یادآوری می‌کند که رویاهایمان را زنده نگه داریم و آن را فراموش نکنیم. آنها را جدی بگیریم چرا که می‌تواند حتی مقابل مرگ بایستد.

دستاوردهای ایران زمین

طراحی آیفون هوشمند با قابلیت کنترل از راه دور



فرهاد فولادی نیا دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی برق دانشگاه صنعتی کرمانشاه توانست با استفاده از به کارگیری فناوری GSM در آیفون منزل طرح نوینی را ابداع کند. به نقل از آقای فرهاد فولادی نیا دانشجوی دانشگاه صنعتی کرمانشاه؛ سیستم مورد نظر این امکان را به کاربران می‌دهد که همیشه به آیفون منزل خود دسترسی داشته باشند. در سیستم‌های مشابه کاربر با ارسال پیامک به سیم‌کارت تعبیه شده، می‌تواند درب را باز کند؛ اما سیستم مذکور این

قابلیت را دارد که در لحظه فشرده شدن زنگ درب، کاربر با شناسایی فرد مورد نظر از طریق صحبت کردن، در صورت تمایل، با ارسال پیامک حاوی رمز، درب را باز کند. علاوه بر موارد ذکر شده مزیت بارز این سیستم، امنیت بالای آن می‌باشد به این صورت که درب زمانی باز می‌شود که سیم‌کارت تعبیه شده روی آیفون منزل، پیامک حاوی رمز را فقط از شماره ثبت شده در سیستم دریافت کند. برقراری ارتباط با تراشه SIM ۹۰۰ که در این طرح از آن استفاده شده است، از طریق دستوراتی پیش فرض به نام AT Command و به واسطه پورت سریال صورت می‌پذیرد.

این مازول برای راه‌اندازی به یک سیم‌کارت نیاز دارد. از آنجا که تمام اپراتورهای همراه در ایران از استانداردهای شبکه GSM استفاده می‌کنند و تراشه SIM ۹۰۰ نیز مبتنی بر این استاندارد می‌باشد، امکان استفاده از آن در سراسر کشور وجود دارد.

ساخت دستگاه آب شیرین کن خورشیدی



دستگاه آب شیرین کن خورشیدی با نوآوری در طراحی صفحه جاذب در مرکز فنی و حرفه‌ای شهرستان لنجان ساخته شد. مصطفی دری، مربی مرکز آموزش فنی و حرفه‌ای شهرستان لنجان و مجری طرح در این باره اظهار کرد: این دستگاه آب شیرین کن خورشیدی با نوآوری در طراحی صفحه جاذب دستگاه نسبت به دستگاه‌های مشابه ساخته است. وی خاطرنشان کرد: در طراحی این آب شیرین کن از ترکیب آب شیرین کن‌های مایل یا آبشاری استفاده شده است و جهت افزایش بازده دستگاه، پوشش مخصوصی روی صفحه جاذب ایجاد شده و تولید آب مقطر آن از آب شور مصنوعی، نزدیک به چهار لیتر در روز گزارش شده که با توجه به مایل بودن تابش در این فصل، مقادیر تولیدی در فصل‌های بهار و تابستان بیشتر خواهد بود. آب شیرین کن‌های خورشیدی براساس چرخه طبیعی آب عمل می‌کنند و مزیت اصلی این دستگاه‌ها استفاده از انرژی خورشیدی است که در طول سال بدون هیچ هزینه‌ای تامین می‌شود، این امر باعث می‌شود حتی در دورافتاده‌ترین نقاط از مراکز شهری نیز کاربرد داشته باشد. از مزیت‌های دیگر این دستگاه می‌توان به تقطیر خورشیدی، فناوری ساده ساخت و عدم نیاز به تعمیر و نگهداری خاص اشاره کرد.

تازه‌های علمی...

۳۸

ساخت دستگاه لیزری تشخیص حفره

این سیستم یک آشکارساز لیزر است. در هنگام تابش، زمانی که نور از سوراخ در ورق به گیرنده برسد خروجی فعال می‌گردد. طاهیا اعظمی رئیس هیات مدیره شرکت تدبیر اندیشان هوشیار، شکل‌گیری ایده اولیه ساخت این سیستم را براساس نیاز یکی از کارخانه‌های فولاد (فولاد بهمن) به دستگاهی با دقت بالا برای تشخیص محل اتصال دو رول ورق داشت، دانست. نمونه‌های خارجی این محصول بسیار گران بوده و نمونه ارزان قیمت آن فاقد دقت کافی بود. لذا تولید بومی دستگاه با دقت بالا و قیمت پایین احساس می‌شد. پس از تحقیق میدانی و بررسی شرایط محیطی نصب دستگاه از قبیل نویزپذیری و ... چند نمونه مدار مورد بررسی قرار گرفت. از جمله استفاده از مادون قرمز که به علت نویزپذیری به نتیجه نرسید. پس از آن از سنسور التراسونیک استفاده شد، گرچه مشکل قبل را نداشت اما در سرعت بالا کارایی نداشت. در نهایت به استفاده از سیستم لیزری روی آورده که علاوه بر سرعت بالا، کمترین نویزپذیری را داشت.

اعظمی همچنین اظهار داشت که اولین دستگاه لیزری تشخیص حفره در کشور توسط این شرکت و با تلاش علمی و عملی هادی کجوری به سرانجام رسیده است. این سیستم هم اکنون هیچگونه مشابه داخلی ندارد و نمونه‌های خارجی که دارای کیفیت قابل قبولی باشند نیز از قیمت بسیار بالایی نسبت به نمونه ساخته شده در این شرکت دارند. براساس برآوردهای صورت گرفته با ۸۰۰ میلیون ریال سرمایه‌گذاری در این طرح، ضمن تجاری سازی در سطح انبوه، برای ۲۰ تا ۳۰ نفر به صورت مستقیم اشتغال زایی می‌شود.

این دستگاه به صورت کامل در ایران تولید می‌شود و هیچگونه از قطعات و تجهیزات آن وارداتی نیست. براین اساس نوسانات ارزی بر روی قیمت تمام شده محصول تأثیری ندارد. صنعت فولاد و زیرمجموعه‌های این صنعت را می‌توان از مشتریان اصلی این محصول در نظر گرفت.





غرب طراحی و ساخته شد. تولید انبوه این دستگاه صرفه جویی ارزی قابل توجهی در پی خواهد داشت. دکتر کهرام رئیس موسسه رازی در حاشیه بازدید از شعبه شمال غرب، ضمن ابراز خرسندی از طراحی و ساخت این دستگاه از زحمات سازنده و همکاران وی قدردانی کرد. وی با تأکید بر حمایت همه جانبه از محققان و

مخترعان موسسه گفت: از طرح‌های فنی که منجر به ساخت دستگاه‌های مورد استفاده در موسسه شود حمایت‌های مادی و معنوی خواهد شد. همچنین دکتر علی اسحاقی معاون تحقیق و تولید فرآورده‌های بیولوژیک و دکتر مهرداد راسخی معاون تضمین کیفیت موسسه رازی نیز در اعلام نظر خود، کارایی، عملکرد و قابلیت این دستگاه را تأیید و تحسین کردند.



راه‌اندازی کرد. این فعال‌فناور، تهیه محصولات بیولوژی مولکولی را عمده فعالیت این شرکت عنوان کرد و افزود: با توجه به ضرورت تأمین سریع و مطمئن مواد و محصولات زیست‌فناوری این شرکت محصولاتی چون آنزیم Taq DNA Polymerase، آنزیم‌های محدود الاثر، کیت‌های کلونینگ، سنتز cDNA، را تولید کرد.

وی ادامه داد: از دیگر فعالیت‌های سیناکلون می‌توان به استخراج و خلص سازی اسید نوکلئیک، تولید مواد شیمیایی، فیلترهای آزمایشگاهی و صنعتی و نیز ارائه خدمات تخصصی مرتبط نظیر سنتز پرایمر، تعیین توالی، آنالیز پروتئین برای سیناژن و دیگر شرکت‌های شناخته شده بین‌المللی اشاره کرد. عزیزی با اشاره به کیت‌های استخراج DNA و RNA، به عنوان تولیدات این شرکت در حوزه آزمایشگاهی گفت: علاوه بر برخی دیگر از تجهیزات زیست‌فناوری مانند مواد و بافرهای مورد استفاده در PCR، آزمایشگاه سنتز پرایمر خدمات آزمایشگاهی را در زمینه‌های سنتز پرایمر ارائه می‌کند.

ساخت دستگاه برش اتوماتیک تخم مرغ

دستگاه برش اتوماتیک تخم مرغ‌های مورد استفاده به عنوان محیط کشت، نخستین بار در کشور توسط محققان موسسه تحقیقات واکسن و سرم سازی رازی شعبه مرند به شیوه‌ای کاملاً بومی طراحی و ساخته شد. دستگاه برش اتوماتیک تخم مرغ، برای برش اتوماتیک شانه‌های ۳۶ عددی تخم مرغ‌های مورد استفاده به عنوان محیط کشت، طراحی شده و ظرفیت اسمی آن، برش هشت هزار تا ۱۲ هزار عدد تخم مرغ در ساعت است. این دستگاه که توسط داود دلخوشی در بخش R&D (تحقیقات توسعه ای) موسسه رازی شعبه مرند طراحی و با همکاری کارشناسان این شعبه ساخته شده است، ضمن بهبود روند استحصال آنتی ژن، موجب کاهش تلفات تخم مرغ و افزایش سرعت روند تولید خواهد شد.

گفتنی است؛ برای نخستین بار است که دستگاه برش اتوماتیک تخم مرغ به شیوه‌ای کاملاً بومی توسط محققان داخلی در موسسه رازی شعبه شمال

تولید آنتی بادی، آنزیم و فرآورده‌های

بیولوژیکی مولکولی

شرکت سیناکلون، فعال در حوزه زیست‌فناوری توانسته است با تولید آنتی بادی‌ها، آنزیم‌ها و فرآورده‌های بیولوژیکی مولکولی ضمن تأمین نیاز کشور به این محصولات فناور، محصولات فناورانه خود را به دیگر کشورها عرضه کند. علیرضا عزیزی مدیرعامل شرکت سیناکلون، گسترش روزافزون زیست‌فناوری و رفع نیاز کشور به فرآورده‌های دارویی این حوزه را زمینه‌ساز شکل‌گیری این شرکت دانست و گفت: و شرکت سیناژن به عنوان یکی از شرکت‌های فعال در عرصه تولید و عرضه مواد بیولوژیکی مولکولی، این شرکت را برای تأمین نیاز کشور و صادرات خارجی به محصولات و فرآورده‌های بیوتکنولوژی مانند آنتی بادی‌ها

تولید سرامیک‌های صنعتی و گلوله‌های آسیابی



شرکت سرامیک‌های صنعتی اردکان توانسته است نیاز طیف وسیعی از صنایع کشور مانند صنایع نفت، گاز و پتروشیمی، صنایع کاشی و سرامیک، چینی بهداشتی و چینی مطروف تا صنایع معدنی، فولاد و سیمان به سرامیک‌های صنعتی و گلوله‌های آسیابی را تأمین کند. اصغر برهانی مدیرعامل شرکت سرامیک‌های صنعتی اردکان به توانمندی کشور در تولید سرامیک‌های آلومینایی اشاره کرده و گفت: شرکت سرامیک‌های صنعتی اردکان به عنوان تنها تولیدکننده سرامیک‌های صنعتی بر پایه آلومینایی و بزرگ‌ترین تولیدکننده سرامیک‌های صنعتی بر پایه سیلیکاتی در ایران کار خود را آغاز کرده است. این فعال فناور، حفظ برتری کیفیت تولید با استفاده از تخصص و دانش فنی بومی را زمینه‌ساز افزایش تولید این شرکت دانست و افزود: توانستیم ظرفیت تولید را طی چند مرحله طرح توسعه از ۱۲۰۰ تن به ۱۰۰۰۰ تن در سال افزایش دهیم و در کنار آن نسبت به تنوع بخشی به تولیدات خود بنا بر نیاز صنایع گوناگون کشور اقدام کنیم. وی افزود: تنوع محصولات در حدی است که صنایع نفت، گاز و پتروشیمی، صنایع کاشی و سرامیک، چینی بهداشتی و چینی مطروف تا صنایع معدنی، فولاد و سیمان از استفاده‌کنندگان تولیدات این شرکت به شمار می‌روند.

برهانی، با اشاره به توانمندی رقابتی محصولات این شرکت فناور داخلی با تولیدات بین‌المللی گفت: تلاش می‌کنیم با بهره‌گیری از کیفیت برتر، تکنولوژی پیشرفته، مدیریت مشارکتی، همکاری مراکز علمی و پژوهشی، خط تولید مکانیزه و انعطاف پذیر، محصولاتی منطبق بر نیاز و خواست مشتریان ارزشمند خود ارائه کنیم. این فعال فناور به تولیدات این شرکت در ۶ گروه اصلی اشاره کرد و افزود: تولیدات این شرکت در قالب سرامیک بال آلومینایی و سیلیکاتی، اکتیو آلومینا به صورت پودر و گرانول، آجرهای ضد سایش آلومینایی، گلوله و لاینرهای آلومینایی آسیاب گلوله‌ای، سرامیک و آجرهای ضد اسید و نیز محصولات ویژه سفارشی با کاربردهای خاص دسته‌بندی می‌شوند. این فعال فناور، گلوله‌های آسیاب و لاینرهای آسیاب را دو فرآورده تولیدی این شرکت عنوان کرد و افزود: آسیاب‌های گلوله‌ای (Ball Mills) در حال حاضر به عنوان جزء اساسی در پروسه آماده سازی مواد در صنایع مختلف از جمله صنایع کاشی و سرامیک، چینی و لعاب، رنگ و سیمان و پودر سازی به شمار می‌آیند.

وی خوردگی و سایش گلوله و بدنه بالمیل را یک معضل بزرگ در تمامی آسیاب‌های گلوله‌ای صنعتی، عنوان کرد و افزود: در صورتی که مواد آسیاب شونده نسبت به آلودگی فلزی حساس باشند این مشکل نمود بیشتری پیدا می‌کند. از سویی گلوله‌های آسیاب به عنوان جزء اصلی در فرآیند سایش مواد در این آسیاب‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار هستند. وی ادامه داد: برای حل این مشکلات، گلوله‌های آسیاب و لاینرهای بدنه تولیدی این شرکت با اتکا به ویژگی‌هایی چون سختی و مقاومت به سایش فوق‌العاده بالا، استحکام فشاری بالا، جذب آب و تخلخل در حد صفر و نیز تأثیر بالایی در بهبود کارایی و بازدهی آسیاب‌های گلوله‌ای با پوشش آلومینایی داشته است.

آیت الله اکبر

فقـدان



۱۳۱۳؛ در بهرمان متولد شد

آیت الله هاشمی رفسنجانی در سال ۱۳۱۳ روستای بهرمان از توابع استان کرمان و در خانواده‌ای نسبتاً ثروتمند چشم به جهان گشود. وی تحصیلات خود را از سن ۵ سالگی در مکتب‌خانه‌ای در «نوق» آغاز کرد. او یکی از ۹ فرزند میرزاعلی هاشمی بهرمانی و ماه‌بی‌بی صفریان است. هاشمی در سال ۱۳۳۷ با عفت مرعشی ازدواج کرد.



اساتید؛ از مرحوم بروجردی و امام خمینی تا علامه طباطبائی

هاشمی در سن ۱۴ سالگی برای ادامه تحصیل به حوزه علمیه قم رفت و دروس حوزه را تا درجه اجتهاد ادامه داد و نزد اساتید صاحب‌نامی چون مرحوم بروجردی، امام خمینی (ره)، سید محمد محقق داماد، محمدرضا گلپایگانی، سید محمد کاظم شریعتمداری، عبدالکریم حائری یزدی، شهاب‌الدین نجفی مرعشی، محمد حسین طباطبائی و حسینعلی منتظری کسب فیض کرد.



قم؛ نقطه عطفی در فعالیت سیاسی

در قم و پس از رحلت آیت الله بروجردی در سال ۴۰ تحت تأثیر امام خمینی (ره) به سیاست روی آورد و به مخالفت با حکومت پهلوی پرداخت. با تبعید امام، نقش هاشمی در مبارزه با شاه و نمایندگی امام در داخل کشور پررنگ‌تر شد. هاشمی در دوران پیش از انقلاب و در طول نهضت امام خمینی (ره) به صورت یک عضو فعال در صحنه حضور داشت که یکی از نمونه‌های بارز آن حرکتی بود که به همراه دیگر علما در اعتراض به زندانی شدن امام انجام داد.



شکنج و زندان؛ تاوان همراهی با نهضت امام

وی در همین مقطع همراه آیت الله ربانی شیرازی، دستگیر و روانه زندان شد. پس از ترور منصور هم توسط گروه مؤتلفه، در اواخر سال ۱۳۴۳ و نیز سال ۱۳۴۶ دستگیر شد. آیت الله هاشمی در مجموع ۷ بار و به مدت ۴ سال و ۵ ماه در زندان های رژیم پهلوی شکنج و زندانی شد.



هاشمی سنجانی

جانکاه

سال ۵۶ و تشکیل روحانیت مبارز

وی از اعضای مؤسس و مؤثر جامعه روحانیت مبارز است که در سال ۱۳۵۶ به همراه شهیدان بهشتی، مطهری، مفتاح، باهنرو مرحوم مهدوی کنی این تشکل مهم حوزوی را پایه‌ریزی کرد. برنامه ریزی راهپیمایی‌ها، سخنرانی در مساجد، تهیه شعارها و در مجموع ساماندهی نهضت در آن زمان عمده‌تاً توسط این تشکل سیاسی - روحانی برگزار می‌شد.



کتاب: از «امیرکبیر یا قهرمان مبارزه با استعمار» تا «انقلاب یا بعثت جدید»

هاشمی علاوه بر ثبت و انتشار خاطرات خود، در نگارش کتاب هم فعال بود که از جمله تألیفات وی می‌توان به کتاب «ارزشها و مکتبها»، «اسرائیل و فلسطین»، «امیرکبیر یا قهرمان مبارزه با استعمار»، «انقلاب یا بعثت جدید»، «آشنایی با تمدن و فرهنگ اسلامی»، «جهان در عصر بعثت»، «آزاداندیشی اسلامی، روشنفکری دینی»



پیروزی انقلاب و هاشمی

وی پس از پیروزی انقلاب اسلامی به‌عنوان یکی از اعضای شورای انقلاب کنار افرادی نظیر شهید بهشتی، شهید مطهری، شهید باهنر و رهبر معظم انقلاب نقش مهمی ایفا کرد و در جریان اولین دور مجلس شورای اسلامی با انتخاب نمایندگان به عنوان رئیس مجلس برگزیده شد. وی همچنین از اعضای هیئت مؤسس حزب جمهوری اسلامی بود. سرپرستی وزارت کشور، امام جمعه موقت تهران، جانشین فرماندهی کل قوا، ریاست جمهوری و ریاست مجلس خبرگان از جمله دیگر مسئولیت‌های رئیس فقید مجمع تشخیص مصلحت نظام است.



پایان؛ ۱۹ دی ۱۳۹۵

سرانجام ۱۹ دی ۱۳۹۵ آیت الله هاشمی با پرونده‌ای مشحون از تلاش و فعالیت گوناگون، در پی عارضه قلبی در بیمارستان شهدای تجریش به دیار باقی شتافت.



ورزش، پیش و پس از انقلاب اسلامی

سکوهای افتخار

ایلیا حسینی

ارتباطی، تکنولوژیکی و مجموعه‌ای از شرایط ممکن است چندان هم دقیق نباشد.

ورزش در کلام امام (ره)

محمود یزدانی خرم رئیس پیشین فدراسیون‌های والیبال و کشتی در گفتگویی نقش جملات امام (ره) در ابتدای انقلاب در زمینه ورزش را چنین عنوان می‌کند: در شرایطی که بسیاری از علماء قبل از انقلاب ورزش را عملی "لغو" قلمداد می‌کردند و نظر مساعدی نسبت به آن نداشتند اما فتوای تاریخی امام (ره) و نگاه ویژه ایشان نسبت به قهرمانان و ورزشکاران که فرمودند "ورزش برای بزرگان واجب و برای جوانان لازم است" سرفصل انقلابی تازه‌ای را در جهت گسترش ورزش باز کرد و خوشبختانه همین نگاه از سوی مقام معظم رهبری و تأکید ایشان به امروز ورزش به این بخش قوت و قوام بیشتری داد.

در صحیفه امام خمینی (ره) بار وازه ورزش بکار رفته که

رسانه‌ها بازتاب پیدا می‌کند و خواننده و بیننده زیادی دارد. پیروزی‌ها و شکست‌ها می‌تواند موجی از شور و شغف را در کشورها برپا کند و در عین حال عاملی برای وحدت ملی و اتحاد مردم شناخته می‌شود. جسی اونس در المپیک برلین توانست سیاهپوستان را به اعتماد به نفس برساند و شکست سنگین برزیل در همین جام جهانی پیشین از آلمان و در خانه‌ی خود کشوری را دچار یاس و ناامیدی و سکوت کرد.

با این مقدمه، رسیدن به بهمن فرصت مناسبی است برای بررسی دستاوردهای ورزش ایران در این چند دهه و در عین حال مقایسه دستاوردها و افتخارات ورزشی در دو دوره پیش و پس از انقلاب. دو دوره که تقریباً از لحاظ زمانی هم اندازه هستند. هر چند معتقدیم که چنین سنجشی با توجه به تغییرات

ورزش ایران از هنگام ورود به عرصه حرفه‌ای در هفت دهه پیش تا به امروز با فراز و نشیب‌های فراوانی روبرو بوده است. اولین حضور بین‌المللی و مهم ایران در ورزش به المپیک ۱۹۴۸ لندن بر می‌گردد. اتفاقی که پای ورزش ما را به عرصه‌های جهانی باز کرد.

ورزش ایران در همه‌ی این هفت دهه فراز و نشیب‌های زیادی را تجربه کرده است. جدا از اینکه ورزش به عنوان یکی از ابزارهای دیپلماسی شناخته می‌شود، در عین حال همه‌ی زمینه‌های آن به خصوص بعد سلامتی و همگانی آن به عنوان یکی از شاخصه‌های توسعه و سلامت شناخته می‌شود.

ورزش در سراسر جهان میلیاردها ورزشکار و در عین حال تماشاگر را به خود مشغول کرده است. مسابقات المپیک در حد یک میلیارد تماشاگر و بیننده مستقیم یا تلویزیونی دارد. مسابقه‌هایی مانند فینال جام جهانی، مسابقات بسکتبال، ال کلا سیکو، مشهور و بسیاری از رقابت‌های داخلی و بین‌المللی گاه تا چند صد میلیون بیننده همزمان را پای گیرنده‌های تلویزیونی میخکوب می‌کند. همین ورزش میلیاردها دلار گردش مالی دارد و بهای یک ستاره فوتبال یا بسکتبال در دنیا از مرز ۱۰۰ میلیون دلار فراتر رفته است.

ورزشکاران به عنوان الگوهای اجتماعی برای جوانان و نوجوانان شناخته می‌شوند و پوسته‌های مختلف آنها در دیوار اتاق‌ها را به قرق خود در آورده‌اند و بخش‌های مختلف زندگی حرفه‌ای و شخصی آنها به سرعت در





تصویب نهایی رسید.

بر اساس بند سوم اصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اینگونه به آن اشاره شده: «دولت موظف است برای آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه در تمام سطوح، همه امکانات خود را به کار برد».

ورزش از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی، قطعاً با چالش‌ها و مشکلات متعددی مواجه شده است که مهمترین آنها جنگ تحمیلی بوده که بخشی از زیرساخت‌ها پیشین را تخریب کرد یا در زمینه افزایش زیرساخت‌ها کندی ایجاد کرد. با وجود جنگ و تحریم‌های متعدد اما ورزش در همه‌ی ابعاد خود از زیرساخت گرفته تا دستاوردهای ورزش قهرمانی و همگانی به حرکت خود ادامه داده است.

ورزش ایران در برخی از رشته‌ها ایران حرف اول را در دنیا زده و در برخی از رشته‌ها در حال پیشرفت‌های چشمگیر است. قهرمانی‌های تیم‌های فوتبال، کشتی فرنگی، کشتی آزاد، تکواندو، ووشو، بسکتبال و موفقیت‌های بزرگی که امروز والیبالیست‌های ایران بدست آورده‌اند و کسب میزبانی مسابقات مهم آسیایی و جهانی، نشان می‌دهد ورزش ایران در مسیر مناسبی قرار گرفته است.

افزایش سرانه ورزشی روستائیان

عوامل خدماتی شاید در مهاجرت روستائیان به شهرها نقش داشته باشد اما توجه به اوقات فراغت و فراهم کردن محیط‌های ورزشی از عوامل مهم دیگر در جلوگیری از مهاجرت‌ها محسوب می‌شود، موضوعی که پیش از انقلاب توجه اندکی به آن صورت گرفته بود اما پس از پیروزی انقلاب مورد توجه ویژه مسئولان کشور و ورزش قرار گرفت. به گزارش خبرگزاری مهر، عباس فلاحي عضو

جا
پیدا
کنیم و از
مملکت خودمان

اسلام را به جاهای دیگر به آن معنایی که در مملکت الآن حاصل شده است صادر کنیم و یکی از وجه صدورش همین شما جوان‌ها هستید که در سایر کشورها می‌روید و جمعیت‌های زیادی به تماشای شما می‌آیند به تماشای قدرت‌های شما می‌آیند. باید طوری این جمعیت‌های زیاد را دعوت کنید عملاً به اسلام. در اعمالتان، در رفتارشان، در کردارشان طوری باشید که نمونه باشد برای جمهوری اسلامی، و جمهوری اسلامی با شما به جاهای دیگر هم آن شاء الله برود.» (صحیفه امام، ج ۱۶، ص ۸۱)

«مملکت ما همان طوری که به علما و دانشمندان احتیاج دارد، به این قدرت شما هم احتیاج دارد این قدرت وقتی با ایمان باشد وقتی که زورخانه با قرآن باشد، با ایمان باشد، پشتوانه یک ملت است. وقتی قهرمان‌ها، قهرمان‌های اسلامی باشند، پشتوانه یک ملت هستند، بازوی یک ملت هستند.» (صحیفه امام، ج ۸، ص ۳۴)

ورزش در قانون اساسی

چند ماه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و در ۱۲ مرداد ۱۳۵۸ انتخابات مجلس خبرگان قانون اساسی برگزار و اعضای منتخب از ۲۸ مرداد شروع به تدوین قانون اساسی کردند. در ۲۴ آبان ۵۸ کار تدوین به پایان رسید و دو روز بعد پیش نویس قانون اساسی اعلام عمومی شد. همه پرس‌پرسی قانون اساسی در ۱۱ آذر برگزار شد و با رای اکثریت ملت به

مشهورترین

آن این جمله است: «من خودم ورزشکار نیستم اما ورزشکارها را دوست دارم». امام خمینی (ره) در هر دیداری که با ورزشکاران رشته‌های مختلف داشتند، نکاتی را یادآور می‌شدند که ذکر چند نمونه از آنها خالی از لطف نیست: «ورزشکارها همیشه این طور بودند که یک روح سالمی داشتند، از باب اینکه توجه به شهوات نداشتند، توجه به لذات نداشتند، توجه به یک فعالیت جسمی داشتند که عقل سالم در بدن سالم است.» (صحیفه امام، ج ۱۶، ص ۸۰)

«از خدای تبارک و تعالی خواهیم که شما جوان‌ها را که ذخیره این کشور هستید و مایه امید ملت و اسلام هستید هرچه بیشتر موفق کند که در همه ابعاد انسانی ورزش کنید. یک بعدش این بعدی است که شما متخصص در آن هستید و امید است که بعدهای دیگری هم که انسان دارد و انسانیت دارد در شما رشد کند.» (صحیفه امام، ج ۱۶، ص ۸۰)

«شما نمونه باشید در کشورهای دیگر، که شماها از جمهوری اسلامی هستید. ما امروز احتیاج به این داریم که اسلام را در هر جا تقویت کنیم و در هر

کمیسیون عمران مجلس با اشاره به این موضوع اعلام کرد خوشخانه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، حرکت‌های خوبی در زمینه توسعه خدمات ورزشی به روستائیان صورت گرفت که این موضوع باید ادامه داشته باشد زیرا کافی نیست. طبق اعلام عضو کمیسیون عمران مجلس، در سال ۵۸ تنها در ۱۲ روستا زمین‌های ورزشی وجود داشت اما امروز ۲۱۸۲ روستای کشور از زمین‌های ورزشی برخوردار شده‌اند. همچنین تعداد سالن‌های ورزشی روستایی در سال ۵۸ تنها ۵ مورد بود اما هم‌اکنون ۳۶۰ روستا دارای سالن ورزشی است.

اماکن ورزشی

چند ماه پیش افتتاح ورزشگاه نقش جهان و پیش از آن افتتاح ورزشگاه‌هایی در مشهد، اهواز، تبریز و شهرهای مختلف کشور نشان داد که می‌شود به توسعه مناسب اماکن ورزشی در آینده‌ای نزدیک و متناسب با نیازهای کشور امیدوار بود.

در سال‌های پس از انقلاب شکوهمند اسلامی در ایران و بعد از جنگ تحمیلی، پروژه‌های عمرانی رشد چشمگیری داشته و تاکنون حدود ۳۰۰ پروژه ورزشی در سطح کشور افتتاح شده است. طبق اعلام مراجع رسمی، تا به امروز فعالیت‌های عمرانی صورت گرفته بالغ بر ۵۳۲۳۳۸ مترمربع فضای سرپوشیده و ۱۲۹۵۳۳۷ مترمربع فضای ورزشی روباز به سرانه قبلی ورزشی کشور افزوده که در مجموع ۲۴۳ سانی مترمربع بر سرانه ورزشی ایران اضافه کرده است.

در این بین ساخت ۱۸ استادیوم ۱۵ هزار نفری، ۸ سالن مسابقاتی ۶ هزار نفری با قابلیت بهره‌برداری، ۴ پیست دوچرخه‌سواری، ۲ استخر قهرمانی، ۳ سالن تخصصی دوومیدانی، ۴ ورزشگاه ۵ هزار نفری در این پروژه‌های ورزشی دیده می‌شود.

همچنین ۲۹۵ پروژه ورزشی هم در حال تکمیل است که این پروژه‌های نیمه تمام شامل ۱۲ ورزشگاه ۱۵ هزار نفری و حتی بزرگتر از آن، ۱۱ سالن ۶ هزار نفری، ۹ پیست تخصصی دوچرخه‌سواری، ۱۲ سالن تخصصی دوومیدانی و ۴۰ استادیوم ۵ هزار نفری است.

ضمن اینکه ۲۱۱ پروژه باقی مانده دیگر هم وجود دارد که در صورت تامین بودجه لازم برای تکمیل این ۲۱۱ پروژه باقی مانده، جمعاً ۴۲۹۲۲۰ متر مربع فضای ورزشی تخصصی به سطح استان‌های منتخب اضافه شده و در صورت اجرای نهایی آنها، سرانه ورزشی کشور به ۵۷۲ سانی مترمربع افزایش خواهد یافت.

بانوان و عرصه بین‌المللی

کیمیا علیزاده در همین المپیک پیشین بالاخره

طلسم ناکامی بانوان ورزشکار ایرانی در المپیک را شکست و در کنار او بانوانی دیگر در پارالمپیک خوش درخشیدند تا این تصویر غلت که تنها مردان می‌توانند در میادین بزرگ افتخارآفرینی کنند از بین برود. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی تا مدت‌ها به دلیل شرایط اجتماعی موجود، بانوان تنها در دو رشته شطرنج و تیراندازی فرصت شرکت در رقابت‌های جهانی و آسیایی را داشتند اما در بازی‌های آسیایی ۲۰۰۲ بوسان پروانه محمدتقی‌پور تهرانی در رشته تکواندو خوش درخشید و مدال برنز را برای ورزش بانوان به ارمغان آورد که این مقدمه افتخارآفرینی بانوان محجبه ایرانی در عرصه بین‌المللی بود.

این اتفاق آغاز یک راه پرفراز و نشیب در عرصه ورزش قهرمانی بانوان کشورمان بود، دورانی که ورزشکاران قهرمان ایران در رشته‌های مختلف از سد محدودیت‌ها و محرومیت‌ها بین‌المللی عبور کرده و بر سکوی افتخار ایستادند تا امروز حتی بتوانند به موفقیت در المپیک فکر کرده و امیدوار به کسب چنین افتخار بزرگی باشند.

البته موفقیت‌های بزرگی که بانوان ایران در عرصه بین‌المللی بدست آوردند، بسیار ارزشمندتر از موفقیت‌های آنها در پیش از انقلاب بود و در رشته‌هایی مانند تکواندو، تیراندازی، تیر و کمان و رشته‌های مانند فوتسال، موفقیت‌های بزرگی را در رقابت‌های آسیایی و جهانی کسب کردند.

ورزش همگانی

ورزش پدیده‌ای است که می‌تواند پویایی اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی یک کشور را به همراه داشته باشد تا جایی که بسیاری از کشورها محور برنامه توسعه خود را به ورزش متمرکز کرده‌اند. به خصوص در کشور ما که با هرم سنی که بخش عمده آن را جوانان تشکیل می‌دهد، ضرورت تقویت ورزش همگانی یک ضرورت انکارناپذیر است.

به گزارش ایسنا، در صورت رواج ورزش همگانی در کشوری مثل استرالیا به ازای هر نفر ۱۲۵ دلار صرفه‌جویی اقتصادی می‌شود. این رقم در کشوری مثل آمریکا ۱۹۰۰ دلار است. یعنی اگر ملت آمریکا

در سال قدم بزنند، ۷٫۳ میلیارد دلار صرفه‌جویی اقتصادی می‌شود. این گزارش سازمان بهداشت جهانی است که هزینه درمان چاقی در کشورهای مختلف از جمله ایران بین ۲ تا ۷ درصد هزینه‌های درمان ملی را شامل می‌شود.

در اروپا با وجود ۸۰۰ هزار باشگاه حرفه‌ای کمتر از ۱۰ درصد هزینه‌های مردم این قاره به ورزش باشگاهی اختصاص یافته است. سهم مخارج ورزش در کشورهای کانادا و نیوزیلند تقریباً یک درصد از تولید ناخالص داخلی است و در کشورهایی نظیر استرالیا، کانادا، نیوزلند، انگلیس و آمریکا بین ۱۰۰ تا ۳۰۰ دلار است. در حالی که کل هزینه مصرف شده توسط خانوارهای ایران برای ورزش، تفریحات سالم و سرگرمی معادل ۳۲۸ میلیون دلار تخمین زده شده است.

ورزش قهرمانی

نرخ گردش مالی بازار ورزش قهرمانی در جهان امروز بیش از حجم





آنجلس، ورزش ایران در سایر دوره‌ها حضور متوالی در ادوار مختلف بازی‌های المپیک داشته است.

حاصل شانزده دوره حضور ورزشکاران ایرانی در ادوار مختلف بازی‌های المپیک، کسب ۶۹ مدال شامل ۱۹ مدال طلا، ۲۲ مدال نقره و ۲۸ مدال برنز است. کشتی آزاد، کشتی فرنگی، وزنه برداری، تکواندو و دوومیدانی تنها رشته‌هایی هستند که این مدال‌ها به نام ورزشکاران آن ثبت شده است.

در زمینه المپیک، هشت دوره پیش از انقلاب و هشت دوره پس از انقلاب حضور داشته‌ایم که در تعداد حضور برابر سهم هر دوره از مدال‌ها متفاوت است. به شکلی که در هشت دوره پیش از انقلاب سهم ورزشکاران ما ۲۹ مدال شامل ۴ طلا، ۱۰ نقره و ۱۵ مدال برنز بود. در مقابل حضور ما در المپیک‌های سه دهه اخیر منجر به کسب ۴۰ مدال شامل ۱۵ مدال طلا، ۱۲ نقره و ۱۳ برنز شده است. المپیک ۲۰۱۲ لندن اوج افتخار آفرینی ورزشکاران ایرانی بود که ۱۳ مدال شامل ۵ مدال طلا در آن به دست آمد.

بازی‌های آسیایی

بازی‌های آسیایی به عنوان المپیک کشورهای قاره کهن ۱۷ دوره است که برگزار می‌شود و مادر چهارده دوره آن حضور داشته‌ایم. پنج دوره پیش از انقلاب و ۹ دوره پس از انقلاب که حاصل تلاش ورزشکاران ما در این رقابت‌ها ۱۸۲ مدال قبل از انقلاب بوده و ۳۰۰ مدال مختلف هم مربوط به سال‌های بعد از انقلاب است. این نکته هم باید مورد توجه قرار بگیرد که تهران در سال ۱۹۷۴ میزبان هفتمین دوره رقابت‌های آسیایی بوده که ۸۱ مدال در شرایط میزبانی در آن دوره کسب شد. به هر حال ورزش ایران در مسیر پیشرفت و توسعه از حالت تک بعدی خارج شده و امروزه آن تصویر تاریخی که ما تنها در ورزش‌های انفرادی دارای بخت و اقبال هستیم از بین رفته، بسکتبال ما سهمیه المپیک می‌گیرد و والیبال ما پنجه در پنجه قدرت‌های برتر



ما سه دوره حضور در جام جهانی در سال‌های ۱۹۹۸، ۲۰۰۶، ۲۰۱۴ به ترتیب در فرانسه، آلمان و برزیل را تجربه کردیم. با اینکه سه دوره قهرمانی ما در جام ملت‌های آسیا مربوط به سال‌های پیش از انقلاب است اما چهار عنوان سومی در جام ملت‌های آسیا ۱۹۸۰، ۱۹۸۸، ۱۹۹۶، ۲۰۰۴ و سه دوره قهرمانی در رقابت‌های فوتبال بازی‌های آسیایی ۱۹۹۰، ۱۹۹۸ و ۲۰۰۲ را به دست آوردیم.

ورزش ایران در المپیک

ورزش ایران اولین بار با اعزام یک شمشیرباز به نام «فریدون ملک»، دانشجوی و پسر «میرزا ملکم خان ناظم الدوله» از سیاستمداران دوره قاجار به المپیک ۱۹۰۰ فرانسه در بازی‌های المپیک حضور پیدا کرد اما اولین اعزام رسمی ورزش ایران به صورت کاروان، در المپیک ۱۹۴۸ لندن انجام شد. از آن زمان تا به امروز به جز دو دوره متوالی بازی‌های المپیک ۱۹۸۰ مسکو و ۱۹۸۴ لس

مبادلات پولی در حوزه صنعت خودروسازی و یا ساخت جنگ‌افزارهای نظامی است. توسعه صنعت توریسم، توسعه زیرساخت‌های ملی نظیر ورزشگاه‌ها، صنایع حمل و نقل و... در کنار صرفه‌جویی ارزی و اقتصادی از جمله مهم‌ترین دستاوردهای توسعه ورزش قهرمانی در کشورهای مختلف است. تا جایی که بسیاری از جوامع، محور برنامه توسعه اقتصادی خود را برگسترش ورزش قهرمانی متمرکز کرده‌اند. در حوزه اجتماعی نیز معمولاً قهرمانان ورزشی به عنوان الگوهای اجتماعی می‌توانند نقش موثری در تحولات ایفا کنند. همان‌طور که جهان پهلوان تختی نقش چشمگیری در مبارزه با استبداد حکومت پهلوی و شکل‌گیری جریان‌های انقلابی ایفا کرد.

فوتبال ایران بعد از انقلاب

تا پیش از انقلاب، فوتبال ما تنها تجربه حضور در جام جهانی ۱۹۷۸ را داشت ولی پس از انقلاب



خشونت داعش و اسلام رحمانی

○ مریم السادات آدینه

امروزه کمتر جایی در دنیا پیدا می شود که دستخوش خشونت نباشد. حالا یا خشونت گروه های تروریستی چون داعش در خاورمیانه یا خشونت علیه زنان و کودکان و... به هر حال جهان دستخوش اتفاقات ناخوشایندی است که همه از خشونت نشات می گیرند و این خود آرامش و صلح و مهربانی را کمزنگ می کند.

متأسفانه اگر به اتفاقات خاورمیانه نگاه کنیم، عملکرد گروه های تروریستی چون داعش، القاعده، طالبان و... همه به نام اسلام ثبت می شود و این در حالی است که اسلام دین رحمت و مودت است. در این مقاله قصد داریم به موضوع خشونت، اسلام و داعش اشاره کنیم و به این نکته برسیم که داعش مولود انحراف از اسلام است نه اسلام.

تعریف خشونت

خشونت مفهومی گسترده دارد و به سختی می توان آن را صرفاً در یک بعد تعریف کرد. برای نمونه اگر تنها مفهوم فیزیکی یا طبیعی خشونت را در نظر داشته باشیم آن را می توانیم نوعی قدرت یا زور تعریف کنیم که با تحمیل خود به سایر پدیده ها اعم از پدیده های انسانی و غیر انسانی حدود قدرت آن پدیده ها را مشخص می کند.

در مورد انسان محدود شدن قدرت به معنی محدود شدن میل، اراده و آزادی اوست. برای مثال اگر فردی خواسته باشد وزنه ای را که بیش از اندازه برای او سنگین است از زمین بردارد، دردی که بر ماهیچه ها و استخوان های او وارد می آید، به صورت خشونت فیزیکی، محدوده اراده و میل او را به وی گوشزد می کند. خشونت و قدرت در اینجا با یکدیگر مترادف هستند با این تفاوت که خشونت نوعی قدرت است که هدفی خاص را تعقیب می کند و آن مشخص کردن مرزها و جلوگیری از اعمال یک قدرت دیگر است. در همین معنای طبیعی، خشونت می تواند از سوی دیگر نیز وارد شود و به جای آن که قدرتی را محدود کند، قدرتی را به وجود بیاورد. تقریباً تمام موجودات زنده در برابر وارد آمدن یک نیروی خارجی (انگیزه های بیرونی) بر حوزه قدرت آنها، نوعی واکنش خشونت آمیز یا تهاجمی از خود نشان می دهند که آن را می توان به نوعی مقاومت برای از میان بردن اثر آن نیروی خارجی تعریف کرد. اگر به زور تلاش کنیم راه نفس را بر کسی ببندیم،

آن فرد با قدرت تمام اندام ها و ماهیچه های خود شروع به مقاومتی خشونت آمیز می کند تا اثر نیروی خفه کننده را خنثی کند. بنابراین خشونت همواره می تواند از دو جهت محدود کردن میل، اراده و آزادی و از سوی دیگر به صورت یک واکنش، یعنی نیرویی برای ایجاد و بازگرداندن آن آزادی و نیل به هدف در اراده و میل.

این نکات همانگونه که خواهیم دید با آخرین مطالعات زیست شناسی از یک سو و مطالعات باستان شناسی درباره نقش خشونت در منشا زندگی انسانی و در غرایز انسان تایید می شوند. (خشونت سیاسی. ناصر فکوحی)

انواع خشونت

از نظر شکل بروز نگاهی دیگر رفتار خشونت آمیز را می توان به سه دسته تقسیم نمود:

خشونت عریان، خشونت پنهان، خشونت نمادین از نظر سطح آگاهی فاعل هنگام اقدام به خشونت، می توان رفتار خشونت آمیز را به سه دسته تقسیم نمود:

خشونت آگاهانه، نا آگاهانه و ناخواسته خشونت ها را می توان از زاویه کیفیت آسیب نیز به دو دسته تقسیم کرد:

خشونت روانی (روحی)، خشونت تنائی (جسمانی) البته هیچگاه مرز کاملاً مشخصی میان این دو نوع خشونت وجود ندارد.

عوامل خشونت

در هر جامعه ای با توجه به فرهنگ و ساختار فکری و اجتماعی علل و عوامل فرق دارند. برخی بستر خشونت را خانواده و نهاد آموزش و پرورش می دانند و برخی رسانه ها را مقصر اصلی معرفی می کنند. اما به زعم نگارنده عوامل متعددی دست به دست هم می دهند تا یک مساله اجتماعی صورت گیرد. در سطح کلان اگر به خشونت گروه هایی چون داعش

نگاه کنیم به عوامل زیر می رسیم. یکی از این عوامل تحجر و سنت زدگی است. به دلیل عدم آشنایی عمیق با آموزه های دینی اسلام، اقدامات افراد و گروه ها به خشونت منجر می شود. ظهور و گسترش تکنولوژی را نیز می توان یکی از عوامل مهم خشونت تلقی کرد؛ خواه از این جهت که سلاح های مخرب را در اختیار آدمیان قرار می دهد و سبب پیدایش قدرت های مستبد چه در سطح ملی و چه در سطح بین المللی می گردد، مانند قدرت های بزرگ که عامل اصلی زور و خشونت گردیده اند و پشتوانه اصلی آن ها سلاح های هسته ای است و خواه از این جهت که گسترش تکنولوژی موجب پیدایش تمدن های بزرگ می شود و تاریخ نشان داده است که تمدن ها همواره بر روی دوش محرومان بوده است، چنان که کاخ ها و مقبره های بزرگ شاهان، توسط بردگان ساخته شده است.

رسانه ها نیز با خوراک نامطلوب به خشونت دامن می زنند.

سید حسین هاشمی در مقاله قرآن و عوامل رویکرد به خشونت به عواملی چون تفاوت های فرهنگی، کاستی های معنوی، کمبود عدالت اجتماعی، ملی گرایی، خودمحور بودن و تغذیه ناپاک اشاره می کند.

اسلام و خشونت

متأسفانه امروز با نام دین اسلام و اجرای احکام اسلامی چنان چهره زشت و خشنی از اسلام در دنیا تصویر شده است که حتی بسیاری از جوانان و نوجوانان مسلمان که اطلاعات دقیقی از دین اسلام ندارند دچار شک و شبهه شده اند. که وظیفه علمای دین، کارشناسان و رسانه ها است تا این ذهنیت را آنگونه که شایسته است تغییر دهند و همان چهره رحمانی از اسلام و قرآن به دنیا نشان دهند.

اسلام یک دین همه جانبه است و در طول تاریخ دو چهره از اسلام دیده شده است یک دین رحمت و صلح و برکت، دینی که امام اولش شب کوله بار غذا بر دوش می گیرد و ناشناس به در خانه فقرا می برد، در نماز انگشت خود را به فقیری بخشد، از کندن

خلخال از پای زن یهودی اندوهگین می شود و... از سوی دیگر حمله و جنگ است.

«اجباری در قبول دین نیست. زیرا که خداوند راه

هدایت و ایمان را از راه گمراهی و کفر تبیین

کرده است. آن کس که راه سرکشی نرود و ایمان به خداوند داشته باشد بی تردید به عقیده محکم و وثیق چنگ انداخته است که زوالی در آن نیست. و خداوند شنوا و دانا است». (۲۵۶، بقره).

از این آیه نه بوی خشونت می آید و نه آتش افروزی، بلکه نشان از آزادی اندیشه و بیان دارد. حتی از زور و فشار برای قبول دین نیز اکراه دارد و انتخاب دین



DAESH

Islamic State of Iraq and the Levant (ISIL)

نسل کشی صدام و حزب بعث علیه کردهای عراقی است.

اگر جنایات «داعش» را محصول عقب ماندگی سیاسی، توسعه نیافتگی اجتماعی، اقتصادی، فکری و فرهنگی بدانیم، جنایات اروپایی های پیشرفته در طول جنگ جهانی دوم را به کدام دلیل و انگیزه ای باید نسبت دهیم؟ جنایت صرب ها علیه مسلمانان را ناشی از چه بدانیم؟

اما این نکته به وضوح روشن است که غرب با استفاده از رسانه و داعش سعی در گسترش اسلام هراسی و اسلام ستیزی دارد و اغراق نیست اگر بگوییم داعش مولود اسلام انحرافی مدنظر استکبار است و در مناظرات اخیر ریاست جمهوری آمریکا، ترامپ کلینتون و آمریکا را متهم به ایجاد گروه مخوف داعش کرد.

نتیجه:

متأسفانه غرب با استفاده از ناآگاهی و محرومیت مسلمانان برای رسیدن به مقاصد خود تلاش های بسیاری کرده است تا اسلام را به عنوان یک دین خشن و پراز حادثه معرفی کند و سیمای رحمانی اسلام را مخدوش کند. امروز بر همه ما واجب است تا با آموزش و آگاهی بخشی چهره واقعی اسلام را به دنیا بشناسانیم. برای رسیدن به این هدف باید با یک برنامه ریزی مدون و آموزشی و با استفاده از فناوری های نوین و یک نقشه راهبردی حساب شده چهره واقعی اسلام را به جهانیان معرفی کنیم.

منابع:

خشونت از دیدگاه جامعه شناسی - کمال قادری
کتاب خشونت سیاسی - ناصر فکوهی
ماهیت و ابعاد خشونت در چشم انداز قرآن، سید حسین هاشمی
هانآرنت، خشونت، ترجمه عزت الله فولادوند، چاپ اول، انتشارات خوارزمی، تهران، ۱۳۵۹، ۶۳: «مجموعه مقالات خشونت و جامعه»، گردآورنده اصغر افتخاری، نشر سفید، چ اول، ۱۳۷۸
داعش مولود فقاقت منهای اخلاق، نویسنده: اصغر زارع کهنمویی
ریشه های خشونت، دیدگاه دکتر محمدرضا سرگلزایی

شده است نه بیشتر و نه کمتر تا عدالت رعایت شود.

داعش مولود نامشروع انحراف از اسلام

یکی از گروه های تروریستی که جهان را به رعب و وحشت انداخته و خشونت های مرگبارش بیشتر به افسانه شباهت دارد، گروه تکفیری داعش است. گروهی که نه تنها بویی از اسلام و رحمت آن نبوده است بلکه از انسانیت نیز فرسنگ ها بدور هستند. داعش محصول جوامع عقب افتاده و محروم از توسعه سیاسی و اجتماعی بوده است. هر کجا توسعه بوده رد پای از داعش و تفکر داعشی دیده نمی شود. داعش آنجا شکل می گیرد که توسعه یا اصلا وجود ندارد یا یک توسعه نامتوازن مثل عربستان دیده می شود که علی رغم ثروت فراوان ناشی از فروش نفت هنوز زن ارزش وجودی خود را ندارد یا جامعه مدنی و آژهای بیگانه است. داعش در افغانستان جنگزده به نام طالبان دیده می شود. در پاکستان به نامی دیگر و... هر کجا محرومیت و ناعدالتی هست، معلمان دینی رادیکال با استفاده از فرصت با وعده های رویایی به شستشوی مغزهای خسته از تفکر و تعقل می پردازند و اسلامی را ترویج می کنند که در جهت منافع سردمداران آنهاست. «داعش» فقط محصول جهل، عقب ماندگی، محرومیت، فقر و توسعه نیافتگی سیاسی و اجتماعی نیست. «داعش» در عین حال محصول خشونت سیاسی حاکم در خاورمیانه هم هست. رفتار «داعش» در عراق از یک منظر تاریخی خیلی هم بی سابقه نیست. نسل کشی «داعش» در عراق یادآور نسل کشی توتسی ها و رواندایی ها در آفریقا، تامیل ها و سنگالی ها در سریلانکا، صرب ها علیه مسلمانان در بوسنی، اعدام های دسته جمعی در کامبوج توسط پل پت و خمرهای سرخ و جنایات و

را منوط به شناخت و آگاهی می داند. ایمان یک عقد، و پیمان و التزام قلبی و درونی است که انسان با اختیار خود آن را می پذیرد. بنابراین دور از انتظار است وقتی داعش از پذیرش اجباری با زور شمشیر سخن می گوید.

در دعای افتتاح آمده است: «ای خداوند من یقین دارم که تو در موضع عفو و مرحمت مهربانترین مهربانانی و در جایگاه پند دادن به دیگران و عذاب کردن سخت ترین تنبیه کنندگانی.»

از نظر اسلام علاوه بر ضرورت اعمال خشونت نسبت به دشمنان و مجرمان، ایجاد محیطی انذار کننده نسبت به طغیانگران و مجرمان بالقوه، امری ضروری است؛ با این همه رعایت عدالت را حتی در اعمال خشونت، به طور موکد مورد توجه قرار می دهد: «ای مؤمنان به خاطر خداوند، قیام کنید، بر عدالت و قسط گواهی دهید و دشمنی گروهی شما را از عدالت باز ندارد (دشمنی با دشمنان نیز به صورتی عادلانه باشد) دادگری پیشه کنید که این امر به تقوا نزدیکتر است و تقوای خدا را رعایت نمائید که خدا به آنچه می کنید، آگاه است.»

همچنین اسلام به ترجیح دادن عفو به ویژه در مورد قصاص و جلوگیری کردن حتی المقدور از خشونت توصیه می نماید و اگر از خشونت گریزی نباشد، مسلمانان را سفارش می کند که آغاز کننده نباشند. در قرآن از این دست آیات بسیار آمده است و اگر آیه ای در دایره جنگ و قتال می بینیم همه برای دفاع است و در تمام ادیان نیز برای حراست و حفاظت از ارزش ها و اعتقادات و سرزمین به دفاع توصیه شده است و جهاد برای دفاع است نه خشونت.

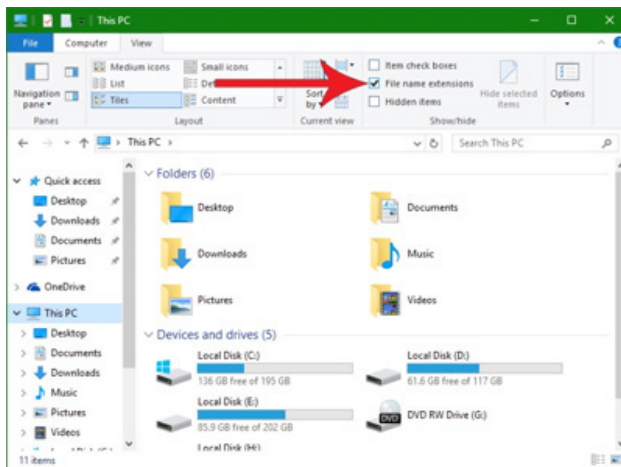
مولا علی (ع) می فرماید: «ای پسر عباس بدان که بصره شیطان را بار انداز است و فتنه ها را کشتزار! پس بصریان را با نیکی کردن شیوه ای نوین بنمای و گره ترس را از دل هاشان بگشای. گزارشی را که بیانگر درشتی و خشونت با بنی تمیم است دریافت کردم، همان قوم که آسمان تاریخ هیچ گاه از ستارگانش خالی نبوده است.»

بنابراین در دین ما بسیار به رحمت و مودت سفارش شده است و حتی مجازات متناسب با جرم تعریف



فرمت فایل ها در ویندوز ۱۰ چگونه نمایش داده می شود؟

گام سوم: اکنون کافایت چک باکس گزینه File name extensions را فعال کنید.

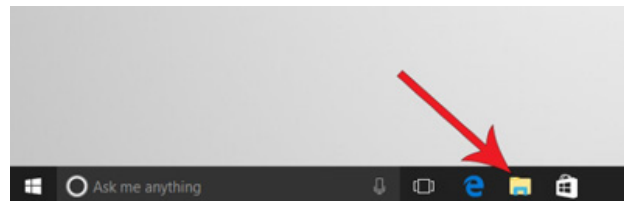


با استفاده از ترفندی که در این خبر به شما آموزش می دهیم می توانید به راحتی فرمت فایل های ویندوز ۱۰ را مشاهده کنید.

هر کدام از فایل ها در ویندوز، بدون حساب کردن نامی که دارد، دارای یک پسوند دو تا چهار حرفی است که با استفاده از آن می توانید به ماهیت و فرمت فایل مورد نظری بپردازید. این پسوند ها با استفاده از یک نقطه از نام اصلی جدا می شوند. برای مثال فایل ۳ Sound.mp3 یک فایل صوتی که است که معمولاً در ویندوز ۱۰ با اپلیکیشن Groove Music قابل اجراست.

اما به صورت پیش فرض، پسوند فایل های شناخته شده در ویندوز ۱۰ قابل مشاهده نیست و شما فایل ۳ Sound.mp3 را به صورت Sound خواهید دید. یکی از دلایلی که ویندوز از نمایش پسوند فایل ها جلوگیری می کند برای عدم اشتباه در تغییر فرمت فایل ها است. در صورتی که مایل هستید فرمت فایل های خود را در ویندوز مشاهده کنید، می توانید از ترفند زیر استفاده کنید.

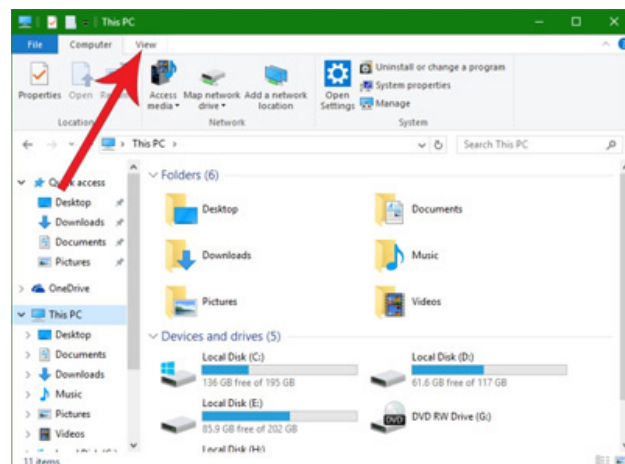
گام اول: ابتدا فایل اکسپلورر را در ویندوز ۱۰ اجرا کنید.



پس از انجام مراحل بالا می توانید پسوند تمامی فایل ها را در ویندوز ۱۰ مشاهده کنید.



گام دوم: در فایل اکسپلورر به سربرگ View مراجعه کنید.





عناوین مطالب

تماس با ما

آرشیو

دوستان

صفحه اصلی

بهمن (محمد جواد) درولی

شهید بهمن، در دورانی که فریادگر بزرگ قرن خمینی کبیر یک تنه با طاغوت به مقابله پرداخت به او بشارت مرگ توسط فرزندان را داد که در آن سال‌ها با در گهواره بودند یا در کوچه‌ها همچون بهمن به بازی کودکان مشغول بودند، بدنیا آمد.

دوران دبستان خود را با موفقیت به عنوان شاگرد ممتاز اما در محرومیت و فقر گذراند. خودش هنگامی که از آن دوران یاد می‌کرد می‌گفت:

خدای را شکر که با محرومیت و فقر بزرگ شدیم و گر نه معلوم نبود اکنون چه سرنوشتی داشتیم که «الفخر فخری» سال‌های ورود به دبیرستان مصادف



با دوران خفقان‌آلود رژیم منحوس پهلوی بود. بهمن مطالعه را شروع کرد، شرکت در مساجد و مجالس و روضه‌ها و هیأت‌ها و مداحی و نوحه‌خوانی در محرم، بهمن را جوانی آماده برای قیام کرده بود. جلسات مخفیانه خود را با دوستان و برادرانش در منزل برگزار می‌نمود و آنان را همانند خود آماده قیام علیه رژیم پهلوی می‌نمود و می‌گفت: «برادران ایمان داشته باشید، بشناسید دنیای اطراف خود را، مردم خود را، و سپس به آنچه علم دارید عمل کنید». ایمان، شناخت و عمل عناصری مهم مدنظر بهمن، که خود در هر سه اینان جلودار بود.

شهید بهمن درولی از همان ابتدای شروع فعالیت‌های اسلامی انقلابی خود برنامه خودسازی را هرگز فراموش نکرد و آنرا در رأس برنامه‌های خود قرار داد گرفتن روزه مستحبی از جمله مواردی بود که شدیداً به آن تأکید می‌کرد. اجرای برنامه‌های سنگین پیاده‌روی، کوه نوردی، دوچرخه‌سواری طولانی راه، به عنوان وسیله‌ای جهت کنترل نفس و حاکمیت به آن و آماده شدن جهت فردای پیروزی انقلاب یادآوری و برنامه‌ریزی و اجرا می‌فرمود.

در تمام این دوران شهید درولی هرگز ارتباطش را با مسجد قطع نمی‌کرد و خود را به یک مسجد خاص محدود نکرد در هر مسجدی در بین جوانان مسلمان حضور داشت، به جلسات قرائت قرآن مساجد رونق می‌بخشید و تأکید فراوان به جلسات تفسیر و تحقیق و تعمیق در قرآن داشت و خود مسئول جلسه‌ای دوره‌ای در منزل بود که با موضوع تفسیر قرآن برگزار می‌شد.

با آغاز جنگ بهمن پس از مجاهدت‌هایش در پیروزی انقلاب وارد بُعد دیگری از مجاهده فی سبیل‌الله گردید و خود را همنشین خاک گرم و خون‌رنگ جبهه‌ها نمود. تمامی سنگرها صدای آشنا او را می‌شناسند، تمامی رزمندگان، روح بزرگ و چهره خندان را بخاطر دارند، جبهه‌های پناه، ایلام، کوشک و دالبری، کرخه، دشت عباس و شوش، سایت ۵ و پاسگاه زید و... او را می‌شناسند. بهمن اینک به عنوان یکی از مسئولین پذیرش سپاه انجام وظیفه می‌کند و غیر از آن هیچ مسئولیتی ندارد اما با نزدیک شدن وقت عملیات راه جبهه می‌شود تا ایمانش را در نبرد با اهریمنان بیازماید و ولایت خود را به صحنه آزمایش بیاورد.

عضویت در شورای فرماندهی سپاه دزفول، فعالیت فرهنگی در تهیه رادیو اهواز و طرح لبیک یا خمینی از جمله فعالیت‌های وی بعد از آرام شدن جبهه و برگشت آن به پشت جبهه می‌باشد.

بهمن با محمد جواد درولی در سال ۶۱ بعنوان دانشجوی ریخته‌گری در دانشگاه علم صنعت تهران پذیرفته شده بود و از رفتن به دانشگاه خودداری می‌کرد و همواره می‌گفت: «مساله اصلی جنگ است».

اما بلاخره با اصرار برادرانش بعد از ۲ سال وقفه تحصیلی راهی تهران شد جهت تحصیل، در حالیکه غمی عظیم از دوری جبهه و شهدا بر قلبش سنگینی می‌کرد. بهمن که با لباس فرم سپاه وارد دانشگاه شد هیاهویی در بین اساتید و دانشجویان برپا انداخت. اما وی با طمأنیه و آرامش و در حالی که جو علیه خود را در دانشگاه می‌دید احساس وظیفه نمود و قصد نبرد کرد، قصد تسخیر خاکریز علم. و این بود که اساتید و دانشجویان دیگر متوجه شدند که او غیر از آنان است و او چیزی دیگر است. تحصیل علم برای بهمن تکلیف بود. او توانست تکلیفش را بخوبی به پایان رساند به نحوی که از رتبه‌های برتر دانشگاه خود گردید.

آری بهمن با روحیه شاد و لبخندی ناشی از پیروزی علمی‌اش و با شتاب راهی دارالمؤمنین دزفول شد زیرا عملیات والفجر ۸ و فتح فاو نزدیک بود...

خاموش کردن سریع ویندوز ۱۰

یکی از تغییرات اعمال شده در ویندوز ۱۰، پشتیبانی نکردن از قابلیت غیرفعال کردن به‌روزرسانی ویندوز است. با این تغییر، تقریباً تمام کاربرانی که از نسخه ۱۰ ویندوز استفاده می‌کنند و رایانه‌شان به ارتباط اینترنتی مجهز است، در بازه‌های زمانی مختلف فایل‌های به‌روزرسانی را از مایکروسافت دریافت کرده و ویندوزی به‌روز را در اختیار دارند.

این به‌روز بودن خوب است، اما در شرایط خاصی ممکن است برای شما دردسرساز شود. به عنوان مثال فرض کنید با لپ‌تاپ خود مشغول انجام کارهای مختلفی هستید و پس از اتمام کارتان قصد دارید به سرعت لپ‌تاپ را خاموش کرده و محل کارتان را ترک کنید. ضمن آن‌که می‌خواهید لپ‌تاپتان را نیز با خود همراه داشته باشید. در این شرایط چنانچه فایل‌های به‌روزرسانی ویندوز دانلود شده باشند، پیش از خاموش شدن رایانه با پیغام نصب فایل‌های به‌روزرسان مواجه خواهید شد و همان‌طور که می‌دانید تا اتمام نصب این فایل‌ها نباید رایانه را خاموش کنید و دقیقاً در همین زمان است که دردسر شروع می‌شود، چراکه در مواردی این به‌روزرسانی‌ها بیش از ۱۵ دقیقه یا حتی ۳۰ دقیقه از وقت شما را می‌گیرند.

دوست دارید در شرایطی که قصد دارید رایانه را سریع خاموش کنید از این مشکل‌رهایی یابید و به‌روزرسانی را به خاموشی بعدی موکول کنید؟ برای انجام این کار کافی است از ترفندهای زیر کمک بگیرید:

روش اول:

در بخشی خالی از دسکتاپ یک بار کلیک کنید و پس از آن کلیدهای Alt+F4 را فشار دهید تا پنجره کلاسیک خاموش کردن رایانه نمایش داده شود. سپس از میان گزینه‌های موجود گزینه Shut down را انتخاب کرده و روی ok کلیک کنید.

روش دوم:

کلیدهای Win+L را فشار دهید تا به صفحه قفل ویندوز وارد شوید. در ادامه از این صفحه روی آیکن پاور کلیک کرده و از منوی به‌نمایش درآمده گزینه Shut down را انتخاب کنید.

روش سوم:

به منوی استارت بروید و ضمن تایپ عبارت Cmd و اجرای Command Prompt، فرمان زیر را وارد کرده و کلید اینتر را فشار دهید: shutdown -s -t





خاطرات حضرت آیت الله خامنه‌ای از روزهای پیروزی انقلاب اسلامی

خواب یا بیدار

در آن روزها ما در یک حالت بی‌تفاوت بودیم. در حالی که در همه‌ی فعالیت‌های آن روزها ما طبعاً داخل بودیم. همان‌طور که می‌دانید ما عضو شورای انقلاب بودیم و یک حضور دائمی تقریباً وجود داشت. لکن یک حالت ناپاوری و بهت بر همه‌ی ما حاکم بود. من یک چیزی بگویم که شاید شما تعجب نکنید.

من تا مدتی بعد از ۲۲ بهمن هم که گذشته بود بارها به این فکر می‌افتم که ما خوابیم یا بیدار. و تلاش می‌کردم که از خواب بیدار شوم. یعنی اگر خواب هستم، این رؤیای طلائی که بعدش لابد اگر آدم بیدار شود هر چه قدر خواهد بود خیلی ادامه پیدا نکند، اینقدر برای ما شگفت‌آور بود مسأله.

سجده شکر...

آن ساعتی که رادیو برای اول بار گفت صدای انقلاب اسلامی، یک همچی تعبیری. من تو ماشین داشتم از یک کارخانه‌ای می‌آمدم طرف مقار امام. یک کارخانه‌ای بود که عوامل اخلاص گر فرصت طلب آن جا جمع شده بودند و شلوغی راه انداخته بودند و در بحبوحه‌ی انقلاب که هنوز شاید بختیار هم بود، آن روزهای مثلاً شاید هفدهم، هجدهم و مشکلات هنوز در نهایت شدت وجود داشت و هنوز هیچ کار انجام نشده بود اینها به فکر باج

خواهی و باجگیری بودند. توی یک کارخانه‌ای راه افتاده بودند، تحریکات درست کرده بودند و اینها، ما رفتیم آن جا که یک مقداری سرو سامان بدهیم. در مراجعت بود که رادیو اعلان کرد که صدای انقلاب اسلامی. من ماشین را نگه داشتم آمدم باین روی زمین افتادم و سجده کردم. یعنی اینقدر برای ما غیر قابل تصور و غیر قابل باور بود. هر لحظه‌ای از آن لحظات یک مسأله داشت، به طوری که اگر من بخواهم خاطرات ذهنی خودم را در آن مثلاً بیست روز حول و حوش انقلاب بیان کنم یقیناً نمی‌توانم همه‌ی آن چه را که در ذهن و زندگی آن روز ما می‌گذشت را بیان کنم.

ورود امام!

روز ورود امام البته آن روز ورود ایشان که ما از دانشگاه، می‌دانید که متحصن بودیم در دانشگاه دیگر، می‌رفتیم خدمت امام، توی ماشین من یک وقتی خدمت خود امام هم گفتم همین را. همه خوشحال بودند، می‌خندیدند، بنده از نگرانی برآنچه که برای امام ممکن است پیش بیاید بی‌اختیار اشک می‌ریختم و نمی‌دانستم که برای امام چی ممکن است پیش بیاید. چون یک تهدیدهایی هم وجود داشت. بعد رفتیم وارد فرودگاه شدیم، با آن تفاسیل امام وارد شدند. به مجرد این که آرامش امام

ظاهر شد نگرانی‌ها و اضطراب ما به کلی برطرف شد. یعنی امام با آرامش خودشان به بنده و شاید به خیلی‌های دیگر که نگران بودند، آرامش بخشیدند.

وقتی که بعد از سال‌های متمادی امام را من زیارت می‌کردم آن جا، ناگهان خستگی این چند ساله مثل این که از تن آدم خارج می‌شد. احساس می‌شد که همه‌ی آن آرزوها مجسم شده در وجود امام و با کمال صلابت و با یک تحقق واقعی و پیروزمندانه این جا در مقابل انسان تبلور پیدا کرده.

وقتی که آمدم وارد شهر شدیم از فرودگاه و با آن تفاسیلی که خب همه‌ی شماها شاهد بودید و بحمدالله هنوز در ذهن همه‌ی مردم شاید آن قضایا زنده است، همان‌طور که می‌دانید امام عصری از بهشت زهرا رفتند به یک نقطه‌ی نامعلومی و برادرانمان حالا به طور مشخص، آقای ناطق نوری امام را در حقیقت ربودند و به یک مأمنی بردند که از احساسات مردم که می‌خواستند همه ابراز احساسات بکنند و امام از شب قبلش که از پاریس حرکت کرده بودند تا دم غروب، تقریباً دمامد غروب دائماً در حال فشار کار و حضور بودند و هیچ یک لحظه استراحت نکرده بودند یک مقداری استراحت بدهند به امام.



امام در مدرسه رفاه

ما هم پائین بودیم یعنی ما در آن حال، ما رفته بودیم رفاه. مدرسه‌ی رفاه کارهایمان را انجام می‌دادیم. قبل از آنی که امام وارد بشوند ما نشسته بودیم با برادرانمان و روی برنامه‌ی اقامتگاه امام و ترتیباتی که بعد از ورود امام باید انجام بگیرد یک مقداری مذاکره کرده بودیم، یک برنامه‌ریزی‌هایی شده بود.

آن روزها یک نشریه‌ای ما درمی‌آوردیم که بعضی از اخبار و مثلاً اینها در آن نشریه چاپ می‌شد، از همان رفاه این نشریه بیرون می‌آمد. یک چند شماره‌ای منتشر شد. البته در دوران تحصن هم یک نشریه‌ی دیگری آن جا راه انداختیم یک دو سه شماره هم آن درآمد.

- عرض کنم که- من برگشتم آن جا و منتظر بودیم لحظه به لحظه که ببینیم چه خواهد شد. اطلاع پیدا کردیم که امام رفتند به یک نقطه‌ای که یک مقداری آن جا استراحت کنند، نماز ظهر و عصرشان را ظاهراً نخوانده بودند نزدیک غروب شده بود، نماز ظهر و عصرشان را بخوانند و اینها. آخر شب بود، من داشتم خبرهای آن روز را تنظیم می‌کردم که توی همان نشریه‌ای که گفتیم چاپ بشود و بیاید بیرون.

ساعت حدود ده شب بود تقریباً، یک وقت دیدیم که از در حیاط داخلی [مدرسه‌ی] رفاه - که از آن

کوچه باز می‌شد یک در کوچکی بود - یک صدای همه‌های احساس کردم من و یک چند نفری آن جا سرو صدا کردند و [پیدا شد] معلوم شد که یک حادثه‌ای واقع شده.

من رفتم از دم پنجره نگاه کردم دیدم بله امام، تنها از در وارد شدند. هیچکس با ایشان نبود. و این برادرهای پاسدار، - پاسدار که یعنی همان کسانی که آن جا بودند - که ناگهان امام را در مقابل خودشان دیده بودند سراز پا نشناخته مانده بودند که چه بکنند و دور امام را گرفته بودند، امام هم علی‌رغم آن خستگی که آن روز گذرانده بودند با کمال خوشروئی با اینها صحبت می‌کردند. اینها هم دست امام را می‌بوسیدند، البته شاید یک ده پانزده نفر مثلاً مجموعاً بودند، همین‌طور طول حیاط را طی کردند رسیدند به پله‌هایی که به حال طبقه‌ی اول منتهی می‌شد و آن پله‌ها پهلوی همان اتاقی هم بود که من توی آن اتاق بودم. من از پنجره آمدم دم در اتاق وارد حال شدم که امام را از نزدیک ببینم. امام وارد شدند. تو حال هم عده‌ای از بچه‌ها بودند اینها هم رفتند طرف امام، دور امام را گرفتند که دست ایشان را بوسند.

من هر چی کردم نزدیک بشوم دست امام را بوسم دیدم که به قدر یک نفر مزاحمت برای امام ایجاد

خواهد شد و علی‌رغم میل شدیدی که داشتم بروم خدمت امام دست ایشان را بوسم، کنار ایستادم و امام از دو متری من عبور کردند.

من نزدیک نرفتم چون دیدم شلوغ است دور و ور ایشان و رفتن من هم به این شلوغی کمک خواهد کرد. عین این احساس را من توی فرودگاه هم داشتم. توی فرودگاه همه می‌رفتند طرف امام من هم خیلی دلم می‌خواست بروم، اما خودم را مانع شدم، بعضی دیگر هم مانع می‌شدند که بروند طرف امام که ایشان را خسته نکنند.

امام آمدند از پله‌ها رفتند بالا و در این حین پای پله‌ها در حدود شاید یک سی چهل نفری، چهل پنجاه نفری آدم جمع شده بود. رفتند دم پاگرد پله‌ها که رسیدند که می‌خواستند بروند بالا. یکپهو برگشتند طرف این جمعیت و نشستند روی زمین و همه نشستند، یعنی خواستند که رها نکرده باشند این علاقه‌مندان و دوستداران خودشان را. یکی از برادران آن جا یک مقداری صحبت کرد و یک خیر مقدم حساب نشده‌ی پرهیجانی - چون هیچکس انتظار این دیدار را نداشت - گفت. بعد هم امام یک چند کلمه‌ای صحبت کردند و رفتند بالا در اتاقی که برایشان معین شده بود راهنمایی شدند به آن جا. و همین‌طور دیگر خاطرات لحظه به لحظه ...

شمیم بهار

بیا بیا که شمیم بهار می آید
دل رمیده ما را قرار می آید
سراز افق بدر آورد صبح آزادی
سرود فتح و ظفر زین دیار می آید
بیا که شد سپری دوره تباهی ها
زمان سروری و اقتدار می آید
گریخت ظالم و برچیده شد بساط ستم
نهال حق و عدالت به بار می آید
بیا که گر رود اهریمن از وطن بیرون
فرشته از طرف کردگار می آید
خوش آمدی به وطن مقدمت گرامی باد
صدای هلهله از هر گذار می آید

ذبیح الله محمدی

یک گل و صد بهار

یاد آن روزی که بهمن گل به بار آورده بود
و آن زمستانی که با خود نوبهار آورده بود
یاد باد آن دل تپیدن های مشتاقان یار
و آن عجب نقشی که آن زیبا نگار آورده بود
عشق را صد رشته جان، در لعل نوشین بسته بود
حسن راصد چشم دل، آیینه وار آورده بود
از گلستان شهیدان تا به مهرآباد عشق
موج دریای زمان، چشم انتظار آورده بود
منکران گفتند با یک گل نمی گردد بهار
لیک ما دیدیم، یک گل صد بهار آورده بود
در نگاهش جلوه گل بود و با غوغای عشق
در چن هر گوشه ای را صد هزار آورده بود

محمد رضا یاسری

فجر انقلاب

برخیز، که فجر انقلاب است امروز
بیگانه صفت، خانه خراب است امروز
هر توطئه و نقشه که دشمن بکشد
از لطف خدا، نقش بر آب است امروز
فجر است و سپیده حلقه بر در زده است
روز آمده، تاج لاله بر سر زده است
با آمدن امام در کشور ما
خورشید حقیقت از افق سر زده است
«والفجر» که سوگند خدای ازل است
روشنگر حق است که با «ال علی» است
این سوره به گفته امام صادق
مشهور به سوره «حسین بن علی» است
شب رفت و سرود فجر، آهنگین است
از خون شهید، فجر ما رنگین است
این ملت قهرمان و آگاه و رشید
ثابت قدم است و قاطع و سنگین است
شب طی شد و روز روشن از راه رسید
خورشید امید شرق، از غرب دمید
عیسای زمان، راز زمین، «روح خدا»
در کالبد مرده، دمی تازه دمید
این نهضت حق، که خلق ما برپا کرد
نه شرقی و غربی است، نه سرخ است و نه زرد
در وسعت و عمق و شور و یک پارچگی
زیباتر از این نمی توان پیدا کرد
جان های جهانیان به لب آمده است
جان در پی حق، داوطلب آمده است
جمهوری اسلامی ما در این قرن
فجری است که در ظلمت شب آمده است
بر ملت تازه رسته از دام و کمند
آن بردگی گذشته، یارب میسند
این در که به روی ما گشودی از مهر
بار دگر از قهر، خدا یا تو مبیند

جواد محدثی

فجر

مژده ای ایرانیان آن ماه شد دیگر عیان
ماه پیروزی حق بر کل طاغوت زمان
دل بده تا خود بدانی فجر چیست
وین همه شور و نشاط بر فجر چیست
سال ها پیش مردم ایران زمین
یک صدا گشتند با فردی امین
او ندا می داد و می گفت آن زمان:
دست نا آهلان کوتاه، هر زمان
این چنین بود آن سخن بردل نشست
دم به دم آن کاخ سلطانی شکست
شاه هم آشفته و پر واهمه
خود فرستاد لشکرش بر غافله
تا کند سرکوب آن مردان حق
تا کند سرکوب آن یاران حق
آن زمان او فکر بر تنبیه کرد
رهبر فرزانه را تبعید کرد
لیک دست خداست بالای دست
تا که هر نا اهل زکشور رخت بست
پس چنین بود ای عزیزان این چنین
قصه ی پیروزی ایران زمین
حسن جوانشیری

فجر بیداری

رسید موسم بهمن بهار باز آمد
جلال محفل ما، بار دل نواز آمد
به بابت خیمه آلاله های صحرایی
«و ان یکاد» بخوان موسم نیاز آمد
درون هر ورق سبز بنگری، بینی
جمال یوسف مصری در این تراز آمد
چراغ لاله فروزان شد از دم عیسی
شمیم یاد عزیزان پاکباز آمد
زمان، زمان طلوع است و فجر بیداری
کنون که جلوه خورشید برفراز آمد
بهار حاجی کد خدایی





همه سیزده سالگی ام

مؤلف: گلستان جعفریان
انتشارات: سوره مهر

«همه سیزده سالگی ام» نوشته گلستان جعفریان دربردارنده خاطرات مهدی طحانیان از دوران اسارت نوجوان ۱۳ ساله‌ای است که حاضر نشد با خبرنگاری حجاب مصاحبه کند.

گلستان جعفریان در کتاب «همه سیزده سالگی ام» در ۱۸ فصل به خاطرات طحانیان از زمان قبل از اعزام به جبهه تا دوران اسارت و بعد آزادی پرداخته است. نویسنده در این اثر تلاش کرده تا طحانیان ۱۳ ساله را به تصویر بکشد. در ابتدای این کتاب مشکلات این نوجوان قبل از اعزام به جبهه بیان شده است و بخش دیگر نیز به روایت مشکلاتی می‌پردازد که در اسارتگاه‌ها برای او ایجاد می‌شود و نیروهای رژیم بعث قصد استفاده تبلیغاتی از او را دارند. نویسنده تلاش دارد تا روایتی دست‌نخورده و بکر از دوران اسارت طحانیان ارائه دهد؛ بی‌کم و کاست، با بیان احساسات همان لحظه راوی و بدون تحلیل‌های فعلی او. جعفریان که در حوزه ادبیات اسارتگاهی فعالیت دارد، قصد دارد تا با نگارش چنین کتابی ضمن نشان دادن تحولات روحی و فکری یک اسیر، زندگی آن لحظه او را به تصویر بکشد؛ با همه تردیدها، ترس‌ها و بدون توجه به وضعیت فعلی او.

در مقدمه این کتاب می‌خوانیم: «سیزده ساله بود که به میدان نبرد رفت و در حالی که هنوز چند روزی به آزادی خرمشهر مانده بود، در همان سیزده سالگی به اسارت عراقی‌ها درآمد. این نوجوان اردستانی ۹ سال از بهترین سال‌های زندگی‌اش را در اردوگاه‌های مختلف عراق گذراند و روزهایی که هنوز خیلی زود بود، شانه‌های نحیف او بار رنج‌خردکننده مبارزه را به دوش کشید.»

به خاطر جثه کوچکش کم‌سن‌تر از سیزده سال به نظر می‌رسید. عراقی‌ها با شعار «ایرانی‌ها بچه‌ها را به زور به جنگ می‌آورند»، از اسرای کم‌سن استفاده تبلیغاتی می‌کردند. تصمیم او برای ایستادگی در برابر سوءاستفاده عراقی‌ها بیش از سن و سال یک سیزده ساله بود. اینک نگارش خاطرات ۱۳ سال اسارت نوجوان سیزده ساله، کوچک‌سال‌ترین اسیر ایرانی که در میدان نبرد به اسارت درآمده، به پایان رسیده است. او که ۱۳ سال از ایام زندگی‌اش را هر لحظه درآماده‌باش زندگی کرد، با ایستادگی در مقابل شکنجه‌های جسمی و روحی مداوم عراقی‌ها طی طریق و سلوکش در راه دین و کشورش را با قدرت ادامه داد، اکنون در چهل و پنج سالگی با نگارش خاطراتش این راه را به پایان رسانده است.»

مهرنجون

مؤلف: محمد محمودی نورآبادی
انتشارات: سوره مهر

«مهرنجون» دربرگیرنده خاطرات آقای نورآبادی از دوران دفاع مقدس با محوریت روستای مهرنجون، زادگاه نویسنده است. محمد محمودی نورآبادی، نویسنده کتاب «مهرنجون در خصوص کتابش گفت: این اثر برگرفته از یادداشت‌های روزانه‌ای است که طی این مدت در جنگ نوشته بودم. این کتاب برگرفته از خاطرات من و تعدادی از رزمندگان روستای محل تولدم «مهرنجون» است.

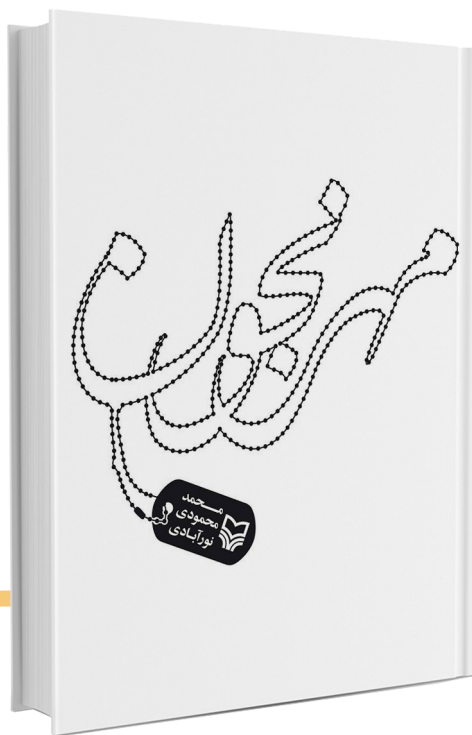
این نویسنده ادامه داد: در خلال خاطراتی که در این کتاب گفته شده بازخوردها و نقشی که یک روستا می‌تواند در جنگ داشته باشد آن هم روستایی که نزدیک به جنگ نبوده و کیلومترها از جنگ فاصله داشته نیز بیان شده است.

نورآبادی، افزود: من بیش از شهر، فضای روستا و ایلات را درک کرده‌ام، به همین خاطر دوست دارم فضای داستان‌هایی که روایت می‌کنم از این مناطق انتخاب کنم. من با تلخی و شیرینی زندگی روستایی آشنا هستم و زندگی و نویسندگی خودم را مدیون این فضا می‌دانم.

وی درباره ویژگی اصلی این کتاب گفت: مهم‌ترین ویژگی این اثر این است که برای اولین بار نقش یک روستا در جنگ نشان داده شده و دیگری آن نگاه بومی و توجه به خورده فرهنگ‌ها است و نکته سومی که می‌توان به آن اشاره کرد نگاه به نسل نوجوان در این اثر است زیرا تمام خاطراتی که در این کتاب آورده شده خاطرات نوجوانان از جنگ است؛ البته خاطرات بزرگسالان نیز در این کتاب به تصویر کشیده شده است.

در قسمتی از کتاب اینگونه آمده است: «غروب شده بود و بچه‌ها با هم پیچ می‌کردند که به نقطه‌هایی نزدیک شده‌ایم یا نه؛ همان مکانی که روی نقشه به ما نشان داده و گفته بودند از آنجا نیروها رها شوند و به سمت دشمن یورش ببرند.

در کانال بودیم که متوجه دوییدن نیروهای جلویی شدیم؛ یعنی همان چیزی که منتظرش بودیم. مثل پرندهای که برای پریدن دست و پای خود را جمع کند، به تجهیزاتم دستی کشیدم و خودم را جمع و جور کردم. دوییدن آغاز شد و ما هم شروع کردیم. سر یک پیچ، که کانال انحنای نسبتاً دایره‌وار داشت، متوجه جدا شدن نیروها از کانال شدم. نوبت به ما هم رسید.»



باشگاه مهربانی پل ارتباطی ما و شماست. با ما در تماس باشید و شماره‌ی خود را هم برایمان بفرستید، شاید روزی صدای گرم شما هم، دلگرممان کند

آرمیتا صالحی - کرج

شما مجله‌ی شاهد جوان دریافت می‌کنید؟
بله
نظرتان در مورد مجله چیست؟
حضور در عرصه فرهنگ و ترویج فرهنگ ایشار و شهادت کار بزرگی است و آدم‌های بزرگ را می‌طلبد.

لیلا نوری - گرگان

نظرتان در مورد مجله‌ی شاهد جوان چیست؟
نسبت به برخی مجله‌هایی که در کیوسک‌هاست امتیاز بالایی دارد و جایش خالی است در صحنه رقابت.
پیشنهاد شما برای پیشرفت مجله؟
تنوع مطالب را زیاد کنید. به موضوعاتی بپردازید که تا به حال کار نشده‌اند.

صادق باویر - خوزستان

نظرتان در مورد مجله‌ی شاهد جوان چیست؟
مجله نسبتاً خوبی است.
صفحه دلخواه شما؟
حماسه‌آفرین و سرچشمه.
دوست دارید چه تغییری در مجله ایجاد شود؟
چیزی که مدتی مد نظر بنده بود شباهت دینی بود. اما چند شماره است که در این مورد کار می‌شود و این مایه خوشحالی است. اگر بشود یک صفحه در مورد شباهت جنگ نیز کار شود به نظر بنده عالی می‌شود.

محمد خاقانی - تهران

نظرتان در مورد مجله‌ی شاهد جوان؟
مطالب در یک سطح هست و فراز و نشیب اندکی دارد.
کجا با مجله‌ی شاهد جوان آشنا شدید؟
پدرم مجله را برای ما تهیه کرد.

زهرا طایی - تهران

مجله شاهد جوان را دریافت میکنید؟
بله

نظرتان در مورد مجله؟
به نسبت گذشته تغییراتی در آن اعمال شده که مایه خوشحالی است.
کدام صفحات را میپسندید؟
گفتگو به خانواده شهدا.

نسرین حسینیقلی - اردبیل

شما مجله‌ی شاهد جوان را دریافت می‌کنید؟
بله. تمام خانواده ما مخاطب مجله هستند.
کدام صفحات را میپسندید؟
بنده گفتگو با مادران شهدا را می‌پسندم.
نظرتان را در مورد این مجله بفرمایید؟
خانوادگی علاقه زیادی به این مجله داریم.

امین رضایی مقدم - ایلام

سلام، از مجله شاهد جوان با شما تماس میگیریم. سلام. در خدمتم.
نظرتان در مورد مجله‌ی شاهد جوان را بفرمایید.
مدت زیادی است که دیگر این مجله را دریافت نکرده‌ام.
از مطالب این مجله چیزی بخاطر دارید؟
مطالب کاملاً به یادم نیست اما موضوع مطالب در مورد حوزه ایشار و شهادت بود.



حامد شکيبا - شهرى

شما مجله‌ی شاهد جوان دریافت می‌کنید؟
بله

نظرتان در مورد مجله چیست؟
مجله‌ای است که همه مخاطبان را راضی نگه می‌دارد.

پیشنهاد خاصی برای بهتر شدن مجله دارید؟
نه به همین سبک پیش بروید.

زهره حسنوند - بیجار

چند سال از آشنایی شما با مجله شاهد جوان می‌گذرد؟
۳ سال.

پیشنهاد خاصی برای پیشرفت مجله ندارید؟
چیزی به ذهنم نمی‌رسد.

وحید اسکندری - نهاوند

چند سالتان است و چند سال از آشنایی شما با مجله شاهد جوان می‌گذرد؟
۳۰ ساله هستم و ۶ ماه از اشتراک بنده می‌گذرد.
صفحات مورد علاقه شما؟
حماسه‌آفرین

حسن جعفری - قم

نظرتان در مورد مجله‌ی شاهد جوان چیست؟
سالهست که این مجله را می‌خوانم و راضی هستم.
کدام صفحه را بیشتر دوست دارید؟
به صفحاتی که مرتبط با حوزه ایثار و شهادت است علاقه دارم

رضارضی - گلپایگان

نظرتان در مورد مجله‌ی شاهد جوان چیست؟
مجله‌ایست مثل تمام مجله‌ها. تنها تفاوتش شهادت است که مایه برتری این مجله است.
صفحات مورد علاقه شما کدام صفحات هستند؟
همه صفحات این مجله خواندنی است.

مهدی محمدپور - محلات

شما مجله‌ی شاهد جوان را دریافت می‌کنید؟
بله.
مجله شاهد جوان را چگونه ارزیابی می‌کنید؟
هر چیزی که به اسم شهدا مزین باشد نیازی به ارزیابی ندارد چون شهدا مایه برکت هستند.
کدام صفحه را بیشتر دوست دارید؟
صفحات در مورد شهدا.

مینا کارزاد - کاشان

نظرتان در مورد شاهد جوان چیست؟
مجله خوبی است.
به کدام صفحه علاقه‌مندید؟
بنده معمولاً تمام صفحات مجله را مطالعه می‌کنم.
چه پیشنهادی دارید؟
بروز بودن اطلاعات و اینکه مطالب و گفتگوهای شما تولیدی هستند برای ما بسیار ارزشمند است.
سعی کنید کار تولید محتوا را در تمام صفحات لحاظ کنید.
ممنون از وقتی که در اختیار ما گذاشتید.

نامه‌های رسیده

میناکمالی، نهاوند - معین محمدپور، تهران
لیلانوری، گرگان - مریم سبحان‌فر، تهران
زینب آزادی، تهران - سینا مهدی‌زاده، اوجده
سمیرم - تبریز - موسی عبد‌الرزاقی، لیا
خوزستان - علیرضا ناجی، پاه - هلینا
بهرامی، اراک - زهره ابراهیم، سیرجان -
رعنا ضایی، میناب - مژده کاشانی، بیرجند
- مولود مؤیدی، ساری - بابک طایی، تهران
- رضا صبحی - تهران



نرگس لبخنده - تهران

نظرتان در مورد مجله‌ی شاهد جوان چیست؟
مجله‌ی خوبی است من تمام صفحاتش را مطالعه می‌کنم.
صفحه‌ای هست که بخواهید مطلبی را جایگزین آن شود؟
خیر. فقط اگر ممکن است شهدای نخبه را معرفی کنید.

ایمان صحبتی - سمنان

کدام صفحه از مجله را می‌پسندید؟
کلاً من با صفحات آشپزی و مطالب آزاد میانه خوبی ندارم.

در کل مجله‌ی شاهد جوان را چگونه می‌بینید؟
کلیت مجله خوب است اما هنوز جای کار دارد.

محمد مهدی رجبی - اصفهان

شما مجله‌ی شاهد جوان را دریافت می‌کنید؟
بله. ۵ سال است که همراه دریافت می‌کنیم.
نظرتان در مورد مجله‌ی شاهد جوان چیست؟
مجله خوبی است اما شخصاً علاقه دارم همایش‌هایی سالانه اجرا کنید که به صورت جشن تولد مجله است تا مخاطبان و دبیر تحریریه فرصت برای دیدار داشته باشند.

طاهره رشتی - تهران

شما مجله‌ی شاهد جوان را دریافت می‌کنید؟
قبلاً بله، اما نزدیک یک سال است که اشتراک ما تمام شده است.
کجا با مجله‌ی شاهد جوان آشنا شدید؟
در بنیاد شهید چون ما از فرزندان ایثارگران.
نظرتان در آن مدت که جز مشترکین این مجله بودید، را بفرمایید؟
در کل مجله خوبی است.

فروردین

«

ای دوستان وای همه آشنایان بشتابید و تا دیر نشده به خود برگردید و شیطان که سالیان سال سرمایه عمر ما را به باد برده و به گناه تبدیل کرده است تا به مرز مرگی نزدیک نشده‌اید جلو شیطان را بگیرید و از او دور شوید که تنها دشمن شیطان است.

شهید رحمت زمانی زاده بهابادی

مرداد

«

پشتیبان امام و انقلاب باشید و خون شهیدان را همواره پاس دارید.

شهریور

«

و شما را آزمایش کنیم به هر چیز از ترس و گرسنگی و کم شدن مال شما و جان شما و میوه‌ها و مژده به صبرکنندگان است که اگر مصیبتی به آنها برسد گویند که ما از خداییم و به سوی او باز خواهیم گشت.

شهید نعمت‌اله قدیری

اردیبهشت

«

سفارشم آن است که امت قهرمان خصوصاً شما ارتشیان، سپاهیان و بسیجیان عزیز که الگوی این جامعه اسلامی هستید همیشه اخلاق اسلامی را سرمشق و سرلوحه امور خویش قرار دهید و همیشه با عمل نیکنان مبلغ اسلام باشید که بهترین شیوه در اسلام عمل نیک است.

شهید سید مهدی زابیری امیرانی

خرداد

«

همیشه به فکر کارهای بد و گناهان خود که مرتکب شده‌اید، باشید.

شهید سلمان صالحی

مهر

«

قرآن کریم می‌فرماید: و از خدا طلب آموزش کن که خداوند البته آمرزنده و مهربان است.

شهید مرتضی محمدی

تیر

«

ایها خدایا تو میدانی که عشق و ایمان به تو مرا به این آتشگاه کشانده است و تنها هدفم یاری اسلام و قرآن تو بوده است

آبان

«

چقدر از حقیقت دورند کسانی که به مال و اولاد سخت دل بسته‌اند و چقدر از حقیقت دورند کسانی که دین را سیرجان خود قرار دادند در صورتیکه سنت پیامبر به ما می‌گوید که جان را سپردن قرار دهید و از دین حمایت کنید.

شهید حمیدرضا مجیری

در این شماره هم نیت شما «متولدین هر ماه» تفرّلی زدیم به وصیت شهدا که امید در آینه‌ی وصیت شهدا برسیم به آنچه که از ما می‌خواهند و خدا می‌خواهد و ما می‌خواهیم.

آذر

از دوستان ورزشکار خود می‌خواهم که در کنار ورزش به وضع مملکت هم توجه داشته باشند و همواره به انقلاب اسلامی هم کمک کنند دوستان عزیز اگر از دوست حقیر خودتان ابراهیم آزاد داور ناراحتی و بدی یا چیزی دیگری دیده‌اید امیدوارم بخوبی خودتان مرا ببخشید

شهید ابراهیم آزاد داور

دی

هم اکنون در سعادنگاه عشق و شهادت در حجله‌گاه خون عروس سرخ شهادت را در بر می‌گیرم و به دنبال خط سرخی که از لایه‌لای گونی‌های سنگرم و اثر بیابان‌های تفتیده خوزستان گذشت می‌روم تا به کاروان شهدا که آرام آرام به سوی تجلی‌گاه حق در حرکت است پیوندم.

شهید داود توکلی بنیزی

بهمن

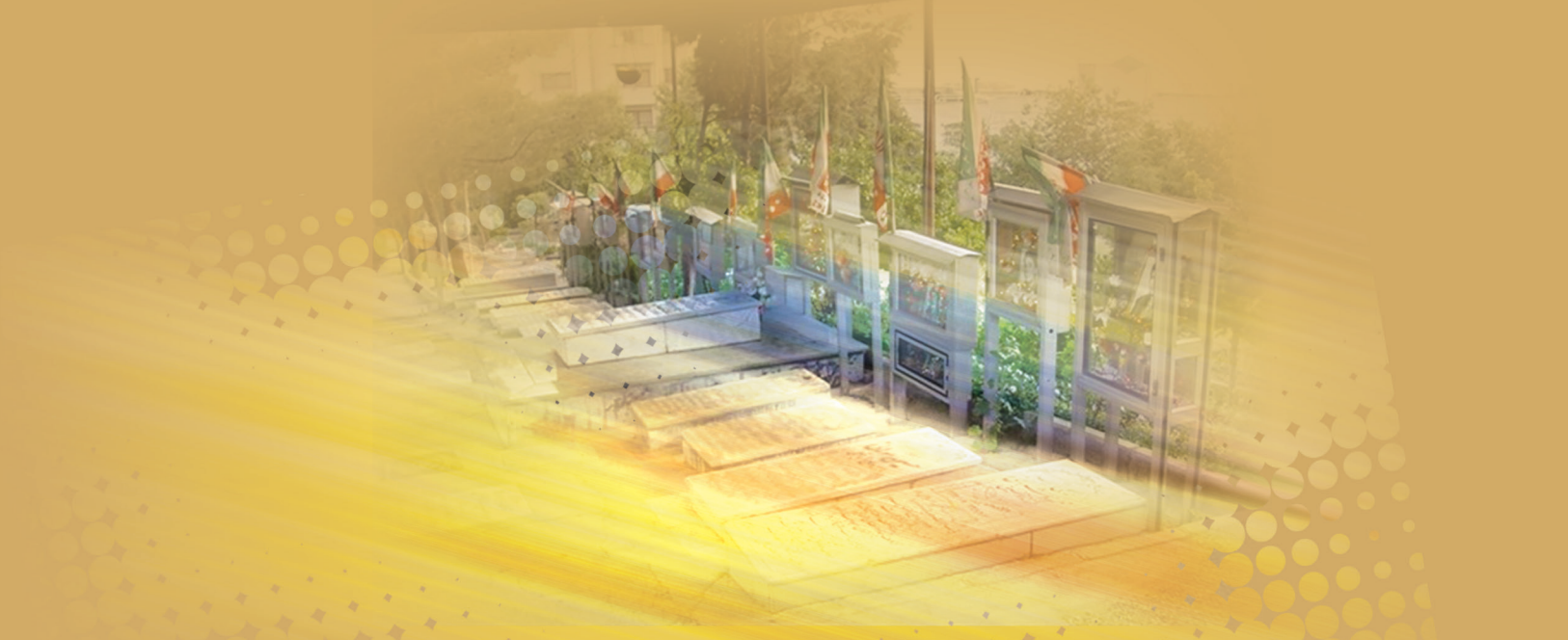
هدفم خدا، مکتبم اسلام و مرادم روح الله است هرگلوله‌ای که شلیک می‌کنم برای خدا و قلب مزدوری را هدفش می‌سازم به یاد خداست و هرگلوله‌ای که تنم بخورد به یاد خدا تحمل می‌کنم دردش و زهرش را که شیرین‌تر از عسل است.

شهید محمدرضا چیتی

اسفند

قال علی (ع): من الرائح الی الله كالظمان بردالماء: نهج البلاغه ۱۲۴
رونده بسوی خدا همچون انسان تشنه‌ای است که به آب می‌رسد.

شهید غلامرضا صالحی سده



Pilgrimage Vadi Rahmat (Mercy Land) on foot

He had gone to Vadi Rahmat Cemetery on foot and returned. I asked him: "Why on foot? Did not you think that you are a child an animal will attack you?" Those days, Vadi Rahmat Cemetery was very far from the city and dangerous for a child. I quarrelled with him. He answered me: "Mother! I go everywhere on foot. Do not worry." His friends had disclosed some issues. I asked him: "Why? Don't I give you money?" He answered: "Of course you do, but I collect them for war front."

I was so ashamed of my words that when he asked permission to go to war front, I let him go. When he liked to go, why should I stop him?

He went and stayed there heart full for a long time. He returned after twenty years on the shoulders of people and went straightly to Vadi Rahmat Cemetery. I told him: "Jafar! It is not necessary to come on foot. No problem if you have no money. You have lots of friends who has brought you on their shoulders. O my son! Welcome!"

A memory of martyr Jafar Jahani's mother (Tabriz. Easter Azerbaijan)

ترجمه‌ی شماره قبل
مشارکت اقلیت‌های دینی در دفاع مقدس منحصر به جانبازی در خطوط مقدم جبهه نبود بلکه صنعتگران آنان با حضور مؤثر خدمات شایان توجهی را به دفاع مقدس انجام دادند. این عده در پشت جبهه و در نزدیکی خط مقدم به تعمیر و راه‌اندازی ماشین‌آلات سنگین اشتغال داشته و در این راه ۲۶ شهید از میان مهندسان و صنعتگران خود را تقدیم کشور کردند.
همدلی و همراهی اقلیت‌های دینی بویژه ارامنه ملهم از کانون‌های مذهبی همچون مراکز خلیفه‌گری در تهران، تبریز و اصفهان بود.
این حمایت‌ها به همراه حضور رزمندگانی از میان جوانان اقلیت‌های دینی از ابتدا تا پایان جنگ استمرار داشت، به طوری که تنها ارامنه ۷۴ شهید و مفقودالاثر، ۳۵ آزاده و ۱۰۵ جانباز تقدیم تمامیت ارضی کشور کردند.



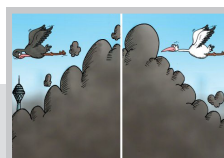
از شما خوانندگان عزیز مجله می‌خواهیم در صورت تمایل متن فوق را ترجمه کرده و به آدرس ما ارسال کنید. به بهترین ترجمه جایزه داده می‌شود.

برنده ترجمه‌ی شماره گذشته:
فرزانه صمدی - تهران



کاریکاتوریست: مهدی رسولی

خوانندگان عزیز مجله‌ی شاهد جوان می‌توانند برداشت خود را از کاریکاتور نوشته و به دفتر مجله ارسال کنند. مجله‌ی شاهد جوان ضمن اعلام برندگان به بهترین نوشته جایزه می‌دهد. حتماً روی پاکت قید شود: مربوط به شاهد جوان.



برنده شماره گذشته:
مونا فراحانی

آلودگی هوا به تهران بازگشت!

هر روز هر روز نقد و تحلیل را ببینید

www.navideshahed.com

